

اسنادی از

روابط ایران و آمریکا در دوران ریاست جمهوری کندی

جلال اندرمانی زاده

آنچه پیش روی خوانندگان گرامی است تعدادی از اسناد انتخاب شده مربوط به مقطع کوتاهی از دوره طولانی روابط ایران و امریکاست. این دوران، که شاید برای شاه به عنوان مصیبت‌بارترین دوران روابطش با امریکا محسوب می‌شود قابلیت بررسی و تحقیق فراوان دارد. به هر حال، با توجه به اسناد و مدارک و کتب منتشر شده موجود در این زمان نه امریکا اطمینان چندانی از ماندگار بودن نظام شاه با توجه به اوضاع بحرانی آن زمان داشت و نه شاه رفتار دولتمردان امریکا را نسبت به خود می‌پسندید. این دوره فترت چهارده ماهه، با آمدن امینی برای شاه آغاز شد و با اطمینان یافتن امریکا از ادامه اصلاحات مورد درخواستش به وسیله شاه و کنار رفتن امینی به پایان رسید.

هنگامی که یک خبرنگار امریکایی در مورد محبوب‌ترین رؤسای جمهور امریکا نظر شاه را سئوال می‌کند شاه جوابی می‌دهد که نشان از نارضایتی وی از برخی سیاستهای امریکا در گذشته دارد. او می‌گوید: «وقتی درباره امریکای نجیب و نیرومند فکر می‌کنم نام آیزنهاور، اورل هریمن، ریچارد نیکسون، ترومن و لیندون جانسون به ذهنم خطور می‌کند.»^۱ چنین به نظر می‌رسد نام نبرد شاه از کندی در بین سایر رؤسای جمهوری امریکا ناراحتی وی را نسبت به کندی نشان می‌دهد. شاه که بعدها موقعیت خود را مستحکم‌تر می‌بیند با اطمینان و جرئت بیشتر در

۱. محمدرضا بهلوی. پاسخ به تاریخ. مترجم حسین ابوترابیان. تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۸۵.

مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه یواس نیوزاند ورلد ریپرتس^۲ در سال ۱۳۴۸ با تلخکامی از دوران کندی چنین یاد می‌کند: دوران بد ما با شما سالهای ۱۹۶۱-۶۲ (۱۳۴۰-۴۱) بوده است. ولی حتی پیش از آن نیز دورانهایی بوده است که آزادیخواهان بزرگ آمریکا با این تصور که روش دموکراسی آنها راهی بی‌نظیر و ممتاز است سعی داشتند با اصرار آن را به خورد دیگران بدهند و بعدها شاه اضافه می‌کند: «من پیام کندیها را کم و بیش به عنوان ضربه‌ای از سوی آمریکا به خودم تلقی می‌کنم»^۳.

تا قبل از روی کار آمدن دموکراتها و کندی بر کرسی ریاست جمهوری آمریکا، جمهوریخواهان که از سیاست سنتی بعد از جنگ جهانی دوم، یعنی مشت آهنین و تکیه بر نیروهای نظامی، پیروی می‌کردند دچار مشکل جدیدی شدند و آن قرار گرفتن خروشچف در رأس دولت شوروی و اعلام شعارهای جدید در سیاست خارجی آن کشور بود. خروشچف با اعلام تز همزیستی مسالمت‌آمیز و آمادگی جهت پشتیبانی از ملت‌های مظلوم تحت سلطه امپریالیسم و جبهه‌ای مطلوب نزد مردم جهان سوم پیدا کرده بود. کشورهای تحت سلطه آمریکا که عموماً به وسیله دیکتاتورهای محلی اداره می‌شدند در جبهه اول حمله شوروی به سیاستهای آمریکا قرار گرفتند و احتمال سقوط آنان احساس می‌شد. این امر می‌توانست نتیجه‌ای تأسف‌بار برای آمریکا در پیش داشته باشد. ادامه سیاستهای گذشته نظامیهای قدیمی‌ای همچون آیزنهاور دیگر ممکن نبود و نیکسون که جانشین آیزنهاور محسوب می‌شد مقهور قدرت کندی که هم چهره‌ای جوان بود و هم افکاری به ظاهر آزادمنشانه داشت شد.

جرج لنچافسکی می‌نویسد:

احراز مقام ریاست جمهوری در ژانویه ۱۹۶۱ به وسیله جان اف. کندی چرخش بزرگی در سیاست خارجی آمریکا به شمار می‌رفت. اینکه این چرخش استراتژیکی بود، یعنی هدفها و جهت‌یابیهای جدید و اساسی‌تری را شامل می‌شد یا اینکه تنها جنبه تاکتیکی داشت، ممکن است به گونه‌ای توجیه‌پذیر قابل بحث باشد. شکی نیست که رئیس جمهور جدید، که از لحاظ سن و شکل و قیافه ظاهری جوانش با سالخوردگی و شخصیت پرزیدنت آیزنهاور بازنشسته به کلی مغایرت داشت - بر نیاز ملی به تغییر و پیشرفت در داخل و خارج کشور و اتخاذ سبک جدیدی در اداره سیاست خارجی تأکید داشت. این سبک نه تنها با دخالت شدید در روند تصمیم‌گیری (که در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور نیز وجود داشت)، بلکه



محمدرضا بهلوی و دوایت آیزنهاور | ۳۲۰۰-۴

«اعتقاد به لزوم اقدامات حاد شخصی» به وسیله تماسهای پی در پی و مکاتبه با تعدادی از رهبران جهان مشخص می‌شد. تحول، انقلاب، ترقی، نوگرایی و پیشرفت در موارد متعدد، کلمات رمز و مفاهیم کلیدی برخورد کندی با مسائل جهان بود. او در ماه مه ۱۹۶۱ در بوستون اعلام کرد: من برای دیدار آقای خروشچف به وین می‌روم؛ من به عنوان رهبر بزرگ‌ترین کشور انقلابی روی زمین به این ملاقات می‌روم.^۴

این سخنان و تحرکات خاص کندی تصمیم جدی بر تغییر سیاستهای گذشته آمریکا را نشان می‌داد و کندی از این طریق می‌خواست ابتکار عمل را از دست شورویها بگیرد. شاه که بعد از داشتن دو دهه رابطه خوب با آمریکا که نزدیک به یک دهه آن رابطه‌ای تنگاتنگ بود و از کمکهای تقریباً شایان توجه آمریکا (چیزی بیش از یک میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی) بهره‌مند شده بود از سخنان کندی چندان رضایتی نداشت و

۴. جرج لِنچافسکی، رؤسای جمهور آمریکا و خاورمیانه، مترجم عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز،

هراسان شده بود به رقیب انتخاباتی وی یعنی نیکسون کمکهای قابل توجهی کرد.^۵ آیزنهاور نیز که نگرانی شاه را نسبت به آینده‌اش می‌دید در نامه دوستانه و سری خود به تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۰ (۲۹ شهریور ۱۳۲۹) به شاه دلگرمی مجدد می‌دهد و می‌نویسد:

ما بایم تضمین‌های قبلی خود را مجدداً تکرار نمایم که ایران در مبارزه برای حفظ وحدت و تمامیت ارضی، آزادی و استقلال خود تنها نخواهد بود؛ ایالات متحده در کنار دیگر کشورهای دوست به کمک و حمایت خود از ایران به عنوان عنصر ارزشمند و سخنگوش دنیای آزاد ادامه خواهد داد. بعضی اوقات گفته می‌شود که ایالات متحده در خلال دوران مبارزات انتخاباتی در مورد هر گونه اقدام جدی و قاطع مردد و عاجز است. حقیقت فراتر از این حرفهاست و هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را بگیرد. این واقعیت که به زودی یک انتخابات در این کشور برگزار خواهد شد تصمیم و اراده حکومت و مردم ما را برای اقدامات ضروری در کمک به ملل آزاد به منظور رویارویی و مقابله با تهدیدات و تجاوزات کمونیسم، در هر نقطه‌ای که می‌خواهد باشد، تضعیف نخواهد کرد. رئیس جمهوری بعدی ایالات متحده، هر کسی که باشد، مطمئنم که به اندازه خود من مصمم به حفظ و ادامه روند ثابت مقاومت ما در برابر امپریالیسم کمونیسم خواهد بود... اینجانب بی‌نهایت از دوستی نزدیک با شما که ظرف این چند سال روبرو توسعه نهاد محظوظ گشتم و این چیزی است که همواره آن را ازج می‌نهم. اطمینان دارم که جانشین من، هر شخصی که می‌خواهد باشد، تمامی هم و غم خود را به حفظ و گسترش این روابط دوستانه که مبتنی بر تبادل نظر صادقانه و صریح می‌باشد، معطوف خواهد نمود و یقین دارم که وی نیز به اندازه من رهبری داهیانیه حضرت‌عالی بر کشورتان را مورد تقدیر قرار خواهد داد.^۶

کندی با اختلاف اندکی بر نیکسون پیروز شد و این مسئله بر نگرانی شاه افزود. کندی در اولین نطق رسمی خود طی سخنانی خط‌مشی سیاسی خود و حزب دموکرات را

۵. با اینکه شاه اعتقاد داشت که نیکسون باید پیروز شود ولی احتیاط را نیز از دست نداد به طوری که چندین ماه قبل از انتخابات امریکا به وسیله سفیر وقت ایران یعنی اردشیر زاهدی از کندی برای آمدن به ایران جهت شکار دعوت به عمل آورده بود. به طوری که حسین علاء وزیر دربار در مورد این دعوت به زاهدی می‌نویسد: «این‌جانب با عقیده جناب‌عالی موافقم که مسافرت این اشخاص به ایران بسیار مفید و ممکن است برای شهرت ما نتایج خوبی در برداشته باشد.» مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۶-۲۱۴-۱۱۵ از ۶. سند شماره ۴ از همین مجموعه اسناد.

چنان بیان می‌کند که گویا نوک حمله سخنانش حکومت‌های دیکتاتوری چون شاه و امثال آن را هدف گرفته است:

به آن کسانی که در بیغوله‌ها و روستاهای نیمی از کره زمین در پی پاره کردن بندهای نگون‌بختی توده‌ها در مبارزه و ستیزند تعهد می‌سپاریم که بهترین و بالاترین کوشش خود را تا هر زمان که لازم باشد به کار بندیم، تا قادر به خود یاری گردند. این کار نه به خاطر آن است که امکان انجامش توسط کمونیستها وجود دارد، نه برای آن است که ما نیازی به آراء آنها داریم، بلکه به این جهت است که ما آن را کار درستی می‌دانیم. اگر یک اجتماع آزاد نتواند یاور و مددکار بینوایان باشد یارای نگاهداری از معدودی ثروتمند را نیز نخواهد داشت.^۷

کندی با این سخنان و شعارهای آرمانگرایانه، که نزدیکی چندانی با سیاست‌های گذشته آن کشور نداشت، در واقع جبهه جدیدی مقابل سیاست‌های خروشچف باز کرد و سریعاً نیز همه امکانات خود را جهت حفظ ظاهر حکومت‌هایی که روابطی نزدیک با آمریکا داشتند بسیج کرد. ایران از جمله این کشورها بود. ویژگی خاص جغرافیایی و منطقه‌ای ایران بر سرعت عمل امریکاییان می‌افزود. کندی و مشاورانش بر این نظر بودند که اصلاحات باید از رأس هرم قدرت و حاکمان شروع شود و تا پایین آن هرم ادامه یابد. نسخه پیچیده شده شامل اصلاحات ارضی، مسکن، بهداشت و نظام آموزشی بود. البته کندی در پس این مسائل که به نظر انسانی و موجه جلوه می‌کند هیچ‌گاه ابزار قدرت، که همان نیروهای سرکوبگر حکومتی باشند، را طرد نکرد و بر این نظریه بود که هرگاه باز با وجود این اصلاحات حکومت شکست خورد بتوان از آن ابزار استفاده کرد. چنانکه دیدیم در ایران نیز بعد از اصلاحات در هنگامه طغیان مردم در قیام ۱۵ خرداد از حربه سرکوب به وسیله نیروی نظامی در حد مطلوبی استفاده شد.

نظام حکومتی ایران که با نگرانی سیاست‌های جدید آمریکا را نظاره می‌کرد به هر حال چاره‌ای جز هماهنگی خود با این روشها نداشت به طوری که سازمان اطلاعات و امنیت ایران در سال ۱۳۳۹ طی تحلیلی به شریف‌امامی نخست‌وزیر وقت چنین می‌نویسد:

بالاخره سناتور کندی در مقابل رقیب خود نیکسون پیروز گردید. در گزارش تقدیمی ساواک پیش‌بینی شده بود که با روی کار آمدن سناتور کندی باید انتظار داشت تغییرات عمده‌ای در سیاست آمریکا، به خصوص در سیاست خارجی، پدید آید و این بدون تردید در روابط آمریکا و دولت شاهنشاهی نیز مؤثر خواهد بود و از این رو جادارد که مقامات دولت شاهنشاهی با دقت آثار ناشیه از انتخابات جدید آمریکا را

۷. جیمز ایل. همان، ص ۱۸۳.

مورد مطالعه قرار دهند... اولین مطلبی که در این بررسی جلب نظر می‌کند اختلاف اصولی [ای] است که بین سیاست‌کنندی و سیاست سلف وی وجود دارد. مبانی سیاست نیکسون که بر پایه تعقیب سیاست آیزنهاور پایه‌گذاری شده بود و در حقیقت ادامه اصول سیاست گذشته بود در حالی که قدم اول برنامه کارکنندی تحول در روشی است که جمهوریخواهان مدافع و مجری آن بودند.^۸

ساواک در ادامه این گزارش ضمن بررسی اختلافات این دو حزب در چهار مورد مهم در سیاست‌گذاری‌های جهانی پیشنهاد می‌کند با توجه به ابتدای شروع کار گروه جدید در امریکا، با اعزام هیئتی عالی‌رتبه به آنجا به بررسی اوضاع حکومت جدید امریکا و یارگیری و جلب نظر سیاسیون جدید برآید. این پیشنهاد مورد تصویب شاه قرار می‌گیرد و هیئتی عالی‌رتبه از ساواک به ریاست تیمور بختیار، مرد قدرتمند شاه، برای این امر مهم به امریکا اعزام می‌شود، و این در حالی بود که تنها کمتر از یک ماه از استقرار سردمداران جدید امریکا می‌گذشت.

البته اعزام این هیئت هر چند غیررسمی بود ولی به سرپرستی شخصی که یکی از عوامل اصلی سرکوب مخالفان حکومت ایران محسوب می‌شد موجه به نظر نمی‌رسید و ممکن بود که حساسیت برخی از رهبران جدید امریکا را برانگیزد، چنانکه چنین هم شد و بختیار در بازگشت به ایران از رفتار تحقیرآمیزی که برای دیدار با کنندی پیش آمده بود به شاه گله می‌کند. در یادداشتی که از مذاکره بین زاهدی و یکی از دولتمردان امریکایی در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۶۱ (۱۳۴۰/۱/۲) به جای مانده چنین می‌خوانیم: «زاهدی همچنین تذکر داده است که سپهبد بختیار از رفتار تحقیرآمیزی که با او در واشینگتن انجام گرفته و اینکه تعیین وقت برای دیدار با ریاست جمهوری سه هفته به درازا کشیده به شاه گله کرده است.»^۹

بختیار علاوه بر وظیفه اصلی‌اش که رساندن نامه شاه به کنندی برای دریافت کمک‌های بیشتر بود از طریق دوستان امریکایی صاحب نفوذ ایران در دستگاه‌های سیاسی و اداری امریکا موفق به دیدار با بسیاری از شخصیت‌های مهم در آنجا گردید. ملاقات‌شوندگان را می‌توان به سه گروه مختلف تقسیم کرد:

۱. سیاستمداران و نمایندگان کنگره امریکا
۲. صاحبان جراید و رسانه‌های همگانی
۳. صاحبان سرمایه که اکثراً از یهودیان صاحب‌نفوذ در امریکا بودند.

۸ سند شماره ۸ از همین مجموعه اسناد.

۹ جیمز ایل. همان، ص ۱۹۴.



تیمور بختیار | ۶۶۵-۱۲۱-خ |

در مورد دسته اول، یعنی سیاستمداران، بختیار با پدیده جدیدی روبه‌رو شد. از یک سو همه این شخصیتها بر شروع اصلاحات در ایران تأکید می‌کنند ولی از طرف دیگر در نحوه پرداخت کمکهای نظامی و اقتصادی دچار تشتت آراء و نظرات متفاوت هستند. در همان حال که شخصی چون لویی جونز مدیرکل امور خاورمیانه وزارت امور خارجه آمریکا سخن از کمکهای اقتصادی و فنی به ایران به میان می‌آورد و اعلام می‌کند که هیچ‌گونه تغییری در سیاست آمریکا پیدا نشده است،^{۱۰} چند روز بعد جرج مک‌گی رئیس قسمت طرح سیاست خارجی وزارت خارجه آمریکا که در تدوین سیاستهای خارجی آمریکا نقش مهمی داشت جوابی ناامیدکننده به درخواستهای بختیار می‌دهد و می‌گوید:

ورود ایران به پیمان بغداد صرفاً به تصمیم خود دولت ایران و با توجه به مقتضیات منطقه‌ای بوده و آمریکا هیچ‌گونه قولی به دولت ایران در قبال الحاق به پیمان بغداد نداده... ایران احتیاجی به تجهیز بیش از اندازه ارتش خود ندارد... اگر به پاکستان و ترکیه نسبتاً کمک نظامی و اقتصادی بیشتری می‌شود برای آن است که این ممالک

۱۰. سند شماره ۹ از همین مجموعه اسناد.

مانند ایران دارای درآمد نفت نیستند... مهم‌ترین عامل جلوگیری از کمونیسم این است که مردم به آب و خاک خود علاقه‌مند باشند و بدین منظور باید حداکثر کوشش برای بالا بردن سطح زندگی و بسط عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه درآمد به کار رود.^{۱۱}

و در نهایت بختیار از سخنان مک‌گی این طور نتیجه می‌گیرد که: «لحن آقای مک‌گی خیلی صریح بود و روی هم رفته این طور استنباط شد که وی موافق با افزایش کمک به ایران نیست و وضع اجتماعی و سیاسی فعلی ایران را نمی‌پسندد.»^{۱۲}

در مورد گروه دوم، بختیار به موفقیت‌هایی می‌رسد و با شخصیت‌های مطبوعاتی آمریکا در آن زمان از قبیل فیلیپ گراهام ناشر روزنامه واشینگتن پست، کنن سردبیر نشریه میدل ایست ریپرت و سردبیران و مسئولان مجلات تایم و لایف و نیز سردبیران مجموعه مطبوعاتی هرست دیدار می‌کند. در این دیدار فیلیپ گراهام پیشنهادهایی از قبیل دعوت از رهبر برجسته سندیکای کارگری آمریکا برای بازدید از ایران و یا دعوت از روزنامه‌نگاران برجسته امریکایی به ایران داد.

صاحبان سرمایه نیز که از گروه سوم بودند عمدتاً به وسیله سفیر اسرائیل در آمریکا، با بختیار دیدار کردند و واسطهٔ دوم این بازدیدها شخصی به نام بلوشتن بود. بختیار در معرفی بلوشتن می‌نویسد، «آقای بلوشتن یکی از یهودیان بسیار ثروتمند امریکاست که به خصوص در شرکتهای نفتی استاندارد اویل اف ایندیانا و نیوجرسی سهامدار است و چندی پیش نماینده امریکا در سازمان ملل بوده و از شخصیت‌های متنفذ در سیاست امریکاست.»^{۱۳}

باتوجه به جمع‌بندی‌های نهایی بختیار از این دیدارها، و با اطلاعاتی که ارائه می‌دهد شاه چاره‌ای جز تن دادن به برخی تغییرات که حداقل موجب رضایت‌کنندگی را فراهم سازد ندارد. گام نخست این تغییر و تحولات متوجهٔ بختیار، مرد قدرتمند ساواک شد و شاه وی را برکنار کرد. دومین تغییر عمده که برای شاه گران می‌آمد عزل شریف‌امامی و بر سر کار آمدن دکتر علی امینی بود که شاه چندان دل خوشی از وی نداشت. ولی با فشار امریکا این عمل انجام شد، چنانکه خود شاه به تلخی از آن یاد می‌کند و می‌نویسد: در بیست سال پیش که نخست‌وزیرم، شریف‌امامی، به من هشدار داد ایالات متحد در پشت تحریکات دانشجویی است و مشغول ایجاد مزاحمت در داخل و خارج ایران است، می‌بایست حرف او را باور می‌کردم. در آن زمان شریف‌امامی به

مقتضای مسئولیت قانونی‌اش ضربت سخت این دشمنی را خورد. ایالات متحد خواهان عزل او و انتصاب هوادار خودش به نخست‌وزیری شد. این شخص علی امینی بود، و در آن زمان به خصوص از وقتی که جان اف. کندی رئیس جمهور شد زیر چنان فشار سختی قرار گرفتم که نمی‌توانستم تاب بیاورم. پرزیدنت کندی هرگز با من سر مخالفت نداشت. او را دوست خود می‌پنداشتم، هر چند که تماس مستقیم زیادی نداشتیم. نخستین دیدارمان با خانواده کندی در کالج سفید را خوب به یاد می‌آورم: ژاکلین کندی از برق شگفت‌انگیز چشمان امینی سخن گفت و اظهار امیدواری کرد که من او را نامزد نخست‌وزیری بکنم. سرانجام این سمت را به امینی سپردم.^{۱۴}

امینی در خاطراتش شخصاً این موضوع را که وی به وسیله امریکاییان منصوب شده است رد می‌کند و بدون ارائه تحلیل مشخصی، نحوه شروع به کار وزارتش را چنان بیان می‌کند که به یک لطفه بیشتر شباهت دارد تا یک واقعیت سیاسی. وی می‌گوید که بعد از اینکه از انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی ناامید شد عزم سفر به اروپا را داشته که صبح یکی از ایام عموییش سرلشگر حسن امینی به دیدارش می‌رود و می‌گوید که شاه با او کار دارد. در حین دیدار، شاه ضمن بازگو کردن اوضاع نابسامان کشور از امینی می‌خواهد که نخست‌وزیری را بپذیرد که امینی با تردید به آن برخورد می‌کند. در این هنگام امینی به یاد حرف مادرش فخرالدوله می‌افتد که هنگام سفر مکه زیر ناودان طلا از خداوند خواسته بود که فرزندش به نخست‌وزیری برسد و لذا مصلحت در این می‌بیند که این امر را بپذیرد.^{۱۵} تقریباً اکثر صاحب‌نظران بدون تردید اصلی‌ترین عامل

۱۴. محمدرضا پهلوی. پاسخ به تاریخ. همان. صص ۴۳۲ و ۴۳۳.

امینی در خاطرات خودش با زبان بی‌زبانی و از زبان دیگران دلیل مخالفت شاه با خودش را حسادت او می‌داند و می‌گوید: [موفقیت] دکتر امینی باعث این شد که [شاه] از این کار خوششان نیاید. خلاصه، ما احضار شدیم و هندرسن خدایامرزد بیچاره مرده یا زنده است، آمد پهلوی من و گفت، فلانکس این [شاه] چرا نسبت به شما این قدر حسود است؟ وزیر می‌شوید، حسادت می‌کند. سفیر می‌شوید، حسادت می‌کند. مکرر خودت شنیدی. این چیه؟ گفتم هیچی آقا. این بالاخره طبیعت [شاه] است. بعد سفیر ایتالیا من را دعوت کرد و گفت آقا، نکند که شما چون از نسب خانواده قاجار هستید [شاه با شما بد است]؟ گفتم آقا، این کارهای سیاسی داخل مملکت است. شما اینجا توجه نمی‌کنید... پاریس آمدم و معلوم شد که [در نتیجه] آن موضوع کودتای [سرلشکر ولی‌الله] قزنی و ارستجانی، اینها همه را گرفتند و خیال کردند [من هم شرکت دارم]. علی امینی. خاطرات علی امینی. ویراستار حبیب لاجوردی. امریکا، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، ۱۹۹۷. صص ۹۳ و ۹۴.

۱۵. خاطرات علی امینی. همان. صص ۹۶ و ۹۷.

نخست‌وزیری امینی را فشار امریکا برای ایجاد اصلاحات در ایران می‌دانند. دوران کوتاه نخست‌وزیری امینی (اردیبهشت ۱۳۴۰ تا تیر ۱۳۴۱) با سروصدای فراوان آغاز شد و تعداد زیادی از نظامیان و غیرنظامیان به عنوان مبارزه با فساد به اتهام سوءاستفاده‌های مالی دستگیر شدند و دادگاههای پر سروصدایی برای آنان تشکیل شد. قولی که امینی برای ایجاد فضای باز سیاسی داده بود موجب آن شد که گروههای خاموش یا نیمه‌خاموش سیاسی و از جمله جبهه ملی با عنوان جبهه ملی دوم دست به فعالیتهای دامنه‌داری بزنند و حتی تظاهرات و میتینگهای متعددی در تهران برگزار کنند. با قرار گرفتن حسن ارسنجانی در رأس سازمان اصلاحات ارضی مهم‌ترین هدف امینی که تقسیم اراضی بین کشاورزان بود فعالیت خود را با تبلیغات بسیار آغاز کرد. البته مقامات مختلف امریکایی نیز از هر سو با تعریف و تمجید از کارها و اعمال امینی از او پشتیبانی می‌کردند. ولی این تغییرات چون عمقی نبود و بیشتر در سطح حرکت می‌کرد نتوانست تغییرات چندان عمده‌ای ایجاد کند. از سوی دیگر، شاه و دربار که امینی را رقیبی جدی برای خود می‌دانستند ضمن تحمل امینی فعالیتهای پنهان خود را برای ایجاد رابطه با سردمداران جدید امریکا شروع کردند و از طریق دوستان و گروههای فشار موجود در امریکا روزه‌روز ارکان اصلی نظام امریکا را نسبت به شاه دلگرم‌تر می‌کردند. از سوی دیگر، عدم موفقیت امینی برای جذب سرمایه‌های اروپایی، ناهمگونی هیئت وزرایش و فشار شدید بدهیهای گذشته ایران کمر دولت را خم کرده و عملاً ابتکار عمل از دست وی خارج شده بود. کندی نیز که همچنان خطر شوروی را برای ایران جدی می‌دید و اصلاحات انجام شده در ایران را کند و فاقد قدرت و توانمندی می‌دانست انجام این اصلاحات را به دست شخص قدرتمندی که از قدرت نظامی نیز برخوردار باشد ترجیح می‌داد و او کسی غیر از شاه نبود. عوامل امریکایی ترتیب چهارمین سفر رسمی شاه به امریکا را در فروردین ۱۳۴۱ فراهم کردند و کندی در سخنرانی خود در مقابل شاه این چرخش جدید را به وضوح بیان می‌کند. وی می‌گوید:

شاهنشاه ایران زمامداری هستند که وظایف و مسئولیت خطیر و بس مهمی را به عهده گرفته‌اند. ما نه تنها گذشته تاریخی ملت ایران را در نظر داریم بلکه به آینده ملت ایران با رهبری خردمندان شاهنشاه با نظر امیدواری می‌نگریم. کارهایی را که اعلیحضرت شاهنشاه آغاز کرده‌اند به خوبی نشان می‌دهد که هدفشان بهبود بخشیدن به زندگی ملت خود و میسر ساختن رفاه بیشتر برای مردم ایران است و می‌خواهند که مردم ایران از زندگی بهتری برخوردار گردند. ما از شاهنشاه ایران به عنوان یک دوست مبارز سلحشور استقبال می‌کنیم و معتقدیم که بدون وجود شاهنشاه شیرازه امور ایران مدتها پیش از هم گسیخته بود... ما امریکاییان به خوبی از این حقیقت



عکس اهدایی کندی به محمدرضا پهلوی:
ترجمه دستخط کندی در زیر عکس؛ به اعلیحضرت همایونی محمدرضا شاه پهلوی،
با احترام فراوان و آرزوی سعادت برای ایشان [۲۰۰۲-۱-ب]

آگاهیم که اگر رهبری عالی شاهنشاه نبود، منطقه حساس و حیاتی ایران سالها پیش سقوط کرده بود. این شاهنشاه ایران هستند که ملت خویش را از یک دوره حساس تاریخی گذرانده و به عصر امروز رهنمون شده‌اند.^{۱۶}

دو ماه بعد امینی از نخست‌وزیری برکنار می‌شود و شاه که رقیبی سرسخت را از پیش‌رو برداشته بود خود عملاً زمام کلیه امور و حتی اصلاحات درخواستی آمریکا را برعهده می‌گیرد و پافراتر گذاشته و با اعلام انقلاب سفید به زعم خود اصلاحات را در

۱۶. قدرت‌الله اورنگ. شخصیت جهانی شاهنشاه آریامهر از نظر سران کشورهای گیتی. تهران، ۱۳۲۶. ص ۱۲.

کلیه شئون جامعه توسعه می‌دهد و با انجام فرآیند ۶ بهمن ۱۳۴۱ از خود به عنوان رهبر اصلاحات ایران یاد می‌کند.^{۱۷} کندی با ارسال تبریکی پرمایه مجدداً شاه را مورد تأیید قرار می‌دهد. از این تاریخ تا ترور کندی (آذر ۱۳۴۲) تقریباً شاه موفق به کنار آمدن با حکومت جدید آمریکا می‌شود و نهایتاً با سرکار آمدن دوستان صمیمی‌تر شاه بحران موقتی دوران کندی فروکش می‌کند.

این مجموعه اسناد مشتمل بر سی و نه سند مربوط به دوران کندی و قبل از آن است که آنها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول شامل هفت سند است که موضوع آنها از روابط مقامات ایرانی و امریکایی قبل از روی کار آمدن کندی و تغییر سیاستهای امریکا است. مهم‌ترین سند این مجموعه نامه آیزنهاور رئیس جمهوری امریکا به شاه است که حاکی از حمایت همه جانبه امریکا از حکومت ایران است.

دسته دوم اسناد این مجموعه که شامل دو سند است حاکی از دوران فترت روابط ایران و امریکا است. این دو سند که یکی تحلیل ساواک در مورد روی کار آمدن کندی است و دیگری گزارش سفر تیمور بختیار به امریکا است مربوط به زمانی است که هنوز رژیم شاه موضع جدید دولت امریکا را درک نکرده و نگران چگونگی روابط جدید با آن کشور است.

دسته سوم اسناد این مجموعه که از شماره دهم تا سی و نهم را در برمی‌گیرد شامل مکاتبات و اسنادی است که بعد از استقرار و روی کار آمدن امینی مبادله شده است. سیاستهای امریکا مشخص شده و دولت ایران نیز به وظیفه خود پی برده است. بیشتر این اسناد در برگیرنده تلاش مقامات ایرانی، از جمله امینی و زاهدی و علم، برای شایسته نشان دادن اصلاحات ایران و شاه در مقابل مقامات امریکایی و اروپایی است، و برای این منظور از بهترین مشاوران تبلیغاتی و روابط عمومی آن زمان استفاده می‌کنند. بدین منظور امینی با طرف مشورت قرار دادن افرادی چون رالف بکر که با مقامات سیاسی امریکا رابطه نزدیک داشت و یا هری کرن مدیر نشریه فارن ریپورترس با صاحبان

۱۷. ساواک قبل از روی کار آمدن امینی نیز پیش‌بینی می‌کند کندی بر قبول شرایط قبلی ناچار است و چنین تحلیل می‌کند:

حکومت دموکراتها در آینده نزدیکی از مرحله حرف و تبلیغ خارج شده و باید با واقعیات روبه‌رو شده و تصمیم بگیرد. در آن وقت شاید کندی ناچار شود برای حفظ پرستیژ امریکا - که این قدر در نطقهای انتخاباتی خود بدان تکیه کرده است - متوسل به اقداماتی شود که در حال حاضر جزو برنامه احتمالی حزب دموکرات نباشد. پیش‌بینی جزئیات این موضوع در وضع کنونی میسر نیست و باید دید کندی، در عمل، مشکلات دنیا را با چه چشمی نگاه می‌کند و به چه نحوی قادر به حل و فصل آنها می‌باشد. نگاه کنید به: سند شماره ۸ از همین مجموعه اسناد.

جراید و نشریات امریکا، باب گفت و گو و تماسهای مختلف را باز کرد. اسدالله علم نیز با کمک سیمز که صاحب شرکتی در زمینه روابط عمومی و سنجش افکار در اروپا و امریکا بود حرکتی موازی با تلاشهای امینی آغاز کرد که منظور از آن تلاش بیشتر برای معرفی چهره شاه و بالا بردن اعتبار وی بود.^{۱۸}

[۱]

[نامه آیزنهاور به شریفامامی]

W S

WAS

۱۶ فوریه ۱۹۶۰

آقای وزیر عزیز:^{۱۸}

من عمیقاً تحت تأثیر ستایش سخاوتمندانه انجمن ایران و آمریکا قرار گرفتم. احساس می‌کنم که این حرکت انجمن بیش از یک احترام شخصی بوده و تجلی بارز پیوندهای نزدیک و دوستانه بین مردم ایران و آمریکا بوده است. انجمن ایران و آمریکا نمونه بارزی از تلاش ایرانیان و آمریکاییان در جهت درک دو جانبه بیشتر و عمیق‌تر آرمانها و فرهنگهای دو ملت است. اگرچه ممکن است آداب و سنن تاریخی کشورهایمان کاملاً با هم تفاوت داشته باشد اما ایمان راسخ به آزادی و ارزشهای فردی، که مورد احترام همه ماست، ما را کاملاً با هم مرتبط می‌سازد. هرگونه تلاش برای ایجاد وسیله‌ای جهت تبادل گنجینه‌های فرهنگی دو ملت در تعقیب اهداف مشترکمان گامی بسیار ستودنی است. از این فرصت استفاده می‌کنم و از انجمن ایران و آمریکا به خاطر کار فوق‌العاده‌ای که انجام داده‌اند تشکر می‌کنم و قدردانی عمیق خود را نسبت به احترامی که برای من و کشورم قائل شده‌اید ابراز می‌دارم.

با احترام،

ارادتمند شما،

دوایت دی. آیزنهاور

[۸-۳۲۱۲-۴۵۱۳-ش]

* تلاش و دقت همکاران واحد ترجمه در برگردان اسناد خارجی این مجموعه را ارج می‌نهیم.

۱۸. مهندس جعفر شریفامامی، نخست‌وزیر وقت ایران از شهریور ۱۳۳۹ تا اردیبهشت ۱۳۴۰.

THE WHITE HOUSE

WASHINGTON

February 16, 1960

Dear Mr. Minister:

I was deeply moved by the generous tribute paid me by the Iran-America Society. I feel that the Society's action was much more than a gesture of personal esteem; rather it was a profound manifestation of the close and friendly ties between our peoples.

The Iran-America Society is an outstanding example of efforts of Iranians and Americans to bring about closer and deeper mutual understanding of our respective cultures and ideals. While the historic traditions of our countries may be quite different, the fundamental beliefs in freedom and individual dignity, which we all cherish, bind us firmly together. Every endeavor to provide a medium for exchange of the richness of our respective cultures in pursuit of our common goals is to be highly commended.

May I take this occasion to salute the Iran-America Society for its excellent work and to express my deepest appreciation for the honor which you have accorded my country and myself.

With warm regard,

Sincerely,



His Excellency
Engineer Jaffar Sharif-Emami
Minister of Industries and Mines
Tehran, Iran

سند شماره ۱

[۲]

[نامه کرن به اردشیر زاهدی]

P S

W

هری اف. کرن^{۱۹}

مدیر

۷ مارس ۱۹۶۰

عالیجناب اردشیر زاهدی، سفیر ایران

واشنگتن دی. سی.

آقای سفیر عزیز،

دیدار شما در هفته گذشته اسباب مسرت شد و فقط از این بابت متأسفم که باید خیلی زود به توکیو بروم. اواسط ماه مه که برمی‌گردم با شما تماس خواهم گرفت و سعی خواهم کرد در راستای موضوعاتی که بحث کردیم تا آنجا که بتوانم مثمرتر واقع شوم. در ضمن، همین جا نظرات مورد بحثمان درباره روابط عمومی را به اختصار شرح می‌دهم:

اولاً، دارم نامه‌ای به ارنست لیندلی^{۲۰} یکی از کارکنان دفتر نشریه نیوزویک (که هم‌اکنون برای سخنرانی به سفر رفته)، می‌نویسم تا به او اطلاع دهم که احتمالاً با وی تماس خواهید گرفت. این نکته را با او در میان خواهم گذاشت که خودش در صورت تمایل می‌تواند با تعدادی از همکارانش تماس گرفته و هرچند وقت یک بار، به منظور صحبت راجع به مسائل پوشش مطبوعاتی در واشنگتن نشستی غیررسمی با شما داشته باشد. به نظر می‌رسد که در مورد مشکلات مربوط به مطبوعات یک چنین تماس غیررسمی به مراتب مؤثرتر از اقدام از طریق وزارت خارجه خواهد بود.

ثانیاً، از آقای چارلز آلن^{۲۱}، از مؤسسه هیل و نولتن^{۲۲}، می‌خواهم که به محض بازگشت از ژاپن در آخر این ماه با شما تماس بگیرد. من همیشه با تأسیس یک مؤسسه روابط عمومی یا مشاوران روابط عمومی که نماینده یک دولت خارجی باشند مخالف بوده‌ام. وقتی که سردبیر امور خارجی نیوزویک بودم تجارب زیادی از نتیجه نهایی این قبیل اقدامات داشتم. به عنوان یک سردبیر، همیشه ترجیح می‌دادم سخنان را مستقیماً از

مدیر نشریه فارن رپورتنس

mes indley

arry ern

ill and now) on

arles Allen

زبان نمایندگان کشورها بشنوم. به هر حال، اگر قصد تأسیس سازمانی مثل سرویس اطلاعات انگلیس^{۳۳} را که بسیار پرهزینه است - دارید فکر می‌کنم در آن صورت یک مؤسسه روابط عمومی که فقط معرف ایران نباشد بلکه یک برنامه و طرح روابط عمومی مناسب را پیاده کند، خدمات خوبی به شما ارائه خواهد داد به این صورت که جزواتی منتشر کند، برنامه‌های رادیویی ترتیب دهد، اطلاعاتی در اختیار خبرنگاران قرار دهد، و تأثیری کلی بر مردم بگذارد - اینها همه فعالیت‌های کاملاً تخصصی هستند. مؤسسه هیل و نولتن براساس شیوه حسابرسی هزینه‌ها، به حساب تمام این اقدامات رسیدگی می‌کنند، زیرا قطعاً شما نیز در خصوص اینکه هر پولی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود بسیار دقیق هستید. همان طور که گفتم، فارن ریپورترس نمایندگی هیل و نولتن در ژاپن را بر عهده دارد، بنابراین، از جهاتی در توصیه کردن این شرکت، خودم نیز ذینفع هستم. فکر می‌کنم آنها بهترین و بزرگترین مؤسسه روابط عمومی هستند. و کار روابط عمومی را مطابق با منتهی درجه رضایت ژاپنیها برایشان انجام می‌دهند.

ثالثاً خوشحال می‌شوم اگر می‌توانستید هر چند وقت یک بار به نیویورک می‌آمدید تا به اتفاق بتوانیم در زمینه مسائل مربوط به مطبوعات، رادیو و تلویزیون گروه کوچکی تشکیل دهیم. منظور من از گروه کوچک یک جمع تقریباً شش نفره است که موقع صرف نهار شما بتوانید آزادانه با آنها صحبت کنید. انگلیسیها این کار را واقعاً با موفقیت انجام می‌دهند.

امیدوارم، مطالب فوق، ایده‌ای ولو اندک برای اقدامات آتی به شما بدهد. با آرزوی بهروزی در شغل جدیدتان و با آرزوی دیدار شما در ماه مه،

ارادتمندتان،

هری اف. کرن

[۴۰ و ۳۹-۷۱۲-۱۱۵ از]

[۳]

[ابلاغ نگرانی دولت امریکا به دولت ایران]

خلاصه مذاکرات

دولت ایالات متحده با خبر شده است که منابع انگلیسی و آلمان غربی در حال ارائه پیشنهاد کمک مالی پروژه کارخانه فولاد آژنا A na از طریق تأمین اعتباری به مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار هستند. با توجه به تأثیرات احتمالی این موضوع بر همکاریهای مالی جاری و



ریچارد نیکسون، آیزنهاور و اردشیر زاهدی | ۴۹۲۴-۱۱

آتی بین دولتهای ایران و ایالات متحده، چنین به نظر می‌رسد که دولت ایالات متحده تحت لوای دوستی و صراحتی که مشخصه روابط بین دو کشور است، نظرات خود را به طور مقتضی در راستای واقعیتهای زیر بیان می‌دارد:

دولت ایالات متحده به شدت نگران تأثیرات زیانبار حاصل از مصرف بی‌حد و حصر منابع ارزی خارجی ایران است که در نتیجه تحمیل شرایط شاق اعتباری مورد نظر شرکتهای آلمانی و انگلیسی طرف قرارداد در پروژه مذکور وارد شود. نگرانی دولت ایالات متحده با این واقعیت شدت می‌یابد که ایران در زمانی چنین بدهی خارجی سنگینی را متقبل شده است که دولت ایالات متحده جهت تأمین احتیاجات مالی ایران وامهای درازمدت و کمکهای دفاعی برای ایران فراهم کرده است. در صورتی که ایران این تعهدات جدید را بپذیرد دولت ایالات متحده به شدت نگران خواهد بود که شاید کمک مالی ایالات متحده صرف بازپرداخت به این شرکتها بابت وامهایی شود که با

شرایطی غیرنامطلوب منعقد شده‌اند. طبیعتاً چنین پیشامدی برای دولت ایالات متحده وضعیت بسیار دشواری به وجود خواهد آورد زیرا این جریان باعث می‌شود ایالات متحده دلایل و توجیحات خود برای ادامه دادن به کمک‌های خود به ایران در سطح فعلی را مورد تجدیدنظر قرار دهد. با آنکه دولت ایالات متحده همچنان مایل به ارائه کمک به ایران است، اما نمی‌تواند به مؤسسات تجاری کمک کند تا سریع‌تر از آنچه که در اصل قرارداد پیش‌بینی شده است مبلغ مورد نظر را از ایران بازپس گیرند.

دولت ایالات متحده همواره بر این عقیده است که اعتبار این گونه پروژه‌های سنگین باید در درازمدت تأمین شود. وام‌های درازمدتی که بین دولت ایران و مؤسسه وام توسعه e elo en oan nd مورد مذاکره قرار گرفت مؤید این امر است. به نظر ما حداقل زمان قابل قبول برای پروژه عظیمی مانند پروژه کارخانه فولاد، باید ۱۵ سال پس از هنگام امضای قرارداد باشد و یا در صورت پرداخت وجوه مربوط پس از اتمام نهایی کارخانه، این زمان به ۱۰ سال تقلیل یابد. امید آن می‌رود که دولت ایران با این نظر موافقت نماید.

سفارت ایالات متحده امریکا
تهران، ۱۶ آوریل ۱۹۶۰
[۹-۳۲۱۲-۲۵۱۳ ش]

[۴]

[نامه آیزنهاور به محمدرضا پهلوی]

واشنگتن دی. سی. ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۰

سری

اعلیحضرتنا

از نامه مورخ سی‌ام مارس حضرت عالی و تأکید مجدد آن مقام بر تصمیم قاطع و دائمی‌شان مبنی بر حفظ آزادی و استقلال ایران بسیار سپاسگزارم. این جانب فشار بسیار سنگینی را که حضرت عالی متحمل آن هستید درک می‌کنم. مقاومت و استقامت حضرت عالی در برابر تمامی این فشارها و مشکلات، تحسین و احترام عمیق مرا برمی‌انگیزد.

این جانب با علاقه فراوان از طریق تلگرام‌های آقای ویلز^{۲۲} (سفیر ایالات متحده) نحوه رفتار متین و بزرگواری جناب عالی در جریان دیدار اخیرتان با صدر هیئت رئیسه

شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی را پیگیری کرد. حضرت عالی صراحتاً به ماهیت حقیقی تهدیدات نظامی اقتصادی و دیپلماتیک که در لفاف چاپلوسی و تملق ادا گردید، پی بردید و با متانت و قاطعیت با آن برخورد نمودید. بنده و هموطنان مطمئن هستیم که حضرت عالی با این قبیل اغفالگریها در آینده نیز با ذکاوت و زیرکی برخورد خواهید نمود.

مایلم تضمینهای قبلی خود را مجدداً تکرار نمایم که ایران در مبارزه برای حفظ وحدت و تمامیت ارضی، آزادی و استقلال خود تنها نخواهد بود. ایالات متحده در کنار دیگر کشورهای دوست به کمک و حمایت خود از ایران به عنوان عضو ارزشمند و سختکوش دنیای آزاد ادامه خواهد داد. بعضی اوقات گفته می شود که ایالات متحده در خلال دوران مبارزات انتخاباتی در مورد هر گونه اقدام جدی و قاطع مردد و عاجز است. حقیقت فراتر از این حرفهاست و هیچ چیز نمی تواند جای آن را بگیرد. این واقعیت که به زودی یک انتخابات در این کشور برگزار خواهد شد تصمیم و اراده حکومت و مردم ما را برای اقدامات ضروری در کمک به ملل آزاد به منظور رویارویی و مقابله با تهدیدات تجاوزات کمونیسم، در هر نقطه ای که می خواهد باشد، تضعیف نخواهد کرد. رئیس جمهوری بعدی ایالات متحده، هر کسی که باشد، مطمئنم که به اندازه خود من مصمم به حفظ و ادامه روند ثابت مقاومت ما در برابر امپریالیسم کمونیسم خواهد بود. تصمیم فوق در این اعتقاد اساسی مردم آمریکا واقعیت و تجلی عینی پیدا می کند که مردمانی همچون مردم کشور شما باید برای آتیه خود در جهت تلاش مشترک و جمعی برای آزادی گام بردارند.

شما در آخرین نامه خود در زمینه حوزه کلی دفاع با ناراحتی و دلنگی اظهار نمودید که از نیروهای مسلح ایران نمی توان انتظار داشت که در تضادهای برخوردارهای آتی نقش فعالی ایفا کند. لیکن اطلاعاتی که من در اختیار دارم حاکی از آن است که نیروهای مسلح (ارتش) کشور شما می تواند عنصر مؤثر، نیرومند و بسیار جنگنده ای در دفاع از منطقه پیمان ستو به شمار آید، و نیز به محض مجهز شدن ارتش شما به تسلیحات و تجهیزات جدید میزان کارایی آن افزایش خواهد یافت و نیروهای شما نیز آموزشهای لازم را خواهند دید. سیستم تسلیحات سایدویندر اف ۸۶ توان خود را در نبرد برای رقابت و برابری با سیستمهای مشابه دشمن ثابت کرده است، و من با مسرت و خرسندی به اطلاع جناب عالی می رسانم که انتظار می رود اولین سفارش تسلیحات اس.اس ۱۰ و اس.اس ۱۱ کشورتان تا اوایل سال ۱۹۶۱ به مرحله اجرا گزرده شود. ولی نکته مهمی که باید به خاطر داشت این است که اگر روحیه رزمندگی و خلق و خوی جنگاوری وجود نداشته باشد، وجود تسلیحات و نیروها چیز بی فایده و مهملی خواهد بود. من اطمینان

دارم که نیروهای نظامی ایران، چه در سال جاری و چه در آینده، در هر گونه تضاد و برخورد احتمالی نقش شجاعانه و قهرمانانه‌ای ایفا خواهند نمود، به همان گونه که قهرمانان تاریخ طولانی ایران ایفا کرده‌اند.

جناب عالی همچنین خاطرنشان ساختید که پروژه تقویت نیروهای نظامی فعلی ایران، که در پی مکاتبات و ارتباط فیما بین در سال ۱۹۵۸ مطرح گردید، طبق برنامه تدوین شده پیش نرفت. به حضرت عالی اطمینان می‌دهم که خواست قلبی و آرزوی ما این است که ایران نیروهای مسلح مدرن، مجهز و کارآمد در اختیار داشته باشد.

گرچه ما نتوانستیم مطابق با برنامه زمانبندی شده پیش برویم، مردم ما، همان‌گونه که جناب عالی مستحضر هستید، در این زمینه از نزدیک با مردم کشور شما سرگرم فعالیتند، و من امیدوارم و ایمان دارم که هدف مشترک ما و شما یعنی پیشرفت نیروهای نظامی ایران به شکوفایی کامل خود خواهد رسید. در این مورد تکرار می‌کنم که شما می‌توانید، مانند گذشته، به پشتیبانی و حراست فعالانه و دلسوزانه ایالات متحده، البته با در نظر گرفتن امکانات موجود، در رفع نیازهای ایران به کمکهای اقتصادی، مستظهر باشید.

مایلم به اطلاع آن جناب برسانم که ما، در واشنگتن، از توانمندی، قاطعیت، درایت و خردمندی مقامات حکومت شما، که به منظور مذاکره درباره مسائل اقتصادی و مالی مبتلا به ایران، اخیراً از ایالات متحده بازدید کرده‌اند سخت تحت تأثیر قرار گرفتیم. بسیار خرسندیم که حکومت اعلیحضرت، با نیرومندی تمام، اقداماتی را برای کنترل و رفع مصائب ناشی از مسئله تورم و مشکلات تراز پرداختها (موازنه پرداختی) شروع کرده است. ما در این کشور به ویژه واقفیم که قدرت و توان دفاعی هر ملت نمی‌تواند از پایه‌های اقتصادی آن بیشتر باشد، و به همین دلیل ما پیوسته به منظور تضمین برقراری توازن مناسب بین نیازهای دفاعی و نیاز به رشد اقتصادی تلاش می‌کنیم. مادام که ما قادر به تحقق بخشیدن به چنین امر مهمی باشیم تلاشهای ما نیز به منظور تقویت و کمک به شما در راستای تحقق آن صورت خواهد گرفت.

در زمینه دیگر، با مسرت یادآور می‌شوم که از زمان تقریر نامه حضرت عالی روابط ایران با عراق، عمدتاً در ظل منوبات و دیدگاه صبورانه، خردمندانه و معقول اعلیحضرت نسبت به این کشور مزاحم، بهبود یافته در حالی که اوضاع در افغانستان به علت وابستگی بیش از حد این کشور در امور اقتصادی و نظامی به اتحاد جماهیر شوروی مشکلات و درسرهایی به وجود آورده است. ما دلیلی نمی‌بینیم که قبول کنیم حکومت افغانستان از تصمیم خود مبنی بر حفظ استقلال، وحدت و تمامیت ارضی خود که بارها آن را اعلام نموده عدول کرده است. نظر به خشم و اعتراضات اخیر در مورد ماهیت روابط ایران و اسرائیل حتماً توجه داشته‌اید که این موضوع در کنفرانس اخیر عرب در بیروت چندان

سودی نداشته است.

این جانب بی‌نهایت از دوستی نزدیک با شما که ظرف این چند سال گذشته صمیمانه‌تر شده محظوظ گشتم و این چیزی است که همواره آن را ارج می‌نهم. اطمینان دارم که جانشین من هر شخصی که می‌خواهد باشد، تمامی هم و غم خود را به حفظ و گسترش این روابط دوستانه که مبتنی بر تبادل نظر صادقانه و صریح می‌باشد، معطوف خواهد نمود و یقین دارم که وی نیز به اندازه من رهبری داهیانہ حضرت عالی بر کشورتان را مورد تقدیر قرار خواهد داد.

در خاتمه اجازه می‌خواهم رجاء واثق خود را از اینکه ایران تحت رهبری شما در ظل عنایات پروردگار از استقلال و پیشرفت بهره‌مند شود ابراز دارم.

با درودهای صمیمانه،

ارادتمند،

[دوایت دی. آیزنهاور]

[۲-۳۲۵۳-۴۵۱۳ش]

[۵]

[نامه وایتفورد بویل به نیکسون]

۱۹ اکتبر ۱۹۶۰

جناب آقای ریچارد ام. نیکسون

ستاد مرکزی حزب جمهوری خواهان^{۲۵}

واشینگتن دی. سی. ایالات متحده آمریکا

آقای عزیز،

تمایل به رقابت سالم با نهادهای ایالات متحده یکی از وجوه مناسبات ایران و امریکاست که سازمان من با توان تمام دنبال می‌کند.

آقای کریم بهادری^{۲۶}، از اعضای پیشین و جوان مجلس در ایران برای همکاری در برنامه‌ریزی برای پروژه‌ای که در تحقق یافتن این رقابت سالم تأثیر خواهد داشت؛ به دفتر من پیشنهاد همکاری داده است. آقای بهادری از حمایت نخست‌وزیر و وزیر دربار ایران برای عزیمت به ایالات متحده و مشاهده مبارزه انتخاباتی جاری، به ویژه توجه

^{۲۵} e li an Par y ead ar ers

^{۲۶} کریم پاشا بهادری از نزدیکان فرح پهلوی که بعداً ریاست دفتر وی را برعهده گرفت.

دقیق به احزاب فعال سیاسی، تشکیلات انتخاباتی، عملیات حزبی، و نحوه عملکرد کارگزاران در تعیین محل اخذ آراء، و نحوه استفاده رأی‌دهندگان از دستگاهها در روز انداختن رأی برخوردار است.

فکر کردم اگر بتوانید فرصتی را صرف گفت‌وگو با او بکنید و شخصی را از میان کارمندان خود تعیین کنید بسیار ارزشمند خواهد بود که او را در مشاهدات خود راهنمایی نماید تا به نتایج عملی دست یابد.

برای مسائل مالی جای نگرانی وجود ندارد زیرا او بورس دولت ایالات متحده را که شامل هزینه اقامت وی در آن کشور می‌شود، گرفته است. او به آشنایی با شخصیت‌های مهم نیاز دارد تا او را در انجام دادن مأموریتش در اسرع وقت و با بالاترین کیفیت یاری کنند.

در ایران، علاقه بسیاری به اصلاحات انتخاباتی وجود دارد. برگزاری انتخابات اخیر مجلس در ایران نامناسب بود و شاهنشاه از نمایندگان خواست تا استعفا دهند، که همه به صورت جمعی این کار را انجام دادند. او همچنین خواستار اصلاحات انتخاباتی شد. سفر تحقیقاتی آقای بهادری بخشی از این تلاش برای اصلاحات در اینجاست. او که برای مجلس پیشین انتخاب شده بود، شانس انتخاب در دوره بعد را نیز دارد. می‌تواند از مشاهدات خود در ایالات متحده و انگلستان، که پس از ایالات متحده به دعوت حکومت انگلستان به آنجا خواهد رفت، پیشنهادهای جدیدی به عنوان مبنای برای نظام مجلس ایران استفاده کند.

ظاهراً آقای بهادری محقق و پژوهشگر باکفایتی است. در رشته علوم سیاسی از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی فارغ‌التحصیل شده. کارشناسی ارشد خود را در آن دانشگاه به پایان رسانیده، و عضو افتخاری انجمن علوم سیاسی امریکاست. مشاور سازمان برنامه است. به علاوه از اعضای مؤسس حزب ملیون است و از تحقیقات خود درباره احزاب در ایالات متحده گزارشی ارائه خواهد داد که به تجدید سازمان حزب ملیون کمک خواهد کرد.

آقای بهادری ظرف چند هفته آینده پس از ورود به واشنگتن با دفتر شما تماس خواهد گرفت. به نظر من هرگونه همکاری شما به سود مناسبات ایران و آمریکا خواهد بود. نیز در اعمال طرق و شیوه‌های دموکراتیک امریکا در ایران تأثیر خواهد داشت.

ارادتمند شما،

جان ای. وایتفورد بویل^{۲۷}

مدیر، ایران

[۲-۳۲-۸۱۴-پ]

[۶]

[نامه شریف‌امامی به سیمینگتون]

نخست‌وزیری

تهران - ۲۴ دسامبر ۱۹۶۰

جناب آقای سیمینگتون

مجلس سنای ایالات متحده

مساعدهتها و جانبداریهایی را که جناب عالی ظرف سالهای اخیر از جهات مختلف نسبت به ملل دمکرات جهان و من جمله نسبت به ملت و دولت ایران ابراز نموده‌اید بر کسی پوشیده نیست.

کمکهای سخاوتمندانه نظامی امریکا به ایران که با نظارت و بلندنظری شخص شما و دیگر سران امریکا صورت گرفته است ارتش ایران را که جزئی از قوای دفاعی دنیای غرب به شمار می‌رود تا حد امکان نیرومند و بی‌نیاز ساخته است و اگر تا این زمان در این خصوص مستقیماً از جناب عالی سپاسگزاری نشده نه از این جهت بوده که اولیای امور ایران در این خصوص بی‌اطلاع یا قدرناشناس بوده‌اند بلکه دولت و ارتش ایران همواره مترصد بوده‌اند تا در زمان مناسب مراتب تشکر خود را به شما تقدیم نمایند.

اینک که یکی از خواص دولت ایران به آمریکا سفر می‌کند این جانب با استجازه از پیشگاه شاهنشاه ایران و به عنوان رئیس دولت از جناب عالی دعوت می‌نمایم که در صورت امکان در سال جاری به کشور ایران که از دوستان صدیق و متحدان پا بر جای کشور شماست مسافرت نموده و هرچند مدتی را که مایل باشید به عنوان میهمان دولت ایران در این کشور اقامت فرمایید.

علائق و خصوصیات زیادی دو ملت ایران و امریکا را به هم پیوند داده و مسلماً مسافرت شخصیهایی که بتوانند به این رشته‌ها استحکام بخشیده و از نزدیک شاهد مناسبات صمیمانه هر دو طرف باشند مطمئناً در روابط آتی دو ملت به غایت مفید و ثمربخش خواهد بود.

به انتظار زیارت شما در تهران،

نخست‌وزیر، شریف‌امامی

[۱۰-۳۲۱۹-۴۵۱۳-ش]

[۷]

[نامه آیزنهاور به شریف امامی]

۱۸ ژانویه ۱۹۶۱

آقای نخست‌وزیر عزیز:^{۲۸}

قبل از کناره‌گیری از وظایف اداری در ۲۰ ژانویه، مایلیم شخصاً و رسماً از شما خداحافظی کنم. طی سالهایی که به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده خدمت کردم، همکاری دو جانبه کشورهایمان در راه برقراری صلح جهانی و عدالت به گونه‌ای بوده است که من همیشه با خرسندی از آن یاد می‌کنم. در سالهای آینده جریان امور مربوط به ایران را مشتاقانه دنبال خواهم کرد.

ارادتمند،

دوایت دی. آیزنهاور

[۱۴-۳۲۱۱-۴۵۱۳-ش]

[۸]

[گزارش تحلیلی ساواک به شریف امامی درباره انتخابات جدید امریکا]

خیلی محرمانه

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

به طوری که قبلاً سازمان اطلاعات و امنیت کشور در گزارش تقدیمی به عرض رسانیده بود بالاخره سناتور کندی در مقابل رقیب خود نیکسون پیروز گردید و نیکسون، طبق سنن، اولین کسی بود که به رئیس جمهوری تازه تبریک گفته است. در گزارش تقدیمی ساواک پیش‌بینی شده بود که با روی کار آمدن سناتور کندی باید انتظار داشت تغییرات عمده‌ای در سیاست آمریکا، به خصوص در سیاست خارجی، پدید آید و این وضع بدون تردید در روابط آمریکا و دولت شاهنشاهی نیز مؤثر خواهد بود و از این رو جا دارد که مقامات دولت شاهنشاهی با دقت آثار ناشیه از انتخابات جدید آمریکا را

۲۸. مهندس جعفر شریف‌امامی

مورد مطالعه قرار دهند.

گرچه هنوز زود است که بتوان درباره سیاست آینده کندی اظهار نظر نمود و شاید این مطلب هنوز برای خود دموکراتها هم به طور دقیق روشن نباشد ولی با قرائنی که در دست است می توان تا حدودی برنامه کار کندی و سیاست جهانی وی را پیش بینی نمود. اولین مطلبی که در این بررسی جلب نظر می کند اختلاف اصولی است که بین سیاست کندی و سیاست سلف وی وجود دارد. مبانی سیاست نیکسون که بر پایه تعقیب سیاست آیزنهاور پایه گذاری شده بود در حقیقت ادامه اصول سیاست گذشته بود در حالی که قدم اول برنامه کار کندی تحول در روشی است که جمهوریخواهان مدافع و مجری آن بوده اند. باید به خاطر داشت که هشت سال حکومت یک نفر نظامی در آمریکا مصادف با تیره ترین سالهای پس از جنگ است و دنیا تاکنون با چنین مخاطرات و مشکلات عظیمی روبه رو نشده بود. افکار عمومی که تحت تأثیر این معضلات پی در پی ناراحت شده است این بار تصمیم گرفته زمام امور کشور را به دست دموکراتها بسپارد و بیانات صریح کندی در مسائل خارجی و داخلی و از جمله اعلام اینکه به خاطر دفاع کموی و مانسو آمریکا متوسل به جنگ نخواهد شد، بدون تردید، در موفقیت وی سهمی عمده داشته است.

مسلم آن است که در حال حاضر بین سیاست آیزنهاور و سیاستی که کندی اعلام داشته [و] قصد دارد در آینده به موقع اجرا گذارد اختلافات اساسی چندی وجود دارد که اهم آنها، خاصه آنچه را که در روابط با دولت شاهنشاهی مؤثر است، به شرح زیر است:

۱. از نقطه نظر سیاست اقتصادی و کمکهای خارجی:

کندی اعلام داشته است که حکومت وی کمکهای خارجی را به جای اینکه بر پایه های نظامی استوار باشد بر مبانی اقتصادی قرار می دهد و مایل است بیشتر از طریق سازمان ملل متحد به کشورهای توسعه نیافته کمک کند. به نظر می رسد کندی متوجه تبلیغات شوروی علیه کمکهای آیزنهاور به کشورهای توسعه نیافته شده و مایل است با همان اسلحه کمکهای اقتصادی بدون قید و شرط که سیاست شورویهاست به جنگ روسیه شوروی برود و بدین ترتیب باید منتظر بود که هم در مقدار و هم در نوع کمکهای خارجی آمریکا تغییرات عمده ای حاصل شود و هیچ بعید نیست در دستگاه مدیره کمکهای خارجی آمریکا تجدید نظر اصولی شود.

۲. توجه کندی به کشورهای بیطرف:

در سیاست جهانی، کندی مقام عمده ای را برای کشورهای بیطرف نظیر هندوستان

در نظر گرفته است. سفیرکبیر سابق آمریکا در هندوستان (چستر بولز) از نزدیک‌ترین مشاورین خارجی کندی است و به نظر می‌آید روابط آینده آمریکا و بلوک کشورهای بیطرف بسیار گرم باشد. برعکس در سیاست دموکراتها نسبت به پاکستان باید منتظر سردی و بی‌لطفی بود. از داخل بعضی محافل حزب دموکرات شنیده شده که اصولاً اثر وجودی پاکستان قابل تأمل و بررسی است - پاکستان ضعیف بدون مواد اولیه و خواروبار در کنار هندوستان، با آن همه مقدورات، نتیجه دیگری جز بروز اختلافات ندارد.

۳. موضوع اتحادیه‌های دفاعی:

سیاست دموکراتها درخصوص اتحادیه‌های نظامی هم از سیاست جمهوریخواهان فاصله می‌گیرد و محتمل است یکی از علل بی‌مهریهای مقامات لندن با حکومت جدید آمریکا بر همین اساس استوار باشد. باید منتظر بود که تغییر روش عمده‌ای در سیاست رسمی آمریکا نسبت به این نوع پیمانها ظاهر شود. همان طوری که ساواک در گزارش «ایران و پیمان سنتو» پیش‌بینی نموده بود با روی کار آمدن کندی پست وزارت امور خارجه آمریکا به عهده چستر بولز یا استیونسن محول خواهد شد که هر دوی آنها از مخالفان سنتو هستند و در صورت انتصاب یکی از آنها به وزارت امور خارجه دیگری نیز حتماً زُل عمده‌ای را در تعیین سیاست خارجی آمریکا دارا خواهد بود.

۴. خاور دور و مسائل مربوط به چین:

گرچه بعید است که کندی در آینده خیلی نزدیک‌ی علی‌رغم سیاست آیزنهاور [به] عمل انقلابی شناسایی چین کمونیست مبادرت ورزد ولی با توجه به اعلام صریح کندی نسبت به کموی و ماتسو بعید نیست موضوع شناسایی چین کمونیست و عضویت وی در سازمان ملل متحد به تدریج عملی گردد و فصل تازه‌ای در روابط آمریکا و چین کمونیست پدید آید.

حکومت دموکراتها در آینده نزدیک‌ی از مرحله حرف و تبلیغ خارج شده و باید با واقعیات روبه‌رو شده و تصمیم بگیرد. در آن وقت شاید کندی ناچار شود برای حفظ پرستیژ آمریکا - که این قدر در نطقهای انتخاباتی خود بدان تکیه کرده است - متوسل به اقداماتی شود که در حال حاضر جزو برنامه احتمالی حزب دموکرات نباشد. پیش‌بینی جزئیات این موضوع در وضع کنونی میسر نیست و باید دید کندی، در عمل، مشکلات دنیا را با چه چشمی نگاه می‌کند و به چه نحوی قادر به حل و فصل آنها می‌باشد.

در هر حال، سیاست داخلی و خارجی حکومت جدید این روزها در مرحله تکوین و بررسی جدی است و دولت شاهنشاهی باید ضمن درک چهره حقیقی حکومت جدید و

اطلاع از سیاست آینده آمریکا نسبت به مسائل عدیده جهانی که دولت شاهنشاهی در آنها ذی‌نفع است سعی نماید از طرق مختلف به آنها ارائه طریق کند.

نظر به مراتب مذکور در بالا سازمان اطلاعات و امنیت کشور اعزام هیئتی از ایران را برای دوستیابی و تماس با محافل مؤثر دموکراتها ضروری می‌داند. در ۴ تا ۶ هفته آینده دموکراتها سرگرم مسائل داخلی هستند و شاید مجال کافی برای دریافت تماس نداشته باشند. بعد از این تاریخ کاملاً بجاست که هیئتی (به نظر می‌رسد به طور غیررسمی اصلاح است) به آمریکا اعزام گردد تا با اشخاص مؤثر تماس بگیرد. وظیفه این هیئت از یک جهت امر اطلاعاتی است که سعی نماید تا حدود ممکنه سیاست آینده آمریکا را نسبت به مسائل عمده جهانی - و بالاخره [بلاخص] مسائل خاورمیانه - درک کند و نظر دموکراتها را نسبت به کشورهای عربی، اسرائیل، ترکیه و ایران و پاکستان بدانند و از سیاست دقیق آنها نسبت به موضوع کمکها، اتحادیه‌های نظامی و روابط شرق و غرب و بلوک بیطرف اطلاع کافی حاصل کند. و از طرف دیگر با تماسهای خصوصی و دوستانه با محافل مؤثر دموکراتها سعی نماید دوستی شخصیت‌های مؤثر را به نفع شاهنشاه و ایران جلب نماید.

[۸-۳۲۱۹-۴۵۱۳ - ش]

[۹]

[گزارش سفر تیمور بختیار به آمریکا]

نتیجه مختصر مسافرت به آمریکا

الف - هدف

۱. تماس با مقامات اداری به خصوص محافل وزارتخانه‌های دفاع و خارجه
۲. تماس با محافل مطبوعاتی متنفذ آمریکا؛ واشنگتن پست، تایم و لایف، نیویورک تایمز، سلسله مطبوعاتی هرست A S ، مفسرین سیاسی روزنامه‌ها و مجلات مهم
۳. تماس با محافل دانشگاهی بوستون که عده‌ای از آنها در دستگاه اداری فعلی وارد شده‌اند و بقیه نیز در بوستون در پشت پرده رل حساسی را در تعیین سیاست خارجی آمریکا بازی می‌کنند
۴. تماس با مقامات اقتصادی و مالی آمریکا (دولتی و خصوصی) تا مشروحاً نیازها و امکانات اقتصادی ایران توضیح داده شود
۵. توضیح اصول سیاست در خاورمیانه با توجه به تصادم شرق و غرب اختلافات

داخلی منطقه؛ تأکید [بر] موقعیت ایران برای دنیای آزاد به عنوان کلید خاورمیانه، آسیای جنوبی، و آفریقا
 ۶. درک تمایلات سیاسی سازمان دولت جدید.

ب - طرز تفکر محافل آمریکایی نسبت به ایران

۱. آمریکاییها، بدون استثنا، نهایت اهمیت را برای ایران قائل هستند و به شخص شاهنشاه بسیار علاقه‌مند می‌باشند. این طرز تفکر، عمومی و کاملاً صمیمانه است.
۲. به پیمان ستو علاقه‌مند می‌باشند ولی انتظار نمی‌رود خود آنها در آینده [ای] قابل پیش‌بینی به این پیمان ملحق شوند.
۳. تمایل دستگاه به کمک اقتصادی بیشتر از کمک نظامی است. بعضی از مقامات وزارت خارجه معتقدند کمک اقتصادی آمریکا به کشورهای دیگر باید از سیستم کمک سالیانه فعلی خارج شود و جنبه طویل‌المدت (۳ یا ۴ سال) به خود بگیرد.
۴. در محافل نظامی (وزارت دفاع) و همچنین در ستاد، تمایل به افزایش کمک نظامی به ایران احساس شد (امکان تأسیس دانشکده هوایی، افزایش نیروی هوایی از نظر نوع و تعداد، تجهیز بهتر لشکرهای موجود ایران).
۵. کلیه محافل آمریکایی درباره لزوم تقسیم عادلانه درآمد در ایران و به خصوص اصلاحات سریع ارضی تأکید می‌کردند و معتقد بودند پیشرفت اقتصادی بدون اصلاحات اجتماعی کافی نخواهد بود. انقلاب عراق تأثیر عمیقی در آمریکاییها نموده و آنها را مؤمن به لزوم اصلاحات اجتماعی و سیاسی (به موازات پیشرفت اقتصادی) نموده است.
۶. زمامداران آمریکا از مرحله نیمه‌خامی در سیاست بین‌المللی کاملاً خارج شده‌اند و توده مردم نیز، بیش از پیش، به مسائل بین‌المللی آشنایی می‌یابند و فی‌المثل شاید در هیچ کشوری مطبوعات به اندازه آمریکا کلیه اخبار جهان را مورد بررسی قرار ندهند.
۷. زمامداران فعلی آمریکا از اشخاص برجسته و تحصیل‌کرده کشور هستند و دستگاه فعلی بسیار فعال و مثبت به نظر می‌رسد و توقع دارد متفکین خود را نیز مانند خویش بیابد.

پیشنهادها

۱. باید به تمام طبقات متنفذ و یا رسمی آمریکایی به طور مرتب طرز تفکر مقامات ایران درباره وضع سیاست بین‌المللی و خاورمیانه توضیح داده شود. پیشنهاد می‌شود شاهنشاه به فواصل مرتب (مثلاً هر ۶ هفته یک بار) نظرات خود را

در موارد فوق‌الذکر مشروحاً به رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر کانادا ابراز فرمایند.

۲. در دنبال مسافرت فعلی باید هر چند ماه یک بار مسافرت‌های مشابهی ترتیب داده شود. به جای درخواست‌های جزئی و آنی و چانه زدن با آمریکاییها باید آنها را از نظر اصولی و ادار به قبول طرز فکری نماییم که با منافع طبیعی ما تطبیق کند و طی آن اهمیت ایران و اثرات عمیق پشتیبانی از سیاست ایران را تشریح کنیم. وقتی در خطوط اصلی و روش تعبیر وقایع، آمریکاییها کاملاً قانع شدند خود به خود نیازمندیهای ما را با حسن نیت مرتفع خواهند نمود.

۳. دستگاه ایرانی تبلیغاتی قوی و فعال و مؤثری در واشنگتن، نیویورک و کانادا برای تماس مداوم و دنباله‌دار کلیه محافل آمریکایی و کانادایی مورد نیاز است.

۴. یک شخصیت آمریکایی صلاحیتدار و نزدیک به دستگاه اداری آمریکا باید به عنوان نماینده روابط عمومی ایران (به منظور تماس با محافل اداری و روزنامه‌نگاری و تسهیل فعالیت مأمورین ایرانی) انتخاب شود.

گزارش مسافرت به آمریکا

مقدمه

در این گزارش کلیه ملاقاتهایی که با شخصیت‌های سیاسی، محافل روزنامه‌نگاری و با دانشگاهی آمریکا شده مندرج است و فقط از سه مذاکره به شرح زیر گفت‌وگو [نشده] است.

- | | | | |
|----------------------------|---------|--------------|----------|
| ۱. ملاقات با آقای آلن دالس | ساعت ۱۱ | روز دوشنبه | ۲۰ فوریه |
| ۲. ملاقات با آقای دین راسک | ساعت ۱۶ | روز سه‌شنبه | ۲۱ فوریه |
| ۳. ملاقات با آقای کندی | ساعت ۱۵ | روز چهارشنبه | ۱ مارس |

۱. روز سه‌شنبه ۱۴ فوریه ساعت چهار بعد از ظهر ریاست ساواک با آقای لونی جونز، مدیرکل امور خاورمیانه وزارت امور خارجه آمریکا، ملاقات کردند. در این ملاقات آقای باولینگ از رؤسای اداره خاورمیانه و متصدی امور ایران نیز حاضر بود.

آقای جونز نخست مختصراً سئوالاتی درباره مسافرت جناب آقای نخست وزیر به مسکو و اقامت ایشان در شوروی و تعداد همراهان [کردند] و روی هم رفته نسبت به این موضوع علاقه‌مند بودند ولی هیچ‌گونه اظهارنظری نکردند. سپس بحث را متوجه مسائل خاورمیانه کردند و به عقیده ایشان ریاست ساواک در موقع مناسبی به واشنگتن آمده‌اند تا وضع خاورمیانه را برای سران جدید آمریکا تشریح کنند. البته توجه سران آمریکا در

حال حاضر متوجه سه موضوع است:

الف - مسئله لائوس

ب - مسئله کنگو

ج - مسئله بحران اقتصادی داخلی آمریکا

بالتیجه خاورمیانه فراموش شده است و این نشانه بسیار خوبی است و همه آرزومند سکوت و آرامش در این منطقه حساس هستند.

در مورد ایران آقای جونز اظهار داشتند که همه مسئولین آمریکا از سیاست تثبیت اقتصادی خوشوقت هستند و متأسفانه نتوانستند به میزانی که آقای خسرو هدایت درخواست کرده بودند به ایران کمک کنند. علت آن فقط مشکلات فنی و سیاست آیزنهاور در مورد ارزش دلار و سیاست اقتصادی آمریکا برای حمایت از صنایع ملی بود. در حال حاضر هم در مورد ایران متفق القول هستند که باید از این کشور پشتیبانی شود و هیچ‌گونه تغییری در سیاست آمریکا پیدا نشده است.^{۲۹}

در جواب اظهار شد مقامات ایرانی مایلند که سران آمریکا متوجه مشکلات ایران بشوند. ایران در خط اول دفاع خاورمیانه و آفریقا است. اگر خاورمیانه از دست برود آفریقا هم به دنبال آن خواهد رفت. بنابراین ایران، چه به منظور حفظ استقلال خود و چه به خاطر دفاع از خاورمیانه و آفریقا، وظیفه خود می‌داند که در برابر کمونیست مقاومت کند. ما اکنون ارتشی داریم که میزانش از نیازمندیهای داخلی ما بیشتر است ولی به پایه‌ای نرسیده است که قادر به دفاع در برابر تهاجم شوروی باشد. حال باید یا این ارتش را به اندازه کافی تقویت نمود و یا اینکه آن را کاهش داد تا فقط با احتیاجات داخلی تطبیق کند. عجزاً قسمت عمده بودجه ایران صرف ارتش می‌شود ولی باز هم برای احتیاجات ارتش کفایت نمی‌کند. به عقیده ما چند نقطه در دنیا از نقطه نظر موقعیت و ژئوپولیتیک حائز اهمیتند و این نقاط باید جداً تقویت شوند و یکی از این نقاط بدون شک ایران است که کلید خاورمیانه به شمار می‌رود.

آقای جونز اظهار داشتند که با تمام اظهارات فوق موافقت و در مورد اصل اینکه باید به ایران کمک نظامی شود هم توافق دارند و فقط بحث درباره مقدار این کمک است. از طرف دیگر، شکی نیست که بین هزینه‌های دفاعی و مخارج عمرانی در بیشتر مواقع تضاد پیدا می‌شود و نمونه آن نه فقط در ایران بلکه در پاکستان، ترکیه، و یونان نیز مشاهده می‌شود و حتی در آمریکا نیز این مسئله مطرح است.

در هر حال جونز مطمئنند که آقای راسک به مناسبت مسافرت به آنکارا برای حضور

۲۹. تأکید و کشیدن خط زیر جمله بالا از تهیه‌کننده گزارش است.



نعمت‌الله نصیری و تیمور بختیار | ۳۵۶۸-۱-پ

در جلسه آینده وزیرای پیمان ستو خود از نزدیک خواهند توانست به حقیقت وضع ایران و خاورمیانه پی برده و دقیقاً شرایط محلی را مطالعه کنند و به خصوص که اگر کسی درباره موضوعی شک داشته باشد دقیق‌تر مطالعه خواهد کرد.

جواب داده شد که طریقه کمک به ایران تنها به وسیله کمک مستقیم نیست. اگر میزان افزایش تولید نفت ما سریع‌تر از کشورهای دیگر خلیج فارس بالا رود ما با مشکلات کم‌تری از نقطه نظر مادی روبه‌رو می‌شویم. البته تولید نفت افزایش می‌یابد ولی این امر درباره تمام نقاط نفتخیز و فی‌المثل کویت نیز صادق است و در حالی که ما باید هم از خاورمیانه دفاع کنیم و هم برنامه‌های عمرانی خود را انجام دهیم درآمد سرانه ما از نفت ۱۲ دلار و درآمد سرانه نفت کویت ۲۰۰۰ دلار است.

آقای جونز جواب دادند که این مسئله بسیار حساس است و خود ایشان نیز در همین

زمینه به موازات نظریات ریاست سازمان فکر کرده‌اند ولی دولت آمریکا برعکس دولت انگلستان نمی‌تواند در امور شرکتهای نفتی مداخله کند.

ریاست ساواک اظهار داشتند وقتی ایران درخواست افزایش تولید نفت خود را می‌کند شرکتهای نفت به بهانه اینکه این امر جنبه بازرگانی دارد از دادن جواب دقیق درباره آن خودداری می‌کنند ولی وقتی درباره علت افزایش سریع نفت عراق سؤال می‌شود علت آن را عوامل سیاسی تفسیر می‌کنند.

آقای جونز در جواب گفتند که اگر هم افزایش تولید نفت عراق جنبه سیاسی داشته باشد مسئول آن دولت آمریکا نیست و شرکای دیگری نیز در نفت عراق وجود دارند. در پایان به طور اختصار درباره برنامه‌های عمرانی و ترقیات سریع اخیر ایران صحبت شد و مذاکرات در ساعت ۴/۴۰ بعدازظهر پایان یافت.

۲. روز چهارشنبه ۱۵ فوریه ساعت یک بعدازظهر با آقای چستر بولز معاون وزارت امور خارجه و پول نیتز i e معاون وزارت دفاع نهار صرف شد. میزبان آقای گینسبورگ از دوستان قدیمی چستر بولز بود.

نکات مهمی که مورد بحث قرار گرفت به شرح زیر بود:

الف - آقای بولز تأکید کردند که در سیاست آمریکا نسبت به متفقین خود هیچ‌گونه تغییری رخ نداده و درخواست نمودند این نکته مهم به اطلاع مقامات ایرانی برسد. آقای نیتز نیز در تأیید این مطلب اظهار داشتند که از نقطه نظر آمریکا کشور ایران یکی از حساس‌ترین نقاط جهان به شمار می‌رود.

ب - ریاست ساواک توضیح دادند خطری که از جانب شوروی ایران را تهدید می‌کند ممکن است غیرمستقیم باشد و تحریکاتی از طریق افغانستان و یا عراق متوجه ایران بشود. کمک نظامی آمریکا به ایران برای مقابله با این خطر کافی نیست و فی‌المثل هم‌اکنون نیروی هوایی عراق بر نیروی هوایی ایران از نظر نوع و مقدار برتری دارد. آقای نیتز در جواب گفت دولت جدید فقط سه هفته است سرکار آمده و مسئله کمک نظامی و اقتصادی به کشورهای دیگر مورد بررسی است ولی البته باید در نظر داشت که امکانات آمریکا، ضمن وسعت، نامحدود نیست و آمریکا ناچار است در حدود این امکانات به کشورهای متفق خود کمک کند. ایران در هر حال برای آمریکا اهمیت فوق‌العاده دارد.

ریاست ساواک اظهار داشتند ایران از دو سال پیش مورد حمله تبلیغاتی دامنه‌دار شوروی و ممالک کمونیست قرار گرفته و تاکنون در برابر آن مقاومت کرده است. این تبلیغات در افکار عمومی بی‌اثر نیست و اکنون بین مردم این سؤال مطرح است که فایده قبول تعهد از طرف ایران نسبت به غرب چیست به خصوص که شوروی به

کشورهای همسایه ما کمک نظامی و اقتصادی دامنه‌داری می‌کند و این جلب توجه همه را نموده است. مشکل ایران در این است که به خاطر نیروهای مسلح خود ناچار است از بودجه عمرانی بکاهد در حالی که یکی از عوامل مهم مبارزه با کمونیسم بالا بردن سطح زندگی مردم و پیشرفت سریع اقتصادی است.

آقای بولز در جواب گفتند شخصاً شوروی را دیده‌اند و اگر ایران ۱۵ سال با جدیت کار کند شاید دهات ایران بهتر از شوروی بشود. سپس پرسیدند ایران بیشتر به چه نوع کمکی احتیاج دارد کمک اقتصادی یا کمک نظامی؟

جواب داده شد که نتیجه کمک خواه نظامی و خواه اقتصادی از نقطه نظر ایران یکی است؛ اگر کمک اقتصادی بیشتری به ایران بشود بودجه کشور می‌تواند متحمل مخارج نظامی گردد و اگر کمک نظامی افزایش یابد می‌توان قسمت بیشتری از بودجه را متوجه فعالیتهای عمرانی نمود.

آقای بولز سپس تأکید کردند آمریکا متوجه فایده کمکهای طویل‌المدت اقتصادی شده است و اگر کنگره نیز با این امر موافقت کند قدم مؤثری برداشته خواهد شد. د- آقای نیتز گفتند البته برای مبارزه با کمونیسم باید سطح زندگی مردم را بالا برد ولی عوامل سیاسی نیز در پیشرفت کمونیسم مؤثر است.

ریاست ساواک با این نکته کاملاً موافق بودند و اظهار داشتند فی‌المثل نارضایتی افکار عمومی از متفقین ایران یک عامل سیاسی است و باید بدان توجه داشت و با افزایش کمک به منظور بهبود وضع ایران سعی در برطرف کردن آن نمود.

آقای بولز گفتند یک عامل مهم دیگر عامل اجتماعی است؛ فی‌المثل اگر کشوری از نقطه نظر اقتصادی سریعاً پیشرفت کند ولی توزیع درآمد ناعادلانه باشد این وضع به پیشرفت کمونیسم کمک می‌کند.

ه- آقای بولز پرسیدند برای استقرار آرامش در خاورمیانه چه باید کرد؟

در جواب اظهار شد بدین منظور باید علل تشنج خاورمیانه را از بین برد. فی‌المثل یکی از این علل جاه‌طلبی عبدالناصر است که می‌خواهد یک امپراطوری وسیع از اقیانوس هند تا اقیانوس اطلس ایجاد کند و به تمام ممالک عرب تسلط یابد و برای این مقصود به هر عملی از قبیل فعالیت تخریبی، تشویق به کودتا و یا ترور دست می‌زند. چون ممالک عرب خواهان استقلال هستند طبیعی است تضاد فی‌مابین، ایجاد تشنج می‌کند. حال باید کاری کرد که این عامل خطرناک بیش از این نیرومند نشود و از هر نوع کمکی به آن خودداری نمود. (این توضیح جلب توجه آقای چستر بولز را نمود و آن را یادداشت کرد.)

سپس در مورد شوروی بحث شد و ریاست [ساواک] گفتند شورویها وقتی حاضر به

بحث صمیمانه هستند که طرف خود را در همه جا نیرومند بدانند و اگر در یک گوشه نقطه ضعفی پیدا کنند در همان جا به فعالیت تخریبی خود ادامه می‌دهند و بجاست آمریکا هنگام مذاکره با شوروی هم خود را تقویت کند و هم متفقین خود را. مذاکرات در ساعت ۱۰ $\frac{1}{4}$ پایان یافت.

این مذاکره بسیار مفید بود و تأثیر خوبی در آقایان چستر بولز و نیتز نمود. بعداً اطلاع کسب شد که درست در همین موقع مقامات وزارت دفاع مشغول بررسی کمک به ایران هستند و امید می‌رود این ملاقات به طور مثبت در تصمیم مقامات آمریکایی مؤثر باشد. ۳. ساعت ۵ بعدازظهر روز چهارشنبه ۱۵ فوریه عده‌ای از کارشناسان اقتصادی آمریکا در دفتر آقای رابرت ناتان برای آشنایی با ریاست ساواک گرد آمده‌اند.

نخست رئیس ساواک شمه‌ای درباره وضع سیاسی و اقتصادی ایران گفتند و تأکید کردند ملت فقیری مانند ایران نمی‌تواند هم بودجه سنگین نظامی فعلی را تقبل کند و هم سریعاً پیشرفت کند. سپس سئوالات مختلفی از طرف کارشناسان آمریکایی شد و جواب لازم به آنها داده شد. نکته مهمی که به چشم می‌خورد این بود که به نظر کارشناسان آمریکایی فقط نباید در فکر پیشرفت اقتصادی بود بلکه باید موضوع توزیع عادلانه درآمد بین طبقات مختلف را در نظر داشت و در این زمینه سئوالات مفصلی راجع به اصلاحات ارضی در ایران شد. جلسه مزبور ساعت ۷ بعدازظهر پایان یافت.

۴. ساعت یک بعدازظهر روز پنج‌شنبه ۱۶ فوریه به دعوت آقای فیلیپ گراهام ناشر روزنامه وزین و منتقد واشینگتن پست نهاری [ناهاری] در محل اداره روزنامه ترتیب داده شد و عده‌ای از سردبیران سیاسی روزنامه در این نهار شرکت داشتند.

نخست ریاست ساواک توضیحاتی درباره وضع خاورمیانه دادند و تشریح کردند که سیاست شوروی نسبت به خاورمیانه فرقی با سیاست تزارها ندارد و هدف همان رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند (و اخیراً هم منابع نفتی) است و فقط تاکتیک رسیدن به این هدف تغییر کرده است. بعداً نیز رل خطرناک ناصر را به عنوان عامل امپریالیسم سرخ در خاورمیانه و افریقا تشریح کردند.

سپس سئوالات متعددی از طرف روزنامه‌نگاران مطرح شد و بیشتر سئوالهای مطرح‌شده [مطرح شده] درخصوص اصلاحات ارضی و توزیع عادلانه درآمد مردم بود. درباره رفم ارضی توضیح داده شد و راجع به کارگران نیز ریاست ساواک گفتند که قانون کار ما یکی از مدرن‌ترین قوانین کار است و سازمان کارگران یکی از ثروتمندترین سازمانهای کشور است.

ضمناً درباره تظاهرات دانشجویان در تهران سؤال شد. ریاست ساواک جواب دادند خود این تظاهرات دلیل این است که جوانان ایران به سرنوشت کشور خود علاقه‌مند



جان اف کندی و محمدرضا پهلوی | ۱-۶۳-پ |

هستند و ریشه این تظاهرات احساسات پاک آنهاست. البته شاید افراد کمونیست بخواهند از این وضع آشفته سوءاستفاده کنند ولی خود تظاهرات به هیچ وجه کمونیستی نیست و در ضمن، خود، شاهد آزادی بیان است.

جوابهای ریاست ساواک برای روزنامه‌نگاران قابل قبول به نظر می‌رسید به خصوص که هیچ اصراری در پرده‌پوشی و افکار [انکار] واقعیات کشور نشد و فقط سعی گردید حقیقت را آن طور که هست نشان دهند و نه آنچه‌آن که تبلیغات خارجی ایران را معرفی می‌کنند.

یکی از روزنامه‌نگاران اظهار داشت نوری سعید هم قبل از انقلاب همه جا صحبت از ثبات عراق می‌کرد و پیشرفت اقتصادی عراق را مهم‌ترین عامل این ثبات می‌شناخت ولی چون توده مردم عراق محروم بودند نارضایتی بین مردم دامنه گرفت و عاقبت انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ را به وجود آورد.

ریاست ساواک مشروحاً توضیح دادند تشبیه ایران به عراق از نقطه نظر سیاسی صحیح نیست. ایران امروز نتیجه ۲۵۰۰ سال فداکاری و فعالیت است در حالی که تاریخ تولد عراق پس از جنگ بین‌الملل اول است. رژیم سلطنت در ایران سستی است بسیار قدیمی و سلسله فعلی یکی از خاندانهای کاملاً ایرانی است. در عراق رژیم سلطنتی با

کمک انگلستان مستقر شد و عراق، به عنوان پاداش، به خاندان هاشمی که اصلاً حجازی بودند داده شد و در حقیقت یک سلسله بیگانه به دست یک کشور استعماری بر عراق دست یافته بود. رژیم عراق برای نگهداری خود ناچار بود تابع انگلستان باشد در حالی که در کشور ما رژیم سلطنتی خواسته خود مردم است و برای ابقای آن ما به سوی بیگانگان نمی‌نگریم.

توضیحات مزبور اثر قابل ملاحظه‌ای در روزنامه‌نگاران باقی گذاشت. در پایان، آقای گراهام توضیح دادند که مطالب مورد بحث برای روزنامه‌نگاران بسیار مفید بود و باعث شد بهتر ایران را بشناسند. ایشان پیشنهادهای زیر را نمودند:

الف - از یکی از رهبران برجسته سندیکای کارگری آمریکا مانند والتر رویتز (رئیس اتحادیه کارگران اتومبیل) دعوت شود که به ایران سفر نماید. وی شخص دست چپی ولی به شدت ضدکمونیست است. اگر وی از نزدیک توجه دولت ایران را به بهبود وضع کارگران به بیند [بیند] می‌تواند به نحو مؤثری مبلغ ایران در محافل کارگری دنیای آزاد شود.

ب - عده‌ای از روزنامه‌نگاران برجسته دعوت شوند که دسته‌جمعی مسافرتی به ایران بنمایند. شاید پس از این مسافرت بعضی از آنها نکاتی بنویسند که موافق میل ایرانیها نباشد ولی بدون شک امکان بازدید آزادانه ایران و پی بردن به مشکلات و حقایق کشور برای معرفی کشور ایران بسیار مفید خواهد بود.

ج - بهتر است با آقای ادمارو رئیس جدید سازمان اطلاعات آمریکا S A تماس گرفته شود و به وسیله او از محافل مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی آمریکا درخواست شود تبلیغات وسیعی درباره ایران بنمایند.

ریاست ساواک با تمام پیشنهادهای موافقت کردند و از خود آقای گراهام نیز دعوت نمودند هر موقع مایل باشند به عنوان مهمان شخصی رئیس ساواک مسافرتی به ایران بنمایند.

مذاکرات در ساعت ۲:۳۰ پایان یافت.

۵. ساعت ۲ بعدازظهر روز پنج‌شنبه ۱۶ فوریه با آقای کنن enen سردبیر iddle as e or ملاقات شد. این بولتن به صورت هفتگی در چهار صفحه منتشر می‌شود و اخبار برجسته خاورمیانه را درج می‌کند و با وجود اینکه تیراژ آن فقط در حدود ۱۰۰۰۰ شماره است ولی مشتریان آن سفارتخانه‌ها، مطبوعات، محافل کنگره و مقامات دولتی آمریکاست و بالتیجه کسانی که در تعیین سیاست خارجی آمریکا مؤثر هستند با این بولتن آشنایی کامل دارند. ریاست ساواک طی این ملاقات مشروحاً سیاست شوروی در خاورمیانه، دل عبدالناصر در اجرای مقاصد شوروی در خاورمیانه

و آفریقا، و وضعیت ممالک عربی خاورمیانه و منجمله عراق را توضیح دادند. در مورد عراق آقای کتن سنوالات متعددی نمود و ریاست ساواک گفتند انقلاب عراق به وسیله ناصر شد ولی بعد از آن شورویها از وضع موجود استفاده نمودند و فعلاً ۵۰۰ نفر متخصص نظامی شوروی در ارتش عراق است. کمک نظامی و اقتصادی شوروی به عراق عامل اصلی توسعه نفوذ شوروی در این کشور و حزب کمونیست عراق در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

تشریح وضع عراق و خاورمیانه شدیداً جلب توجه آقای کتن را نمود و در پایان قول دادند در تفسیر وضع خاورمیانه نکات مشروح از طرف ریاست ساواک را مورد نظر قرار دهند و تأکید کردند حاضرند هر چیزی را که برای ایران مفید باشد چاپ کنند و قرار شد بدین منظور با وابسته مطبوعاتی سفارت ایران در واشینگتن، آقای شاپوریان (که در هنگام مذاکرات حاضر بودند)، در تماس باشند.

۶. ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۶ فوریه آقای کارل لوین *Carl E. Levin* از ریاست ساواک در منزل خود به منظور آشنایی با یک عده از روزنامه‌نگاران برجسته آمریکایی دعوت کرد. آقای لوین که اکنون معاون شرکت *Sinly Widly* می‌باشد قبلاً رئیس اداره نیویورک هرالد تریبون در واشینگتن بوده است و در محافل روزنامه‌نگاری پایتخت نفوذ فراوانی دارد.

مذاکره با روزنامه‌نگاران به نحوی کاملاً صمیمانه و بدون تشریفات مدت سه ساعت ادامه یافت و سنوالات مورد بحث اغلب مشابه همانهایی بود که در ملاقاتهای مذکور در فوق بدان اشاره شده است. روزنامه‌نگاران مذکور عبارت بودند از آقایان روزه مخبر سیاسی نیویورک هرالد تریبون و پول وارد مخبر سیاسی بالتیمور سان. آقای پتر اپیترا لیزاگور مخبر سیاسی شیکاگو دپلی نیوز و مخبرین مجلات دیگری نظیر *تایم*، *لایف*، *یونایتد استیتس*، *نیوز اندورد* [ورلد] *ریپرت* و غیره.

۷. ساعت ۱۱:۲۰ صبح جمعه ۱۷ فوریه با آقای بوندی مدیرکل وزارت دفاع ملاقات شد. نامبرده قبلاً در سازمان اطلاعات آمریکا *A* بوده و از همان وقت با ریاست ساواک آشنایی داشت. ریاست ساواک مختصراً مشکلات ایران را برای تأمین بودجه دفاعی و رسانیدن نیروی نظامی به میزانی که از طرف طراحان نظامی پیمان سنتو لازم تشخیص داده شده است توضیح داده و تأکید نمودند که، به علاوه، به موازات آن یک رشته طرحهای وسیع عمرانی به منظور بالا بردن سطح زندگی مردم کشور به مورد اجرا گذاشته شده. مشکل ایران این است که نه فقط مستقیماً از طرف شوروی در خطر است بلکه از طرف عراق و افغانستان، که به وسیله شوروی تقویت می‌شوند، مورد تهدید قرار گرفته است و اکنون نیروی هوایی عراق به تنهایی نیرومندتر از نیروی هوایی ایران است

و ساز و برگ ارتش عراق مدرن‌تر از ساز و برگ ارتش شاهنشاهی است و بجاست از طرف دولت آمریکا توجه خاصی به این موضوع بشود و ارتش ایران جداً تقویت گردد. آقای بوندی توضیح دادند که چون به تازگی به وزارت دفاع آمده‌اند به جزئیات امر وارد نیستند ولی می‌توانند اطمینان دهند که سیاست دولت جدید آمریکا مبتنی بر تقویت جدی متفقین خود می‌باشد و ایران از نقطه‌نظر آمریکا و دنیای غرب یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین نقاط به شمار می‌رود و بنابراین حتی‌المقدور به ایران کمک خواهد شد. البته باید امکانات آمریکا را نیز در نظر داشت و در خود آمریکا نیز سران نظامی از دولت درخواست بودجه بیشتری را برای اجرای نقشه‌های خود دارند و دولت قادر به اجرای تمام این درخواستها نیست.

در پایان آقای بوندی قول دادند که در جلسه آینده ستو شرکت کنند و در صورت امکان مسافرتی نیز به ایران بنمایند و از نزدیک احتیاجات ارتش ایران را مورد بررسی قرار دهند.

۸ ساعت ۱۲:۳۰ روز جمعه ۱۷ فوریه آقای رابرت ناتان مجدداً نهارى به افتخار ریاست ساواک ترتیب داد که در آن آقایان زیر حضور داشتند:

فولر معاون وزارت خزانه‌داری، کامین مدیرعامل صندوق قرضه‌های عمرانی، لیندر مدیرعامل بانک صادرات و واردات، سناتور گیل مک‌گی عضو کمیته روابط خارجی سنا، کینت گوردون عضو شورای مشاورین اقتصادی رئیس جمهور. آقای پیرنیا وزیرمختار امور اقتصادی سفارت کپرای ایران نیز حضور داشتند.

در این ملاقات ریاست ساواک وضع ایران و خاورمیانه و رخنه شوروی در خاورمیانه و نیاز ایران را به کمک اقتصادی و نظامی بیشتر توضیح دادند.

سناتور مک‌گی که سال گذشته به همراه یک عده از سناتورهای آمریکا در هنگام مسافرت از اسرائیل به هند و چین سه روز در تهران اقامت داشت سؤال کرد که چه اقدامی برای بهبود وضع زندگی دهقانان و رفورم ارضی شده است.

در جواب مفصلاً توضیح داده شد که املاک سلطنتی تقریباً تمام تقسیم شده و املاک دولتی در حین تقسیم است و املاک خصوصی نیز اگر از حداکثر تعیین شده در قانون وسیع‌تر باشد تقسیم خواهد شد ولی در این مورد نخست باید اراضی کشور نقشه‌برداری و تعداد مالکین بزرگ تعیین شود و سپس اراضی آنها تقسیم گردد. آقای لیندر مدیرعامل بانک صادرات و واردات سؤال کردند چه نوع کمک اقتصادی بیشتر مورد علاقه ایران است. جواب داده شد هر نوع کمک اقتصادی مورد استقبال خواهد بود ولی کشور بیش از هر چیز نیازمند شبکه ارتباطی خوب و سپس نیز بالا بردن سطح تولید کشاورزی است. در همین چند هفته صندوق قرضه‌های عمرانی با دادن قرضه‌ای

به مبلغ ۱۲ میلیون دلار به ایران برای ساختن بندرعباس موافقت کرده ولی حال باید کمک لازم برای ساختن راه به منظور متصل کردن این بندر به کرمان و فارس بشود وگرنه نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. متأسفانه اکنون شنیده شده که بانک بین‌المللی با تصمیم صندوق قرضه‌ها مخالفت کرده و هنوز تصمیم قطعی در مورد این وام، که نهایت اهمیت را برای توسعه اقتصاد ایران دارد، گرفته نشده است.

آقای کامین مدیرعامل صندوق قرضه‌های عمرانی قول دادند موضوع را شخصاً بررسی کنند و موجبات رضایت ایران را فراهم نمایند.

سناتور مک گی اظهار علاقه‌مندی [کردند] که در اواخر تابستان با خانم خود به ایران مسافرت کند. ریاست ساواک قول دادند برای ایشان دعوتنامه‌ای ارسال دارند تا سناتور و خانم وی به عنوان مهمان شخصی رئیس ساواک هر مدتی را که می‌خواهند در ایران بمانند و از هر نقطه‌ای که میل داشته باشند بازدید کنند.

مذاکرات در ساعت ۲/۱۰ بعداز ظهر خاتمه یافت.

۹. ساعت ۸ بعدازظهر روز جمعه ۱۷ فوریه سفیرکبیر اسرائیل شامی به افتخار ریاست ساواک در منزل خود ترتیب داده بودند که اشخاص زیر در آن حضور داشتند: آقای ایمره سفیرکبیر حبشه، خانم و آقای لویی هندرسن سفیرکبیر سابق آمریکا در ایران، آقای قاضی کلارک و بانو، بانو سناتور نیورگر، آقای روسینسکی از بانک بین‌المللی، داوید کهن، آلیا شوارتر، آقای قاضیت وزیرمختار اسرائیل، آقای جمز روزولت (پسرروزولت فقید و نماینده مجلس) و خانم. در این مهمانی آقای خسروانی و بانو وزیرمختار ایران در واشنگتن نیز شرکت داشتند. پس از صرف شام مدتی با سفیرکبیر حبشه صحبت شد و وی اظهار علاقه کرد که شرکت ملی نفت ایران امکانات ایجاد یک پالایشگاه را در حبشه مورد بررسی قرار دهد و روی هم رفته مطالعاتی درباره وضع نفتی حبشه و آفریقای شرقی و امکانات دریافت مواد نفتی به قیمتی ارزان‌تر بشود. ریاست ساواک اظهار داشتند دولت ایران با کمال میل حاضر است کارشناسانی به حبشه اعزام دارد تا از نزدیک وضع بازار محل را بررسی نمایند و پیشنهادات خود را پس از این بررسی تقدیم دولت حبشه خواهند کرد ولی البته قبلاً باید دعوتی از طرف دولت حبشه در این مورد به طور رسمی بشود. به فرض اینکه نتیجه مطالعات کارشناسان ایرانی مخالف با ایجاد یک پالایشگاه در حبشه باشد باز هم این مطالعات از نظر دولت حبشه بالارزش خواهد بود زیرا ایران در حین داشتن کارشناسان نفتی عالیقدر می‌تواند به طور بیطرفانه و صادقانه وضع بازار نفتی حبشه را مطالعه نماید در حالی که کارتل [کارتلهای] بین‌المللی نفت به علت منافع خصوصی خود هرگز حاضر به این امر نخواهند شد. در پایان قرار شد سفیر حبشه مذاکرات مزبور را به اطلاع دولت خود برساند تا در صورت

لزوم از طریق سفارت ایران در واشنگتن دعوتنامه فوق‌الذکر فرستاده شود.

۱۰. روز شنبه ۱۸ فوریه ساعت یک بعداز ظهر نهاری از طرف آقای ماکس کامیلمان، وکیل دعاوی، مشاور سیاسی همفری داده شد که اشخاص زیر حضور داشتند:

آقای والتر هلر رئیس شورای مشاورین اقتصادی رئیس جمهور، آقای هارت پری معاون صندوق قرضه‌های عمرانی، آقای بن کوهن وکیل دادگستری، آقای هرب والتر معاون سازمان همکاری‌های بین‌المللی، آقای ژان لئونارد مدیرکل سازمان‌های بین‌المللی وزارت خارجه، آقای هیلسمان مدیرکل اطلاعات و تحقیقات، آقای میلک فلدمن، آقای ریچارد اسکوفتمن مشاور قسمت خواروبار برای صلح.

طی این ملاقات ریاست ساواک مشروحاً وضع ایران و خاورمیانه، سیاست شوروی در خاورمیانه، عوامل شوروی در خاورمیانه، خطر نفوذ شوروی در افغانستان و عراق و لزوم تقویت ارتش ایران را برای مقابله با تهدید غیرمستقیم شوروی از طریق دو کشور اخیرالذکر، لزوم بالا بردن سطح زندگی مردم در ایران و نیاز ایران به کمک اقتصادی و نظامی وسیع‌تری را توضیح دادند.

سئوالاتی درباره وضع اقتصادی ایران، رفورم ارضی و سیاست دولت را برای توزیع عادلانه درآمد شد که به آنها نیز جوابهای لازم داده شد.

۱۱. روز یکشنبه ۱۹ فوریه ساعت ۶ بعداز ظهر شامی از طرف آقای فرمان نایب رئیس شرکت International Sales در آن ۲۸ نفر از صاحبان صنایع و روزنامه‌نگاران و حقوق‌دانان آمریکایی شرکت داشتند.

پس از صرف شام نخست ریاست ساواک طبق معمول توضیحات مشروحه درباره وضع ایران و خاورمیانه دادند و به پیشرفتهای اقتصادی ایران در سنوات اخیر اشاره کردند. سپس مدت ۲ ساعت سئوالات متعددی درباره رفورم ارضی در ایران، وضع کارگران، میزان آزادی مردم، شرایط سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران مطرح شد که بدانها جوابهای کافی داده شد.

در هنگام خداحافظی نماینده شرکت لاستیک‌سازی جنرال اظهار داشت با توجه به اظهارات ریاست ساواک و امکانات سرمایه‌گذاری در ایران و اینکه بانک توسعه صنعتی و معدنی سرمایه‌گذارهای مفید را تشویق می‌کند و حتی حداقل منفعت را تضمین می‌نماید وی به مرکز اصلی شرکت خود توصیه خواهد کرد از نوباً دولت ایران مذاکراتی بنماید و شاید شرکت جنرال هم به دنبال گودریچ وارد فعالیت صنعتی در ایران بشود.

این ملاقات از نقطه نظر آشنا کردن صاحبان صنایع به وضع حقیقی ایران و امکانات زیاد این کشور برای سرمایه‌گذارهای خصوصی بسیار مفید و جالب بود و در همه حضار حسن اثر بخشید.

۱۲. در ساعت ۱۲/۴۰ روز ۲۰ فوریه آقای دکتر مورگان رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان نهاری به افتخار ریاست سازمان در مجلس نمایندگان ترتیب داده بود که اکثریت اعضای کمیته خارجی مجلس نمایندگان در آن حضور داشتند.

ریاست سازمان ضمن تشکر از این دعوت مختصراً وضع خاورمیانه و ایران را تشریح نمود و مشکلات فعلی دولت ایران و هدف مسافرت خود را به آمریکا مطرح نمود.

نمایندگان مجلس سئوالات دقیقی درباره پیشرفت نفوذ شوروی در افغانستان و عراق نمودند و این مطلب برای آنها بسیار جالب توجه بود. برای نمایندگان توضیح داده شد که مردم عادی نمی‌توانند اثرات پیشرفت نفوذ اقتصادی شوروی را در آینده کشورها ببینند. آنچه که در حال حاضر در فکر آنها خطور می‌کند این است که چه دلیلی باعث شده که ایران که فقط از آمریکا کمک می‌گیرد و مقدار آن قابل مقایسه با کمکهایی که کشورهای بیطرف خاورمیانه از دو بلوک دریافت می‌دارند نیست همچنان در بلوک غرب باقی بماند. در حالی که مثلاً افغانستان هم از شوروی و هم از آمریکا کمک دریافت می‌کند. این سیاست که دوستان ما دوست ما هستند و ما باید سعی در جلب توجه دشمنان خود یا بی طرفها بنماییم ممکن است در آینده تغییری در سیاست دوستان به وجود آورد.

نمایندگان درخصوص پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی در ایران و اصلاحات ارضی سئوالاتی نمودند. غالب این سئوالات نشان می‌داد که نمایندگان تردید دارند از اینکه سطح زندگی همه مردم و به خصوص طبقات دهقانان در ایران به یک نسبت بالا رفته است و روی این مطلب تأکید داشتند که بهترین نوع اصلاحات آن است که نتایج آن به طور عادلانه مفید به حال همه طبقات کشور و به خصوص کشاورز باشد.

اعضای کمیته درباره مفید بودن کمکهای جنسی که اخیراً به ایران شده است سؤال کردند. جواب داده شد که بسیار مفید بوده و امیدواریم در آینده هم مجدداً ادامه یابد. درخصوص کارهایی که از طریق اصل چهار در ایران انجام شده جواب داده شد بعضی از این کارها مثل مبارزه با مالاریا نتایج بسیار رضایت‌بخشی داشته و مالاریا در ایران به کلی ریشه‌کن شده است. درباره کمکهای نظامی و اقتصادی سؤال شد که ایران مایل است کمک آمریکا به صورت کمک نظامی یا کمک اقتصادی باشد. جواب داده شد مآلاً برای دولت ایران فرقی ندارد؛ اگر برای بهبود ارتش ایران کمکهای مفیدی بشود دولت ایران می‌تواند میزان بیشتری به اصلاحات اقتصادی و عمران کشور اختصاص دهد. اگر مستقیماً به پیشرفتهای اقتصادی کشور به نحوی مؤثرتر کمک شود ما فقط از نظر نظامی احتیاج به سلاح مدرن داریم چون خرید آنها برای ما ابداً میسر نیست.

به نمایندگان توضیح داده شد برای اینکه بهتر وضع ایران برای مردم آمریکا روشن شود بسیار مفید است که اعضای مجلس نمایندگان سفری به ایران بنمایند و از نزدیک کشور

ایران و وضع مردم را مطالعه نمایند تا به روشنی بتوانند حقیقت امر را در کشور ما ببینند. آقای مورگان اظهار تمایل به مسافرت به ایران نمود و اظهار داشت مایل است مؤسسات بهداشتی ایران را بازدید کند و احتیاجات آنها را از نزدیک ببیند. (آقای مورگان دکتر در طب است.) رئیس سازمان از ایشان دعوت نمود که برای ماه سپتامبر به ایران مسافرت کنند. از اعضای کنگره اشخاص زیر در این نهار شرکت داشتند:

فلوریدا^{۳۰} an as ell ، پنسیلوانیا^{۳۱} or an ، نیویورک^{۳۲} Leonard arls in ، تکزاس^{۳۳} ar rlesos ، نیوجرسی^{۳۴} alla ar ، اوهایو^{۳۵} Wayne ayes ، مینه زوتا^{۳۶} Wal er a ، کارولینای شمالی^{۳۷} o n ain ، رئیس کمیته اداری^{۳۸} raw ord

۱۳. روز دوشنبه ۲۰ فوریه ساعت ۲/۴۵ بعداز ظهر با آقای زوکرت وزیر نیروی هوایی ملاقات شد. طی این ملاقات ریاست ساواک توضیح دادند ایران وظیفه دفاع از استقلال خود و خاورمیانه و حتی افریقا را دارد. ما ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با شوروی داریم و باید از آن دفاع کنیم ولی در ضمن شوروی در افغانستان و عراق نیز رخنه کرده و کمک نظامی وسیعی به این دو کشور می‌نماید و بالتیجه ما از پشت سر مورد مخاطره قرار گرفته‌ایم. در مورد نیروی هوایی هم‌اکنون عراق ۹۰ هواپیمای میگ ۱۷ دارد در حالی که ما فقط ۶۰ هواپیمای داریم. در برابر این وضع نیروی هوایی ما احتیاج به تقویت دارد. خلبانان عراقی در حال حاضر قادر به استفاده از هواپیماهای شوروی می‌باشند و خلبانان افغانی نیز اگرچه هنوز قادر به استفاده از هواپیماهای مدرن خود نیستند ولی کم‌کم عادت خواهند کرد. حال، ایران از نظر نیروی هوایی به دو چیز احتیاج دارد:

الف - هواپیماهای بهتر که حداقل از نظر نوع برابر با میگ ۱۷ و احیاناً میگ ۱۹ باشد، (اخیراً اطلاع حاصل شده است که شورویها به عراق میگ ۱۹ تحویل داده‌اند). از نظر تعداد نیز باید هواپیماهای ما افزایش یابد.

ب - به ما اعتراض می‌شود که خلبان ورزیده برای هواپیماهای بهتر نداریم، ولی وقتی درخواست تربیت خلبان برای هواپیماهای بهتر می‌شود می‌گویند این کار غیر لازم است چون هواپیمای بهتر نداریم. راه‌حل این است که یک مدرسه هوانوردی در ایران تأسیس شود و قسمت اول آموزش در ایران انجام گیرد و سپس برای تکمیل تحصیلات خلبانان

۳۲. لیونارد فارلشتاین

۳۱. تی. مورگان

۳۰. دنت بی. فاستل

۳۵. وین هیز

۳۴. س. کالگر

۳۳. عمر بارلسوس

۳۸. بوید کرافورد

۳۷. ال. ایچ فاونتن

۳۶. والتر جب

ما به آلمان غربی و یا آمریکا بروند. در سیستم فعلی مقدار زیادی پول و وقت تلف می‌شود زیرا عده‌ای از دانشجویان که به خارج اعزام می‌شوند ضمن تحصیل حذف می‌شوند و باید دوباره به کشور برگردند در حالی که اگر در ایران مدرسه هوایی ایجاد شود عمل انتخاب هوانورد و تربیت مقدماتی در محل انجام می‌شود و فقط کسانی که آن مدرسه را با موفقیت به پایان رسانیده‌اند می‌توانند به خارج بروند.

این پیشنهاد مورد توجه خاص وزیر نیروی هوایی و یکی از معاونین او که گویا مسئول امور ایران بود قرار گرفت و آن را یادداشت کردند و پیشنهاد را کاملاً منطقی تلقی نمودند و قول دادند درباره آن مطالعه کنند. در ضمن سؤال شد که آیا در این مورد با میسیون نظامی آمریکا در ایران مذاکره شده است؟ جواب داده شد که میسیون در جریان امر است.

وزیر نیروی هوایی اظهار داشت که خود چندان وارد جریان نیست زیرا فقط یک ماه است سرکار آمده ولی در هر حال ایران را متفق و دوست آمریکا می‌داند و هم‌اکنون که مشغول بررسی و تجدیدنظر در سیاست دفاعی آمریکاست در مورد ایران نیز مطالعات کافی خواهد کرد. و در ضمن در اولین فرصت خود رهسپار ایران خواهد شد. وزیر نیروی هوایی اضافه کرد چطور است دولت ایران برای تکمیل کادر هوایی خود عده‌ای را به کلاس‌هایی که در پاکستان دایر شده اعزام دارد.

جواب داده شد به نظر ما بهتر است در خود ایران این کلاس‌های مقدماتی دایر شود. این توضیح نیز مورد قبول و تأیید واقع شد.

۱۴. روز دوشنبه ۲۰ فوریه ساعت ۴ بعداز ظهر با سناتور سایمینگتون رئیس سوکمیته دفاع آسیای جنوبی و جنوب شرقی و عضو کمیته‌های دفاع و روابط خارجی ملاقات شد.

ریاست ساواک وظیفه سنگین دفاعی را که به عهده ایران است تشریح نموده و تأکید کردند به علت تعهدات سنگین خود ایران بودجه نظامی کمرشکن دارد و بدون کمک آمریکا نمی‌تواند که نیروی مسلح خود را به میزان مؤثری تقویت کند و نه قادر به اجرای برنامه‌های عمرانی خود می‌باشد، در حالی که پیشرفت اقتصادی نیز یکی از طرق مبارزه با کمونیسم است. از این گذشته اکنون کشور ما از طریق افغانستان و عراق نیز مورد تهدید قرار گرفته است و بنابراین احتیاج به کمک بیشتر و وسائل مدرن‌تری دارد و در غیر این صورت اگر به نیروی دفاعی ایران کمک نشود و وضع به همین منوال باشد بودجه‌ای که صرف می‌شود به هدر می‌رود. سناتور سایمینگتون، که به نظر می‌آید کاملاً با وضع آشناست، نظریات بالا را مورد تأیید و تصدیق قرار داد و گفت که خود معتقد است یا باید مدرن‌ترین اسلحه را در اختیار متفقین خود بگذاریم و یا اینکه اصلاً کمکی ننماییم.

کشورهای متفق آمریکا باید مجهز به مدرن‌ترین سلاح باشند و قابلیت تحرک کامل داشته باشند.

در مورد ایران نیز سناتور کاملاً موافق است که به ایران باید هواپیماهای مدرن و سلاح جدید داده شود، و اضافه نمود که حاضر است در این راه هر کمکی که می‌تواند بکند تا کشور از هر نقطه نظر تقویت شود.

قرار شد ریاست ساواک در اواسط مارس نامه‌ای به سناتور نوشته و به ضمیمه آن یادداشت دقیقی در مورد کمک نظامی آمریکا به ایران به همراه پیشنهادهای خود بنویسد و سناتور نیز به اتکاء این یادداشت (که توضیح می‌داد محرمانه خواهد بود و اگر مایل نباشید به کسی نشان داده نمی‌شود) اقدامات لازم خواهد کرد.

در پایان سناتور سایمینگتون قول داد در صورت امکان در حدود ماههای سپتامبر و یا اکتبر به ایران مسافرت کند و در ضمن درخواست نمود بهترین احترامات او به حضور شاهنشاه تقدیم شود. (سناتور سایمینگتون در واشنگتن به حضور اعلیحضرت همایون شرفیاب شده است.) به علاوه، قرار شد که ریاست ساواک در هر موقعی که لازم دیدند با سناتور مکاتبه نمایند.

۱۵. آقای بلوشتین در ساعت ۸/۲۰ بعداز ظهر روز ۲۰ فوریه شامی در منزل خود در بالتیمور ترتیب داده بود که به غیر از نمایندگان ایران آقای گازین وزیرمختار اسرائیل در آمریکا و آقای لیدان از سفارت اسرائیل حضور داشتند. آقای بلوشتین یکی از یهودیان بسیار ثروتمند آمریکاست که به خصوص در شرکتهای نفت استاندارد اویل اف ایندیانا و نیوجرسی سهامدار است و چندی پیش نماینده آمریکا در سازمان ملل بوده و از شخصیت‌های متنفذ در سیاست آمریکاست. آقای بلوشتین اظهار داشتند چندین بار به حضور اعلیحضرت شاهنشاه شرفیاب شده و از این آشنایی اظهار خوشوقتی می‌نمودند. در ملاقات با ایشان که در حدود سه ساعت طول کشید مذاکراتی نظیر مذاکراتی که با سایر شخصیت‌های متنفذ آمریکایی انجام داده بود صورت گرفت به خصوص ریاست سازمان آقای بلوشتین را متوجه توسعه نفوذ شوروی در عراق و افغانستان نمود و توضیح داد که در صورت پیشرفت احتمالی شوروی در خلیج فارس چه خطرات عمده‌ای متوجه دنیای آزاد و خاصه متوجه شرکتهای نفتی خواهد شد. آقای بلوشتین تمام این مطالب را مورد تأیید قرار داده و سنوال کرد مگر دولت آمریکا به اندازه کافی به ایران کمک نمی‌کند؟ ریاست ساواک جواباً نظرات دولت ایران را به تفصیل تشریح نموده و آقای بلوشتین پرسیدند به نظر ایران بهتر است آمریکا کمک نظامی بدهد یا کمک اقتصادی پاسخ آن نظیر جوابهایی بود که قبلاً داده شده است. نامبرده اظهار کرد که بی‌نهایت به ایران علاقه‌مند است و حاضر است همه نوع کمکی



کندی، فرح و محمدرضا پهلوی و ژاکلین کندی | ۱-۶۰-پ |

بنماید و اضافه نمود اصل مطلب این است که باید در خود ایران اصلاحات اساسی تری انجام شود و سعی گردد سطح زندگی طبقات فقیر کشور بالا برود تا خود این عوامل بزرگترین مانع و مبارزه کمونیسم در ایران باشند.

در خصوص کمک و طرق آن به توسعه اقتصاد ایران و بالا رفتن سطح زندگی مردم ریاست ساواک اظهار داشت که کمپانیهای نفتی می توانند با اختصاص دادن میزان بیشتری از اضافه تولید نفت خاورمیانه به ایران مساعدتهای ذیقیمتی به ایران بکنند، و اظهار نمود که به طور متوسط هر نفر کویتی ۲۰۰۰ دلار و هر ایرانی فقط ۱۲ دلار در سال عایدی سرانه از نفت دارد. بالا بردن میزان تولید نفت ایران سبب خواهد شد که دولت بتواند اعتبارات بیشتری به کارهای عمرانی کشور اختصاص دهد و این کار ما را از کمک خارجی بی نیاز خواهد کرد.

آقای بلوشتین اظهار کرد البته مطلب به این ساده‌گی اسادگی نیست چه همه کشورهای خاورمیانه میل دارند از این اضافه تولید سالیانه سهمی بیشتر ببرند و به علاوه منافع کمپانیهای مختلفه در میان است. در هر حال وعده داد که با همکاران نفتی خود در این باب مذاکره و مطالعه کند.

۱۶. در ساعت ۱۰/۲۰ روز سه‌شنبه ۲۱ فوریه با آقای جرج مک‌گی رئیس قسمت طرح سیاست خارجی وزارت خارجه آمریکا ملاقات شد. آقای مک‌گی قبلاً مدیرکل اداره خاورمیانه و بعداً نیز سفیر کبیر آمریکا در ترکیه بوده و به منطقه خاورمیانه و ایران آشنایی کامل دارد. وی اکنون زیر نظر آقای چستر بولز کار می‌کند و نظرات او در تدوین سیاست خارجی آمریکا نقش قاطعی دارد. نخست ریاست ساواک مشکلات ایران را برای آقای مک‌گی توضیح دادند و تأکید کردند ایران به تشویق آمریکا به پیمان بغداد ملحق شد و اکنون این امر ایجاد تعهدات نظامی سنگینی را برای دولت ایران نموده است که اجرای آن فقط به قیمت صرف‌نظر کردن از اجرای قسمتی از طرحهای اقتصادی میسر است. جای آن دارد که دولت آمریکا کمک نظامی و اقتصادی متناسبی به ایران بکند و در ضمن ارتش ایران را از نظر تجهیزات تقویت نماید و آن را به پایه متحدین خود یعنی پاکستان و ترکیه برساند.

آقای مک‌گی در پاسخ هر یک از این نکات مطالبی ابراز داشتند که مجموع آن به طور خلاصه به شرح زیر است:

یکم - ورود ایران در پیمان بغداد صرفاً به تصمیم خود دولت ایران و با توجه به مقتضیات منطقه‌ای بوده و آمریکا هیچ‌گونه قولی به دولت ایران در قبال الحاق به پیمان بغداد نداده بود. البته پیمان ستورا آمریکا مفید می‌داند زیرا براساس دفاع دسته‌جمعی متکی است ولی منافع ناشی از آن مستقیماً عاید خود ایران می‌شود؛ اگر ایران وارد پیمان ستو نشده بود شاید باید خیلی بیش از حال برای دفاع خود خرج می‌کرد.

دوم - ایران احتیاجی به تجهیز بیش از اندازه ارتش خود ندارد؛ اگر شوروی به ایران حمله کند که این امر باعث جنگ جهانی می‌شود. اگر هم خطری از جانب افغانستان و یا عراق متوجه ایران باشد بر طبق اصل دفاع دسته‌جمعی پیش‌بینی شده در پیمان ستو خود به خود پاکستان و ترکیه به کمک ایران خواهند شتافت. بنابراین جای هیچ‌گونه نگرانی موجود نیست.

سوم - اگر به پاکستان و ترکیه نسبتاً کمک نظامی و اقتصادی بیشتری می‌شود برای آن است که این ممالک مانند ایران دارای درآمد نفت نیستند و به هر حال هرگونه کمک نظامی به ترکیه و پاکستان فوایدش عاید ایران نیز می‌شود.

چهارم - مهمترین عامل جلوگیری از کمونیسیم این است که مردم به آب و خاک خود

علاقه‌مند باشند. بدین منظور باید حداکثر کوشش برای بالا بردن سطح زندگی و بسط عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه درآمد به کار رود.

لحن آقای مک‌گی خیلی صریح بود و روی هم رفته این طور استنباط شد که وی موافق با افزایش کمک به ایران نیست و وضع اجتماعی و سیاسی فعلی ایران را نمی‌پسندد. و در ضمن موافق الحاق کامل آمریکا به پیمان بغداد نمی‌باشد.

البته در پاسخ اظهارات او توضیحات لازم و همراه با صراحت داده شد و تأکید گردید که دولت ایران تصور می‌کند که وجودش در پیمان ستو و تعهدات نظامی سنگین ناشی از آن نه فقط به خاطر ایران بلکه برای دفاع از دنیای آزاد است. حال اگر دنیای آزاد متوجه این فداکاری نگشته و حاضر به ازدیاد کمک به ایران نباشد و الحاق به پیمان ستو را صرفاً مسئله خصوصی ایران تلقی کند شاید دولت ایران ناچار به تجدیدنظر در سیاست خود نسبت به پیمان ستو شود. در مورد دفاع دسته‌جمعی نیز تصریح شد که مفهوم دفاع دسته‌جمعی این نیست که کشوری ضعیف باشد و به انتظار کمک احتمالی همسایگانش بنشیند و اگر دولت ایران چنین اصلی را بخواهد قبول کند افکار عمومی آن را به حق موهن تلقی خواهد کرد. مذاکرات در ساعت ۱۱ پایان یافت.

[ریاست سازمان] در ساعت ۱۲/۳۰ روز ۲۱ فوریه به دعوت آقای سناتور اسکات (از ایالت پنسیلوانیا) عضو کمیته روابط خارجی مجلس سنا در ضیافت نهاری که در مجلس سنا برپا شده بود شرکت نمود. حاضرین عبارت بودند از:

سناتور جان اسپارکمن on S ark an آلاباما،

سناتور الکساندر وایلی Ale ander Wiley ویسکانسین،

سناتور جوزف کلارک ose S lark پنسیلوانیا،

سناتور وارن مگ نیوزن Warren a n sen واشنگتن،

سناتور هیرام فونگ ira on هاوایی،

سناتور پول [پاول] داگلاس (Pa l o las) ایلینویز،

سناتور پرسکات بوش (Pres o s) کانکتیکوت،

سناتور فرانک لوش (rank a s e) اوهایو.

ریاست ساواک ضمن تشریح کلی وضع خاورمیانه و اهمیتی که ایران برای دفاع از دنیای آزاد و خاورمیانه و آفریقا دارد توضیح دادند که دنیای آزاد باید وضع حقیقی ایران و احتیاجات اقتصادی و نظامی آن را درک کند. ضمن بحث، اعضای کمیته روابط خارجی به خصوص راجع به قانون اصلاحات ارضی ایران و پیشرفت‌ها و نقشه‌های اجتماعی دولت سؤالاتی مطرح کردند و جوابهای لازم داده شد.

اعضای کمیته راجع به توسعه نفوذ شوروی در افغانستان و عراق سؤالات متعددی

کردند. در پایان ریاست ساواک از ملاقات با آقایان سناتورها اظهار خوشوقتی کرده و اظهار داشتند مقامات ایرانی خوشوقت می‌شوند که آقایان به کشور ما بیایند و از نزدیک با چهره حقیقی کشور ما آشنا شوند و مشکلات ما را درک نمایند. در پایان نیز از سناتور اسکات دعوت شد به دعوت دولت ایران مسافرتی به این کشور بنماید و سناتور نیز وعده داد در اولین فرصت مناسب این مسافرت را عملی کند.

۱۸. ساعت ۱۷/۲۰ روز سه‌شنبه ۲۱ فوریه با آقای اد مارو Adinisraion S A ni ed S a es جدید سازمان اطلاعات آمریکا International ملاقات شد. آقای اد مارو مشهورترین مفسر سیاسی رادیو-تلویزیون نفوذ زیادی دارد. منظور از ملاقات، افتتاح باب آشنایی بود تا بتوان بعداً از امکانات آقای اد مارو در محافل فوق‌الذکر استفاده نمود.

طی این ملاقات ریاست ساواک به وضع ایران اشاره کرده و اظهار داشتند متأسفانه آمریکا ایران را خوب نمی‌شناسد و شاید علت آن عدم تبلیغات از طرف ایران در آمریکا باشد، ولی چون کشور ما تمام کوشش خود را مصروف تجهیز ارتش از یک طرف و اجرای طرحهای عمرانی و بالا بردن سطح زندگی مردم از طرف دیگر می‌کند دیگر قدرت پرداخت مخارج هنگفت تبلیغاتی را ندارد. آقای اد مارو در جواب گفتند متأسفانه سازمان اطلاعات آمریکا فقط به منظور تبلیغات در خارج آمریکا است و حق تبلیغات در داخل آمریکا را ندارد و گرنه ممکن بود از وجود همین سازمان برای معرفی ایران به آمریکاییها استفاده کرد. ولی با وجود این خود وی با محافل رادیو-تلویزیون آمریکا ارتباط نزدیکی دارد و حاضر است به آنها توصیه کند به نحو هماهنگ و وسیعی به نفع ایران تبلیغ کنند به شرط آنکه فیلمهای خبری جالب و نوارهای موسیقی و غیره در اختیار آنها مرتباً گذاشته شود. در ضمن، خود وی نیز درخواست کرد درباره نظر مردم ایران نسبت به برنامه‌های صدای آمریکا و تبلیغات سازمان اطلاعات آمریکا تحقیق شده و به او پیشنهادهایی درباره نحوه بهبود این تبلیغات بشود و این امر کمک مؤثری به او خواهد بود. قرار شد در این مورد اقدام شود.

۱۹. بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۲ فوریه از واشنگتن رهسپار نیویورک گشته و روز بعد در ساعت ۱۱ با عده‌ای از سردبیران مجلات تایم و لایف ملاقات شد. حاضرین در این ملاقات به شرح زیر بودند:

ridly onan, diorial ire or^{۳۹}

۳۹. آقای هدلی دونون

۴۰. r Aaker, Senior Director خارجی

۴۱. roness, Director Writer لی e

۴۲. rener, Senior Director خارجی لی e

۴۳. renisoder, Director لی e

طی این ملاقات ریاست ساواک توضیحات مفصلی درباره وضع سیاسی ایران و خاورمیانه دادند و سپس سؤالاتی درباره انتخابات و تظاهرات دانشجویان وقایع اخیر دانشگاه شد. ریاست ساواک اظهار داشتند که قانون انتخابات به نحوی است که خواهناخواه در آن مداخله شخصی می‌شود. این قانون در ۵۰ سال پیش نوشته شده و با وضع امروز تطابق ندارد و تنها راه چاره آن است که مجلس جدید قانون انتخاباتی دیگری که مناسب با شرایط فعلی باشد تدوین کنند و امکان مداخلات شخصی و تقلب در آراء را از میان ببرد. نارضایتی محصلین نیز در واقع به علت وجود قانون انتخابات فعلی است ولی دولت علی‌رغم انتقاد افکار عمومی موظف است تا موقعی که قانون جدیدی وضع نشده همان قانون گذشته را مراعات کند. این امر در ممالک دیگر نیز سابقه دارد که دولت به حکم قانون عملی را انجام می‌دهد که مورد پسند افکار عمومی نیست.

فی‌المثل در آمریکا اعدام کاریل چسمان موجب اعتراض و تظاهرات شدید توده مردم شد ولی دولت چاره‌ای جز احترام و اجرای قوانین موجود نداشت. از این گذشته، دموکراسی به مفهوم دنیای غرب در ممالک عقب‌مانده میسر نیست. ایران روزی می‌تواند دموکراسی خود را به پایه سوئد برساند که در تمام شئون به پایه سوئد رسیده باشد و سطح زندگی، فرهنگ و غیره همپایه کشور مزبور باشد و در غیر این صورت ترکیب دموکراسی سوئد با اقتصاد و اجتماع عقب‌مانده میسر نیست. البته دولت ایران معتقد به دموکراسی و آزادی فردی می‌باشد و تعداد باسوادها مرتباً افزایش و وضع مادی مردم بهبود می‌یابد و به موازات آن باید میزان آزادی مردم نیز بیشتر شود. هم‌اکنون شاید در هیچ یک از کشورهای خاورمیانه به اندازه ایران مردم آزادی نداشته باشند و تظاهرات و اعتراضات مردم به دولت خود نشانه آزادی موجود است.

توضیحات ریاست ساواک در بقیه موارد راجع به رفورم ارضی، پیشرفت اقتصادی، نیاز ایران به کمک بیشتر نظامی و اقتصادی مشابه توضیحاتی بود که در موارد دیگر دادند و قبلاً به آن اشاره شده است. در مورد سیاست خطرناک ناصر و نفوذ شوروی در

۴۰. آقای ای. تی بیکرسوم

۴۱. آقای جان کی. جساپ، سردبیر مجله لایف

۴۲. آقای جین فارمر

۴۳. آقای دنیس فودر، دبیر بخش توزیع نایم

افغانستان و عراق و خطری که از جانب دو کشور اخیر ایران را تهدید می‌کند نیز مشروحاً صحبت شد. ملاقات مزبور در ساعت ۱۲/۳۰ پایان یافت.

۲۰. ساعت ۱۳ روز پنج‌شنبه ۲۳ فوریه از طرف آقای راندولف هرست (جونپور) نهاری به افتخار ریاست ساواک داده شد که در آن عده‌ای از سردبیران سلسله مطبوعات هرست و یکی از سردبیران یو. اس. نیوز اندورلد رپورت به شرح زیر حضور داشتند:

r i ard erlin, Prsiden e ears or,^{۲۴}

r andol A ears P li a ion, Presiden ears onsolida ed^{۲۵}

r W ears r, e ears ews a ers,^{۲۶}

r eo onsky, e ears eadline Ser i e,^{۲۷}

r len e ille, e ew ork rror,^{۲۸} از روزنامه‌های هرست،

r oward andel an, S ews World e or^{۲۹}

توضیحات ریاست ساواک و سؤال و جواب بعد از آن مشابه مذاکراتی بود که با روزنامه‌نگاران دیگر شده بود. آقای هرست یادآور شد که اعلیحضرت همایونی در یکی از مسافرت‌های خود به آمریکا به منزل او تشریف‌فرما شده بودند و از ریاست ساواک درخواست کرد احترامات او را به حضور شاهنشاه تقدیم دارند. سردبیران حاضر اظهار علاقه به داشتن اطلاعات و مدارک بیشتری درباره ایران به منظور معرفی ایران در مطبوعات خود نمودند و به خصوص مایل به داشتن اطلاعات اقتصادی بودند. (در این مورد فوراً اقدام شد و به وسیله سفارت ایران در واشنگتن مدارک لازم ارسال گردید.) به نظر می‌رسد که سلسله مطبوعات هرست آمادگی برای پشتیبانی از ایران و سیاست دولت شاهنشاهی را داشته باشد.

۲۱. ساعت ۱۲ روز جمعه ۲۴ فوریه با آقای استیونسون سفیر کبیر آمریکا در سازمان ملل ملاقات شد. این ملاقات بیشتر جنبه آشنایی داشت و طی آن آقای استیونسون سؤالاتی درباره میزان پیشرفت رفورم [اصلاحات] ارضی و وضع طرح‌های عمرانی نمود و سپس نظریات ریاست ساواک را درباره میزان صمیمیت شوروی نسبت به مسئله خلع سلاح استفسار کرد.

۲۴. آقای ریچارد برلین، رئیس سلسله مطبوعات هرست

۲۵. آقای راندولف ای. هرست، رئیس بخش نشر متحد هرست

۲۶. آقای دبلیو. آر. هرست جونپور، مسئول روزنامه‌های هرست

۲۷. آقای لیومونسکی، مسئول بخش عناوین سرصفحه‌ها

۲۸. آقای گلن نوبل، از نشریه نیویورک میور

۲۹. آقای هاورد هندلمن، از نشریه یو. اس. نیوزاند ورلد رپورت



علی امینی در جمع خبرنگاران جراید | ۱۲۱-۸۴۴۵-الف |

در جواب گفته شد که هدف روسیه نفوذ بر جهان است و فقط موقعی حاضر به مذاکره جدی درباره خلع سلاح می‌باشد که طرف مقابل خود را نیرومند بداند و بالتجربه از آرزوی تسلط بر دنیای آزاد مأیوس شود. این نیرومندی باید در تمام ممالک عضو بلوک دنیای آزاد وجود داشته باشد و هیچ نقطه‌ضعفی در زنجیر دفاعی دنیای آزاد دیده نشود.

آقای استیونسن این اظهارات را تأیید کرد و در پایان یادآور شد که چندین بار حضور شاهنشاه شرفیاب شده و خواهش کرد احترامات ایشان به حضور اعلیحضرت همایونی تقدیم شود.

۲۲. ساعت ۱۲/۴۰ روز جمعه ۲۴ فوریه هیئت‌مدیره روزنامه نیویورک تایمز نهاری به افتخار ریاست ساواک ترتیب دادند که طی آن نخست ریاست ساواک توضیحات مشروحی درباره وضع خاورمیانه و ایران و سیاست شوروی دادند و سوالات متعددی درباره رفورم ارضی در ایران، میزان پیشرفت فرهنگ و سیاست دولت برای تقسیم عادلانه درآمد بین طبقات مختلف شد.

۲۳. روز یکشنبه ۲۶ فوریه ریاست ساواک و همراهان عازم بستون شدند و همان

شب در ساعت ۷/۱۵ آقای ویزانسکی قاضی فدرال ایالت ماساچوست که یکی از شخصیت‌های برجسته قضایی آمریکاست شامی به افتخار ریاست ساواک دادند که در آن اشخاص زیر حضور داشتند:

r arl il er, air an ille e o^{۵۰}

rs il er, e air an ad ille olle e,^{۵۱}

Pro erle ainsod^{۵۲} کارشناس مسائل شوروی دانشگاه هاروارد

Pro enry issin er^{۵۳} نویسنده کتب مشهور راجع به استراتژی مدرن

rs Ar r S lesin er^{۵۴}

شوهر وی نویسنده نطق‌های کندی و اکنون یکی از دستیاران اوست.

به غیر از نامبردگان چند بانوی دیگر نیز حضور داشتند.

پس از شام، ریاست ساواک وضع ایران و خاورمیانه را تشریح کردند و سؤالات زیادی درباره وضع اجتماعی و اقتصادی ایران شد و چند تن از حضار تأکید کردند مهم‌ترین وسیله تثبیت سیاسی ایران تقسیم اراضی بین دهقانان است تا آنها به زندگی خود امیدوار شوند و رکن اصلی دفاع از رژیم کشور گردند. فی‌المثل در ژاپن به علت تقسیم موفقیت‌آمیز اراضی علی‌رغم تمام تحریکات کمونیست‌ها $\frac{۲}{۳}$ مردم به دولت محافظه‌کار رأی دادند. اگر تصور شود که فقط اجرای پروژه‌های بزرگ اقتصادی مردم را قانع کند نظیر اشتباه زمامداران سابق عراق تکرار خواهد شد.

در مورد تقسیم اراضی مالکین بزرگ سؤال شد که علت کندی آن چیست؟ ریاست ساواک توضیح دادند که کمیسینی برای نقشه‌برداری از اراضی زراعتی تعیین شده است و نقشه‌برداری زمینهای کشاورزی در سراسر کشور پهناور ایران نیازمند گروههای زبده نقشه‌بردار، وسایل فنی و سرمایه است و به علت کمبود بودجه دولت نمی‌تواند این امر را سریعاً انجام دهد.

آقای ویزانسکی اشاره کردند که ممکن است بنیاد فورد (که خود ایشان عضو شورای قیمومیت آن می‌باشند) در صورت درخواست دولت ایران بتواند کمک‌هایی در این مورد بنماید تا نقشه‌برداری به نحو سریعتری صورت پذیرد.

درباره میزان درآمد دهقانان و چگونگی افزایش آن در صورت بالا رفتن سطح تولید کشاورزی سؤال شد. ریاست ساواک گفتند هم‌اکنون به تفاوت $\frac{۳}{۵}$ و یا بیشتر از آن از

۵۰ آقای کارل جیلبرت، رئیس شرکت جیلت

۵۲ پروفیسور مرل فین ساد

۵۱ خانم جیلبرت، معاون کالج رادچیل

۵۳ پروفیسور هنری کیسینجر ۵۴ همسر آرتور شلزینگر

محصول تولیدی به کشاورز تعلق دارد و بالنتیجه هر چقدر میزان تولید بالاتر رود سهم کشاورز نیز خود به خود افزایش می‌یابد.

روی هم رفته سؤالات حضار درباره وضع اجتماعی ایران و اهمیت اصلاحات اجتماعی و پیشرفت اقتصادی دور می‌زد.

۲۴. ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۲۷ فوریه آقای ماکس میلیکان رئیس مرکز تحقیقات بین‌المللی مؤسسه فنی ماساچوست نهاری به افتخار ریاست ساواک ترتیب دادند که در آن عده‌ای از [افراد به شرح زیر حضور داشتند]:

r a illikan, ire or e ener o nernaional S dies
S^{۵۵}

r onald la k es, e i e Assis an^{۵۶}

r arold saa s, ese r Assa ia e S^{۵۷}

r rederi k rey, Assis an Pro essor o oli i al s ien e^{۵۸}

r ere e a en, Pro essor o ono i s^{۵۹}

r l iel Pool, Pro essor o Poli i al S ien e^{۶۰}

r ia Pye, Pro essor o Poli i al S ien e^{۶۱}

a rd r ose on, esear Asso ia e e en re o iddle as ern
s dies^{۶۲}

نخست، ریاست ساواک وضع خاورمیانه و ایران را با توجه به سیاست شوروی و دنیای غرب تشریح کردند و سپس سؤالات متعددی درباره وضع داخلی ایران شد. یکی از استادان پرسید شورویها در تبلیغات ضد ایرانی خود از چه عناوینی بیشتر استفاده می‌کنند؟

جواب داده شد پایه اصلی تبلیغات شوروی حمله به قراردادهای دفاعی ایران و دنیای غرب است. شورویها تأکید می‌کنند که مللی مانند افغانستان که سیاست بی‌طرفی دارند از کمکهای همه برخوردار می‌شوند ولی کشوری مانند ایران خود را از کمکهای

۵۵ دکتر ماکس میلیکان، رئیس مرکز مطالعات بین‌المللی S

۵۶ دکتر دانلد بلکس، معاون اجرایی مدیر S

۵۷ دکتر هارولد آیزاکس، همکار پژوهشی S

۵۸ دکتر فردریک فری، استادیار علوم سیاسی

۵۹ دکتر اورت هیگن، استاد علوم اقتصاد

۶۰ دکتر لاسیابای، استاد علوم سیاسی

۶۱ دکتر الیل پوف، استاد علوم سیاسی

۶۲ دکتر جوزف آپن، همکار پژوهشی مرکز مطالعات خاورمیانه

اقتصادی وسیع شوروی محروم ساخته و بودجه کشور را صرف تجهیزات نظامی می‌کند. برای مقابله با این تبلیغات باید دولت ایران منافع الحاق به دنیال غرب را عملاً به مردم نشان دهد ولی متأسفانه قادر به این کار نیست زیرا دنیای غرب آن چنانکه باید و شاید از ایران پشتیبانی نمی‌کند و اگر این وضع ادامه یابد دولت ناچار خواهد شد تحت فشار افکار عمومی تغییراتی در سیاست خارجی خود بدهد.

سپس درباره انتخابات و نظرات دولت برای اصلاح قانون انتخابات و وضع احزاب در ایران سؤالاتی شد و مذاکرات در ساعت ۲ بعدازظهر پایان یافت.

منظور از مسافرت به بستون و ملاقات با محافل دانشگاهی آن شهر این بود که محافل مزبور به وضع حقیقی خاورمیانه و ایران و مسئولیت غرب آشنا شوند و حقایق وضع داخلی ایران برای آنها تشریح گردد. استادان این شهر اکنون نزدیک‌ترین مشاورین رئیس‌جمهور و سازمان جدید آمریکا هستند و بنابراین در پشت پرده رل مهمی را در تعیین سیاست خارجی آمریکا بازی می‌کنند.

۲۵. بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۷ فوریه از بستون به نیویورک مراجعت و در ساعت ۱۸ همان روز با آقای دیوید راکفلر ملاقات شد. وی صرف‌نظر از ریاست بانک چیس مانهاتان (که سهام‌دار بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران است) در شرکت گودریچ نیز سهام‌دار است و اظهار علاقه‌مندی به اطلاع درباره پیشرفت این دو مؤسسه و همچنین وضع اقتصادی ایران می‌کرد و در این مورد مشروحاً به او توضیح داده شد. سپس مختصری درباره وضع خاورمیانه و رل ناصر به عنوان آلت دست شوروی صحبت شد. در پایان آقای راکفلر درخواست کردند بهترین احترامات ایشان را به حضور شاهنشاه تقدیم نمایم.

۲۶. ساعت ۱۲/۴۵ روز سه‌شنبه ۲۸ فوریه نهاری از طرف آقای اسپروس اسکوراس S iros Sko ras رئیس شرکت فیلم‌برداری فوکس قرن بیستم به افتخار ریاست ساواک داده شد. آقای اسکوراس که اصلاً یونانی است علاقه زیادی نسبت به ایران که به همراه یونان دو کشور متمدن دنیای قدیم را تشکیل می‌دهند ابراز داشت و سپس یادآور شد چند بار به حضور شاهنشاه شرفیاب شده است و حال نیز قصد مسافرت به ایران را دارد. ریاست ساواک در جواب گفتند که اعلیحضرت همایونی و مقامات دولتی ایران بدون شک از دیدار آقای اسکوراس در ایران خوشوقت خواهند شد. قرار شد ریاست ساواک دعوتنامه‌ای به وسیله سرکنسول ایران در نیویورک برای آقای اسکوراس بفرستند تا ایشان هر موقع فرصت داشتند به ایران مسافرت کنند.

آقای اسکوراس در پایان درخواست کردند چند داستان درباره زندگی امروزه ایران برای ایشان فرستاده شود تا در صورت امکان فیلمی از آن تهیه کنند و باعث شناسایی

ایران شوند. در جواب اظهار شد که اصولاً تاریخ ایران مملو از داستانهای با عظمتی است که می‌توان فیلمهای جالب از آن تهیه کرد و فی‌المثل زندگی کوروش بزرگ (نخستین شهرداری که آزادی عقیده و مذهب را اعلام داشت) موضوع بسیار مناسبی برای یک فیلم است. آقای اسکوراس این امر را تصدیق کردند.

فایده ملاقات با آقای اسکوراس در این است که اگر وی به ایران علاقه‌مند شود می‌تواند فیلمهایی درباره ایران تهیه کند و بالتیجه باعث معرفی ایران در جهان شود و از این گذشته اگر برای تهیه فیلم راجع به ایران احتیاج به فیلمبرداری از صحنه‌هایی در داخل کشور باشد این امر فواید اقتصادی برای ایران خواهد داشت.

۲۷. ساعت ۱۶/۳۰ روز سه‌شنبه ۲۸ فوریه با خانم روزولت ملاقات شد. این ملاقات صرفاً جنبه آشنایی داشت و خانم روزولت درخواست کردند بهترین احترامات ایشان به حضور شاهنشاه تقدیم شود.

[۳۹-۳۲۲۷-۴۵۱۳-ش]

[۱۸۰]

[نامه اردشیر زاهدی به فوتون]

پیش‌نویس پیشنهادی

عالیجناب جیمز جی. فوتون^{۶۳}

اتاق ۲۴۶،

مجلس نمایندگان،

واشنگتن دی. سی.

جناب فوتون، عضو مجلس نمایندگان

جای افتخار بود که جناب عالی مرحمت فرموده در جلسه تودیع سفیر جناب پیرنیا در منزل ما شرکت کردید و با وزیر امور خارجه و بازرگانی کشورمان دیدار نمودید. لطف فرمایید مجدداً طرح بلندنظرانه خود را که بر روابط دو کشور تأثیر حیاتی دارد به شرف عرض رئیس جمهور کندی ابلاغ فرمایید.

نیازی نیست که به اهمیت استراتژیک ایران در جهان آزاد اشاره‌ای شود؛ با توجه به ابعاد مختلف جغرافیایی، مردم و منابع، بدیهی است که به منظور حفظ اتحاد ایران با جهان غرب نباید از هیچ کوششی فروگذار کرد.

عامل مهم تحقق چنین امری پخش برنامه‌های صدای آمریکا در ایران است. ما قبلاً صدای آمریکا را در ایران دریافت می‌کردیم ولی بعدها بی‌هیچ توضیحی این برنامه قطع شد، و در حال حاضر از ایالات متحده ابدأ برنامه‌ای دریافت نمی‌کنیم. از طرفی دیگر، شوروی از ایستگاههای مختلف روزانه ۴۶ ساعت برنامه برای ایران پخش می‌کند و در دیدار اخیری که از کشورم داشتم متقاعد شدم که تبلیغات آنها تا حدودی مؤثر واقع شده است.

ایالات متحده موفقیت‌های چشمگیر فراوانی داشته که می‌توان در ایران و جاهای دیگر درباره آنها داد سخن سر داد، و من نمی‌توانم کوتاهی شما را در رساندن اخبار این موفقیتها به ملت ایران درک کنم.

هر کمکی که از سوی جنابعالی بتواند امکان پخش مجدد برنامه‌های صدای آمریکا در ایران را در اسرع وقت ممکن سازد مایه مسرت اینجانب خواهد بود.

ارادتمند،

اردشیر زاهدی، سفیر

[۲-۱۵۴-۱۱۵]

۱۱۱

[نامه رالف بکر به علی امینی]

RALPH E. BECKER^{۶۴}

۱ ژوئن ۱۹۶۱

دکتر امینی عزیز:

اخبار ایران را هر روز با علاقه‌ای مستمر دنبال می‌کنیم. تمام آنچه که می‌توانم در خصوص واکنش پایتخت کشور بگویم این است که بسیار مطلوب بوده است. در مقاله دیروز نیویورک تایمز تصویری بسیار عالی چاپ شده بود که آن را به همراه چند مقاله دیگر برای اطلاع شما ضمیمه می‌کنم.

فکر نمی‌کنم در امر اخذ وام مورد درخواستان از کشور ما با مشکلی مواجه شوید. شواهد حاکی از آن است که شما به ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار وام نیاز دارید که در آینده‌ای نزدیک تأمین خواهد شد.

می‌دانم که گزارش کتبی این مطلب برای شما دشوار است، ولی می‌توانم به شما

۶۴. بکر یکی از مشاوران و دوستان علی امینی در مسائل مطبوعاتی امریکاست.

اطمینان بدهم که برخی از رهبران کنگره افتخار می‌کنند که بتوانند به شما کمک کنند. اگر کمکی از دست من ساخته است، همان‌گونه که پیشتر به اطلاع رساندم، خواهش می‌کنم حتماً با من تماس بگیرید. بار دیگر با بهترین آرزوها برای موفقیت شما در برنامه‌ها و مسئولیتان. آن Ann نیز به همراه من به بتول، پسر و عروستان سلام می‌رساند.

دوستدار همیشگی،
رالف ئی. بکر

[در حاشیه:]

جواب محبت‌آمیز و گرمی برای آقای e ker تهیه کنید و از اینکه امروز کنگره و سنا بتواند در کمک به تقاضای کمک دولت ایران کوشش کنند تشکر کنید. ۴۰/۳/۱۷
[۸۴۴۵-۳۲-۳۵الف]

[۱۲]

[پاسخ علی امینی به بکر]

نخست وزیری

تهران، ۱۰ ژوئن ۱۹۶۱

آقای بکر عزیز،

سپاس صمیمانه مرا به خاطر نامه مورخ اول ژوئن و مقاله نیویورک تایمز و دیگر مقالاتی که از راه لطف برایم فرستاده بودید پذیرا باشید. گزارشهای مطبوعات بسیار دلگرم‌کننده است و من از شما برای علاقه شخصی‌تان در پیگیری تحولات اخیر ایران، و ارسال این بریده‌های روزنامه قدردانی می‌کنم.

شنیدن خبر تمایل رهبران کنگره به حمایت از تقاضای من بسیار مسرت‌بخش بود و یقین دارم که این امر در غلبه بر مشکلاتی که با آنها مواجهیم کمک بزرگی خواهد بود. بار دیگر از علاقه صمیمانه شما و پیشنهاد مساعدتان تشکر می‌کنم و در صورت لزوم حتماً از مساعدتهای شما بهره‌مند خواهم شد.

خانواده‌ام نیز با من در ابلاغ سلام به آن Ann و دیگر اعضای خانواده‌تان سهیم‌اند. با بهترین آرزوهای شخصی

ارادتمند،

[علی امینی]

[۸۴۴۵-۳۲-۳۵الف]

[۱۳]

[نامه علی امینی به اشین کلوس]

نخست‌وزیری

تهران، ۲۲ ژوئن ۱۹۶۱

آقای اشین کلوس^{۶۵} عزیز،

از خواندن یادداشت شما که دیروز توسط جولوس هلمز، سفیر محترم ایالات متحده در ایران، به دستم رسید بسیار خوشحال شدم. همان‌طور که می‌دانید، هم‌اکنون درگیر مشکلاتی هستیم که تنها تلاش بی‌وقفه از جانب ما و همکاری دوستان ما قادر به حل آنهاست. لازم به گفتن نیست که در موقعیت نسبتاً بحرانی‌ای به سر می‌بریم و به جرئت می‌گوییم که آینده درگرو تلاش ما برای حل این مشکلات است. با این حال، به آینده کاملاً اطمینان دارم و امیدوارم که بر تمام مشکلاتی که اکنون بر سر راه داریم فائق آییم. خواهشمندم سلام مرا به خواهرتان خانم ژاکلین کندی ابلاغ نمایید. همسر من نیز به شما و خانم کندی سلام مخصوص می‌رساند.

با تقدیم بهترین آرزوها،

ارادتمند شما،

دکتر علی امینی، نخست‌وزیر

[۳۷-۳۲-۸۴۴۵الف]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

[نامه هلمز به علی امینی]

EMBASSY OF THE

UNITED STATES OF AMERICA

تهران، ۱۱ ژوئیه ۱۹۶۱

نخست‌وزیر عزیزم:

بدینوسیله دریافت نامه مورخه ۶ ژوئیه شما را که در آن تقاضای ۱۵ میلیون دلار کمک مالی فوری، و نیز اطلاع درباره وضعیت اضطراری ایران به واشنگتن را مطرح

۶. هیو دادلی اشین کلوس، مشاور مؤسسه امور اسلامی در نیویورک in loss A dley

Tehran, July 11, 1961.

My dear Mr. Prime Minister:

This will acknowledge your letter of July 6, in which you request that the \$15 million in support assistance be made available at the earliest convenience and that the sense of urgency of Iranian circumstances be transmitted to Washington. I have taken prompt occasion to transmit your requests to my Government and anticipate that an early reply will be forthcoming. At that time I shall be pleased personally to discuss these matters further with you in the atmosphere of mutual understanding and sympathy that has characterized our association.

Please be assured of my highest regards.

Sincerely yours,



Dr. G. Holmes
American Ambassador

The Honorable
Dr. Ali Amini,
Prime Minister of Iran,
Tehran.

سند شماره ۱۴

ساخته بودید، اعلام می‌دارم. با استفاده از اولین فرصت تقاضاهای شما را به دولت خود منتقل کردم و انتظار دارم در آینده نزدیکی پاسخی این درخواست را دریافت کنم. امیدوارم در آن هنگام بتوانم با کمال خرسندی، و در فضایی سرشار از تفاهم و همدلی دو جانبه که مشخصه مناسبات ماست، درخصوص این مسائل با یکدیگر گفت و گو کنیم.

ارادتمند شما،

جی. سی. هلمز، ۶۶

سفیر آمریکا

| ۳۹-۳۲-۸۴۴۵ الف |

[۱۵]

[پاسخ علی امینی به هلمز]

نخست‌وزیری

تهران، ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۱

سفیر عزیزم،

از شما بابت نامه مورخ ۱۱ ژوئیه و همچنین توجه فوریتان به موضوع نامه‌ام سپاسگزارم. من نیز، به یقین، از گفت‌وگوهای بیشتر درخصوص مسائل خود خشنود خواهم شد، و از علاقه شخصی شما به این موضوع قدردانی می‌کنم.

ارادتمند،

دکتر علی امینی، نخست‌وزیر

[۳۹-۳۲-۸۴۴۵الف]

[۱۶]

[نامه‌کندی به اردشیر زاهدی]

THE WHITE HOUSE

WASHINGTON

۱۸ ژوئیه، ۱۹۶۱

سفیر عزیزم،

متوجه شدم که شخصاً بابت ارسال گل‌های زیبا و احساسات صمیمانه‌ای که شما و شاهدخت شهناز با حسن‌نیت تمام نسبت به من ابراز نموده بودید، سپاسگزاری نکرده‌ام. با وجود این تأخیر طولانی مایل‌م مراتب خوشحالی و تقدیر صمیمانه خود را ابراز دارم.

با خشنودی تمام، به نمایندگی از کشورم، پیام تبریک گرم شما را که به مناسبت یکصد و هشتاد و پنجمین سالگرد استقلال ایالات متحده ارسال نموده بودید، دریافت کردم. کتاب زیبای نقاشی‌های ایرانی همراه با پیام شما یادگار جاودانه‌ای از پیوند ماندگار دوستی بین دو ملت خواهد بود.

ارادتمند [جان اف. کندی]

[۳۱-۱۵۸۱۵]

THE WHITE HOUSE
WASHINGTON

July 18, 1961

Dear Mr. Ambassador:

I find that I have not personally acknowledged the heartening sentiments and flowers which the Princess Shahnaz and you so thoughtfully sent to me. Even at this late date, I want you to know that they were genuinely appreciated.

I am happy to acknowledge, on behalf of my country, the warm message of congratulation which you sent on the occasion of the one hundred and eighty-fifth anniversary of the Independence of the United States. The beautiful book of Persian paintings accompanying your message will be a permanent reminder of the lasting ties of friendship which happily exist between our two peoples.

Sincerely,

Richard Nixon

His Excellency Ardeshir Zahedi
Ambassador of Iran
Washington, D. C.

[۱۷]

[نامه کزن به علی امینی]

FOREIGN REPORTS
NEW YORK

هری اف. کزن

مدیر

۲۰ ژوئیه ۱۹۶۱

جناب آقای علی امینی، نخست وزیر

آقای نخست وزیر عزیز،

از شما بابت نامه‌های ۲۸ ژوئن و ۲ ژوئیه‌تان بسیار متشکرم. مطمئنم اطلاع دارید نشریه نیویورک تایمز نامه مرا چاپ کرد و امیدوارم که اوضاع را روبه راه کند. آقای هارگوچی^{۶۷} هفته گذشته وارد نیویورک شد و از افتخاری که در دیدار با شما نصیبش شده بود با من صحبت کرد. همچنین گزارشی از روند امور در راستای طرحهای اداره برق تهران به من داد. از اینکه جناب عالی، وزیر خارجه، آقای علا و دیگران، آقای هارگوچی را مورد لطف قرار دادید بسیار سپاسگزارم.

اشاره کرده بودید که از نظرات و پیشنهادهای جدید من درباره اقتصاد ایران استقبال می‌کنید. فکر می‌کنم در این مورد پیشرفت و روند کار «سازمان توسعه عمران» و همکاریهای اقتصادی^{۶۸} و نیز «گروه کمک به توسعه»^{۶۹}، البته با در نظر گرفتن بالاترین اولویت برای ایران در طرحهای هر دو سازمان، باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. مطمئن هستم اطلاع دارید که گروه کمک به توسعه، مجموعه‌ای است که در جهت هماهنگ‌سازی کمکها و طرحهای توسعه کشورهای بریتانیا، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به موازات ایالات متحده، کانادا و ژاپن عمل می‌کند. اتفاقاً، رئیس گروه کمک به توسعه (دی. ای. جی) جیمز ریدل برگر، سفیر سابق ایالات متحده در یونان و یوگسلاوی و رئیس پیشین آی. سی. ای* است. وی دوست صمیمی من است. او به تازگی از اولین نشست دی. ای. جی در توکیو بازگشته است و من او را هفته آینده ملاقات خواهم کرد. امروز ضمن مکالمه تلفنی با او، متوجه شدم که قویاً

ara i

r ani a ion or ono i oo era ion and e elo en

e elo en Assis an e ro

*. Λ

تحت تأثیر پیشرفت صنعتی ژاپن و نیاز به ایجاد مناسبات نزدیک‌ترین ژاپن و کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی به ویژه تا آنجا که پای کمکهای خارجی در میان است قرار گرفته بود. هفته آینده که او را ببینم، جایگاه ایران را در برنامه‌های هماهنگی کمک به توسعه ژاپن و کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بررسی خواهم کرد. اطمینان دارم او تحت تأثیر نحوه بهره‌برداری از اعتبارات اعطا شده توسط ژاپن به ایران قرار خواهد گرفت. همچنین می‌خواهم مذاکرات خود با اعلیحضرت در ماه آوریل را به اطلاع او برسانم. شاه در آن موقع، کلیات برنامه خود را برای آنکه ایران را تماشگاه طرحهای توسعه و سرمایه‌گذاری غرب نماید برایم بیان کرد - برنامه‌ای که مطمئنم با آن آشنا هستید. به نظر من این امر از هر جهت موارد در خور تحسین زیادی دارد، و در کلیه برنامه‌های توسعه و کمکهای هماهنگی ارائه شده از سوی «گروه کمک به توسعه»، اولویت و جایگاه خاصی را برای ایران تضمین خواهد کرد.

هفته آینده، در این باره نامه‌ای برایتان خواهم نوشت.

با احترام، ارادتمندان، هری اف. کون

[۱۸۴۴۵-۳۲-۴۱الف]

[۱۸]

[پاسخ علی امینی به کون]

تهران، ۱۳ اوت ۱۹۶۱

آقای کیرن عزیز،

از بابت نامه‌های مورخ ۲۰ ژوئیه و اول اوت شما تشکر می‌کنم. مایل بودم از برنامه سازمان توسعه و همکاری اقتصادی برای تشکیل یک کمیته مالی که مسئولیت ارزیابی گزینه‌های موجود در هر کشور برای سرمایه‌گذاری خصوصی را برعهده دارد، نکاتی را بدانم. بدون شک ایران شایستگی توجه مطلوب از سوی این کمیته را دارد و من قبلاً نقطه‌نظرات شما را به سمع و نظر مقامات مربوطه رسانده‌ام. سفر دور دنیای نخست‌وزیر اسبق، کیشی، حائز اهمیت است و در صورت دیدار ایشان از خاورمیانه، مایه مسرت بنده خواهد بود که در تهران ایشان را ملاقات کنم. با تشکرات فراوان و بهترین آرزوهای شخصی.

ارادتمند شما،

دکتر علی امینی، نخست‌وزیر

[۱۸۴۴۵-۳۲-۴۱الف]

[۱۹]

[نامه حسین علا به هلمز]

دربار شاهنشاهی

۳۰ اوت ۱۹۶۱

جناب آقای جولوس سی. هلمز، سفیر امریکا در تهران

آقای سفیر عزیز،

من در این اندیشه‌ام که آیا جنابعالی متوجه بهت و حیرت ما بابت این واقعیت شده‌اید که در مطبوعات امریکا و به ویژه مجلات تایم و نیوزویک به تظاهرات عظیمی که ملت ایران به منظور ابراز وفاداری به پادشاه خود به مناسبت سالروز قیام ملی (۲۸ مرداد) برگزار کردند کمترین اشاره‌ای نشده است؟

این نکته بیشتر از این جهت مایه شگفتی است که مجلات و روزنامه‌های شما در تفسیرهای انتقادی خود از هر گونه اغراق‌گویی درباره هر قضیه ناچیزی که به عنوان زیبایی به شاهنشاه و حکومت ایشان تعبیر شود کوتاهی نمی‌کنند.

با توجه به آزادی مطبوعات شما، آیا می‌توانید توضیح دهید که چرا تظاهرات مردمی بی‌سابقه نیم میلیون مردم تهران در ابراز احساسات قلبی خود و ستایش شاه دموکراتشان و محکوم کردن رژیم منفور دکتر مصدق نادیده گرفته شده است؟

آیا این امر نمی‌تواند ناشی از وجود گروه‌های خاصی در ایالات متحده باشد که قصد نادیده گرفتن و بدنام کردن دوستان مطمئن و تقویت دشمنان قسم خورده آنها را دارند.

منخلص شما، علا

[۶۱-۳۲-۷۵۳۳ع]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی [۲۰]

[پاسخ هلمز به حسین علا]

تهران، ۳۰ اوت ۱۹۶۱

جناب آقای علا، وزیر دربار شاهنشاهی

آقای وزیر عزیز،

نامه مورخ ۳۰ اوت شما را دریافت کردم و از نتیجه‌گیری صریح شما در رابطه با سیاست بخشهای برجسته مطبوعات امریکا متعجب شدم.



از راست: محسن فره‌گوزلو، اردشیر زاهدی، علی امینی، فاطمه بهلوی،
زاکلین کندی، صمد صدیقانپور [۱-۳۳۱۱-ب]

میزان پوشش خبری روزنامه‌ها و مجلات کشور من درباره تظاهرات تأثیربرانگیز به
مناسبت سالروز قیام ملی به هر درجه‌ای که بوده باشد، فکر نمی‌کنم درخور استنتاجی
که شما کرده‌اید باشد.

شاید بهتر باشد به اتفاق موقعیت مناسبی با هم در این باره گفت‌وگو کنیم.

ارادتمند شما

جی. سی. هلمز

[۶۱-۳۲-۷۵۳۳ع]

[۲۱]

[نامه علی امینی به سناتور همفری]

۲۷ سپتامبر ۱۹۶۱ تهران

سناتور همفری^{۷۰} عزیزم،

دکتر جمشید آموزگار وزیر بازرگانی به من خبر داد که در اواخر اکتبر شما قصد

بازدید از خاورمیانه را دارید و ممکن است بخواهید از ایران نیز دیدن کنید. ما یللم از طرف مردم ایران و دولت‌م اعلام کنم که مقدم شما را بسیار گرامی می‌داریم. خوشحال خواهیم شد که هر چقدر می‌توانید در ایران بمانید و ما نیز حداکثر تلاش خود را خواهیم نمود که مسافرت شما مسافرت خوب و پرثمری باشد.

لطفاً زمان مسافرت خود را به ما اطلاع دهید تا بتوانیم ترتیبی اتخاذ نماییم که شما بتواند با افرادی که مایل هستید ملاقات کنید.

ارادتمند،

دکتر علی امینی، نخست‌وزیر

[۴۵-۳۲-۸۲۴۵ الف]

[۲۲]

[نامه درودادلی به اردشیر زاهدی]

DREW DUDLEY

NEW YORK

دوشنبه، ۶ نوامبر ۱۹۶۱

اردشیر عزیز،

با علاقه وافر مصاحبه اعلیحضرت همایون شاهنشاه با هریسن سالیسبوری^۱ را در نیویورک تایمز خواندم. مصاحبه حاکی از تمایل اعلیحضرت به دیدار از کشور ما بود. امیدوارم ترتیبات آن را فراهم کنیم زیرا معتقدم این امر به سود هر دو کشور است. آیا تاکنون کاری در این راستا صورت گرفته است؟

جای تأسف است که زودتر از این اقدامی صورت نگرفت و به علاوه شاید [بهتر می‌بود] خانم کندی در دیدار خود از هند و پاکستان از دربار ایران نیز دیدن می‌کرد.

متأسفانه نتوانستم در جشن تولدها در کنار شما و شاهدخت باشم. برادرم و همسرش، آقا و خانم دادلی تعریف کردند که مراسم چقدر زیبا و عالی برگزار شده بود. به امید دیدار هرچه زودتر شما در واشنگتن یا نیویورک.

ارادتمند

درو

[۸۱-۶۷۲-۱۱۵ از]

[۲۳]

[نامه اورل فریمن به علی امینی]

DEPARTMENT OF AGRICULTURE

OFFICE OF THE SECRETARY

WASHINGTON D.C.^{۷۲}

۱۳ نوامبر ۱۹۶۱

جناب دکتر علی امینی

نخست وزیر ایران

تهران، ایران

جناب دکتر

به تازگی از سفر اروپا و آسیا به کشورم بازگشتم. سفر بسیار جالب و آموزنده‌ای بود. آنچه که دیدیم و شنیدیم عملاً به درک ما از مشکلات کشاورزی در کشورهایی که از آنها دیدار کردیم کمک شایانی نمود.

جناب امینی، از بابت دو روز اقامت بسیار لذتبخش و مفیدمان در تهران، خصوصاً از اینکه به‌رغم مشغله زیادتان در ضیافت نهار در مؤسسه رازی حضور پیدا کردید بسیار سپاسگزارم؛ موقعیت بسیار مسرت‌بخشی بود و از بابت حضور شما بسیار مفتخر شدیم.

حالا که دوباره به سرکارم در واشنگتن برگشتم، به شما اطمینان می‌دهم که همواره به کارهای بسیار مهمی که جناب عالی دارید برای کشورتان انجام می‌دهید علاقه‌مند خواهم بود و برایتان آرزوی موفقیت دارم.

ارادتمند شما،

[اورل فریمن]

وزیر [کشاورزی]

[۵۰-۳۲-۸۴۴۵الف]

۷۲. وزارت کشاورزی، دفتر وزیر، واشنگتن.



DEPARTMENT OF AGRICULTURE
OFFICE OF THE SECRETARY
WASHINGTON, D. C.

November 13, 1961

His Excellency
Dr. Ali Amini
Prime Minister of Iran
Tehran, Iran

Excellency:

I have just returned from my trip to Europe and Asia. It was a most stimulating and informative journey. What we saw and heard has contributed materially to our understanding of the agricultural and related problems in the countries we visited.

I am grateful to you, Your Excellency, for the very pleasant and useful two days we spent in Tehran. I particularly appreciate the time you took from your busy schedule to join us for luncheon at Azri Institute. It was a most delightful occasion and we were greatly honored by your presence.

As I turn again, now, to my Washington duties, please be assured, Your Excellency, of my continuing interest in the vital work you are doing for your country, and of my best wishes for your success.

Sincerely yours,

Secretary



سند شماره ۲۳

ژوئیه گاه علوم انسانی و اللغات فرہنگی [۲۴]

[نامہ بکر بہ علی امینی]

RALPH E. BECKER

WASHINGTON D.C.

۱۵ نوامبر ۱۹۶۱

دکتر علی امینی

دکتر امینی عزیز

با دقت لازم، مقاله جدیدی از هریسن سالیسبوری را در نشریہ نیویورک تایمز خواندم کہ دیدگاه فلسفی شما را بہ وضوح نشان می داد. فقط می توانم بہ اطلاعاتان

تاریخ معاصر ایران، س ۳، ش ۹، بهار ۷۸

برسانم که این مقاله بهت و آشفتگی فراوانی را در بسیاری از محافل مهم در پی داشت. به من گفته‌اند که پس از کنفرانسهای رسمی، شاه تصمیم گرفته است از برنامه شما که در جهت منافع ایران است همچنان حمایت نماید. همگی ما فداکاری عظیم شما را تقدیر می‌نماییم. این امر، شجاعت زیادی می‌طلبد و مایلیم بدانید که دوستان بسیاری، شما را فردی بی‌نظیر و بزرگ می‌دانند.

با صمیمانه‌ترین احترامات شخصی به خانواده امینی،

ارادتمند،

رالف ئی. بکر

[۲۹-۳۲-۸۴۴۵الف]

[۲۵]

[پاسخ علی امینی به بکر]

تهران، ۲۷ نوامبر ۱۹۶۱

آقای بکر عزیز

از شما بابت نامه مورخ ۱۵ نوامبرتان تشکر می‌کنم. متأسفم از اینکه مقاله هریسن سالیسبوری در نیویورک تا به امروز موجبات بهت و آشفتگی زیادی در برخی محافل آمریکایی را فراهم کرده است. حقیقت آن بود که آقای هریسون ناآگاهانه شایعاتی را منعکس کرده بود که خالی از پیشداوریهای سیاسی شایع در پایتخت نبود. لیکن رویدادهای بعدی نشان داد که هم‌اکنون همه چیز بر وفق مراد است و در واقع من به آینده کاملاً اطمینان دارم.

با سپاس دوباره، امیدوارم از دیدار قریب‌الوقوعتان از تهران مرا مطلع سازید.

ارادتمندتان،

دکتر علی امینی، نخست‌وزیر

[۲۹-۳۲-۸۴۴۵الف]

[۲۶]

[نامه بکر به علی امینی]

RALPH E. BECKER

WASHINGTON

۶ دسامبر ۱۹۶۱

دکتر امینی عزیز،

پیرو نامه مورخ ۵ دسامبر خود، به پیوست، رونوشت مقالاتی را که در شماره‌های

امروز روزنامه‌های واشنگتن پست و ایونینگ استار به چاپ رسید ارسال می‌کنم. ما به این مراسم یا دیگر مراسم برگزار شده در سفارت دعوت نشدیم. حضور در این مراسم برای ما افتخار بزرگی بود زیرا به مناسبت ساختمان جدید سفارت برگزار شده بود که می‌دانیم برای شما بسیار مهم است. فکر می‌کنم این ساختمان تکمیل شده سفارت در بردارنده تمام خصوصیات دکوراتوری و طراحی مورد نظر شماست.

امروز در باشگاه مترو پلینتن ناهار صرف کردم و لوی هندرسن را آنجا دیدم. چند دقیقه‌ای راجع به شما صحبت کردیم. لوی از دریافت تلگرام شما خوشحال بود. هفته آینده موقع صرف ناهار تصمیم دارم درباره چند موضوع، از جمله عدم آشنایی سفیر فعلی با برخی از دوستان شما، صحبت کنم.

امیدوارم فرصتی دست دهد تا در آینده‌ای نزدیک یکدیگر را ملاقات کنیم چون فکر می‌کنم چنین ملاقاتی نتایج سودمندی در بر خواهد داشت.

با صمیمانه‌ترین احترامات،

ارادتمند شما،

رالف ئی. بکر

[۵۱-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۲۷]

[نامه ژاکلین کندی به اردشیر زاهدی]

THE WHITE HOUSE

WASHINGTON

۱۱ دسامبر ۱۹۶۱

آقای سفیر عزیز^{۷۳}،

از نامه هفتم دسامبر شما که در آن دعوت بسیار سخاوتمندانه اعلیحضرت همایونی شاهنشاه و علیاحضرت ملکه فرح را برای دیدار از ایران در ماه ژانویه ابلاغ کرده بودید تشکر می‌نمایم.

برای من هیچ چیز لذتبخش‌تر از دیدن کشور شما که از دوران کودکی در مورد آن بسیار شنیده بودم نیست. اگرچه گنجاندن چنین دیداری در برنامه سفرم به هند و پاکستان غیرممکن است ولی امیدوارم اعلیحضرتین مراتب حق‌شناسی و تمایلم را برای دیدار از

۷۳. اردشیر زاهدی .

THE WHITE HOUSE
WASHINGTON

December 11, 1961

Dear Mr. Ambassador:

Thank you for your letter of December 7th, transmitting the extremely gracious invitation from the August Sovereign the Shahanshah and Her Imperial Majesty Queen Farah to visit Iran this January.

Nothing would give me greater pleasure than to visit your country about which I have heard so much since my childhood. Although it is impossible to work such a visit into my schedule to India and Pakistan, I hope Their Majesties will understand my gratitude and my desire to visit them on some other occasion.

Will you please extend the President's and my warmest personal greetings to His Majesty and I so look forward to meeting Her Imperial Majesty Queen Farah one day soon.

With all best wishes,

Sincerely,

Jackeline Kennedy

His Excellency
Ardeshir Zahedi
Ambassador of Iran
Iranian Embassy
Washington 8, D. C.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سند شماره ۲۷

آنان در فرصتی دیگر درک نمایند.

از جناب عالی استدعا دارم صمیمانه‌ترین سلامهای شخصی رئیس جمهور و مرا خدمت اعلیحضرت همایونی ابلاغ نمایید و امیدوارم به زودی روزی علیاحضرت ملکه فرح را ببینم.

با تقدیم بهترین آرزوها،

ارادتمند،

ژاکلین کندي

| ۱۱۵-۲۲۲-۱۰ | از

[۲۸]

[نامه کندی به اردشیر زاهدی]

THE WHITE HOUSE
WASHINGTON

۸ ژانویه ۱۹۶۲

آقای سفیر عزیز^{۷۴}

بدین وسیله تشکرات صمیمانه خود را بابت محبت‌تان در ارسال نسخه‌ای از کتاب
مأموریت برای وطنم به قلم شاه ایران همراه با دستخط شما، ابراز می‌دارم. از دریافت این
کتاب خاص و لذت مطالعه آن، خرسندم.

با سپاس و بهترین آرزوها،

ارادتمندتان،

[جان کندی]

[۱۱۵-۲۲۲۸]

[۲۹]

[نامه کرن به علی امینی]

FOREIGN REPORTS

NEW YORK

هری اف. کرن

مدیر

۷ فوریه ۱۹۶۲

عالیجناب،

نخست وزیر، علی امینی

آقای نخست وزیر عزیز،

متأسفم که لغو سفر دادستان کل، رابرت کندی، به تهران بر انتظار من مبنی بر آنکه

آقای رابرت هیگر^{۷۵}، وابسته به نشریه یونایتد استیتس نیوز اند ورلڈ ریپورت^{۷۶} گزارشی از وضعیت ایران ارائه کند خط بطلان کشید. این گزارش می‌توانست بسیاری از سوء تفاهمات موجود در این کشور [ایالات متحده] را برطرف سازد. نمی‌دانم آیا لغو توقف کندی در تهران هیچ ارتباطی با این سوء تفاهمات دارد یا خیر ولی نشانه‌های زیادی وجود دارد که این وضعیت به مرحله جدی رسیده است. در حقیقت، به نظر می‌رسد هم‌اکنون ایران آماج حمله یا حملاتی سازمان یافته است تا تصویری مستبدانه، خودکامانه و فئودالی و... از اعلیحضرت و دولت شما ترسیم سازند.

یکی از نشانه‌های جالب این حملات سازمان یافته در نامه‌هایی است که طی چند هفته گذشته کمیته روابط خارجی سنا دریافت کرد. گاهی اوقات، در یک روز، تعداد این نامه‌ها به ده فقره می‌رسد. بیشتر آنها از طرف استادان و کسانی است که به طور ضمنی خودشان را لیبرال هم می‌دانند. نامه‌ها مضمونی مشترک دارند و بیشتر آنها به طور اخص ایران را هم‌ردیف ویتنام جنوبی و فرمز یعنی کشورهای تحت سلطه حکومت‌های ارتجاعی ای می‌دانند که ایالات متحده نباید به آنها کمک کند. این چرخش جالبی است زیرا بعید نیست که، همزمان، نویسندگان بسیار زیادی چنین گرایشی پیدا کنند. باید پشت این تهاجم نامه‌نگاری یک جهتگیری کلی وجود داشته باشد.

البته نویسندگان این نامه‌ها، تحت تأثیر دانشجویان ایرانی مخالف شاه و حکومت ایران در اینجا هستند. شما با این مشکل آشنا هستید. مبارزات دانشجویان در مقایسه با تعدادشان با موفقیت همراه بوده است. یک دلیل این موفقیت هم، سهم عظیم مطبوعات آمریکایی در برجسته کردن این سوء تفاهمات راجع به ایران و، به تبع آن، معتبر دانستن اتهامات دانشجویان است. اخیراً بازداشت ابتهاج دستاویز کسانی قرار گرفته است که در مطبوعات مسئول اشاعه این سوء تفاهمات بودند. احتمالاً اینجا هم دست‌هایی در کار است.

این مسائل را با اردشیر زاهدی، سفیر ایران در میان گذاشته‌ام. او، به رغم منابع محدود، حداکثر تلاش خود را به عمل می‌آورد و من، مثل دفعات گذشته، به او توصیه کرده‌ام که تنها پاسخ واقعی به این اتهامات دروغ، ایجاد تشکیلات روابط عمومی است. سفارت ایران نمی‌توانست - و نمی‌بایست - چنین اقدامی بکند، ولو اینکه سرمایه‌های لازم را هم در اختیار می‌داشت. چیزی که هم‌اکنون مطرح است یک تشکیلات روابط عمومی حرفه‌ای است. قبلاً به سفیر، وزیر امور خارجه قدس نخعی، و آقای علاء تأسیس یک مؤسسه مشاوران روابط بین‌الملل را توصیه کرده‌ام. این را زمانی توصیه کردم

که نظرم را در مورد روابط عمومی جویا شده بودند. من به این مؤسسه دلبستگی دارم زیرا مدیر آن آقای چارلز آلن از دوستان من است و در سازماندهی آن به او کمک کرده‌ام. ولی شک ندارم که آنچه ایران لازم دارد یک مؤسسه روابط عمومی است. از این جهت به خود اجازه دادم تا این موارد را به سمع و نظرتان برسانم که احساس می‌کنم وضعیت فعلی را تنها می‌توان با اقدامات مناسب بهبود بخشید. مطمئنم از نظر شما، ایرادی ندارد که نسخه‌هایی از این نامه را برای آقای علاء و وزیر خارجه ارسال نمایم، چون قبلاً موضوع را با ایشان در میان گذاشته‌ام.

ارادتمند شما،

[هری اف. کرن]

[۱۳ و ۱۲-۷۱۲-۱۱۵ از]

[۳۰]

[نامه راکفلر به علی امینی]

THE CHASE MANHATTAN BANK

۲۱ فوریه ۱۹۶۲

عالیجناب^{۷۷}

دیدار ما از ایران در مسافرتمان به دور دنیا جای خاصی دارد. می‌دانستم که کشور شما خیلی زیباست ولی بناهای تاریخی خوبی که ما خصوصاً در شیراز و اصفهان دیدیم بسیار باشکوه بودند. هر چند کشور شما را بسیار زیبا یافتیم ولی از مهربانی مردم ایران و قابلیت و شهامت نخست وزیرش بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. از اینکه علیرغم برنامه بسیار سنگین و در آستانه سفرتان به اروپا وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، بسیار سپاسگزاریم. هر چند دیدار ما از ایران کوتاه بود ولی من و خانم راکفلر از نحوه برخورد و پذیرایی گرم و صمیمانه شما و خانم و پسر و عروستان بسیار متشکریم. امیدوارم که در آینده فرصت آشناییهای بیشتری دست دهد. به خصوص عالی خواهد بود اگر بتوانید امسال در نیویورک به ما سر بزنید، کما اینکه خودتان نیز اشاره کرده بودید که می‌توانید. مایلم بار دیگر به پاس خدماتی که طی ماههای گذشته برای کشورتان انجام داده‌اید، به جنابعالی تبریک گفته و موفقیت‌های بیشتری در آینده برایتان آرزو کنم.

با احترامات فائقه

با احترام

دیوید راکفلر، رئیس بانک چیس مانهاتان

[۸۴۴۵-۳۲-۵۵ الف]

THE CHASE MANHATTAN BANK



P.O. Box 3684, Beirut.

Lebanon cable address: CHAMANSANE

February 21, 1962.

Your Excellency:

Our visit to Iran will stand out as one of the very high points on the fascinating world tour we are taking. I had always known that your country was very beautiful but we were not prepared for the magnificence and quality of the monuments which we found, especially in Shiraz and Isfahan.

But if we found your country very beautiful, we were equally impressed by the friendliness and charm of its people and by the ability and courage of its Prime Minister. In view of your tremendously heavy schedule and your imminent departure for Europe, we were especially grateful to you for giving us so generously of your time. Despite the brevity of our visit, both Mrs. Rockefeller and I felt an especially warm response in the way you and Mrs. Amini as well as your son and daughter-in-law received us. I hope that there will be opportunities in the future for us to become better acquainted. It would be particularly nice if you could both pay us a visit in New York later this year as you indicated you might.

I want to congratulate you once more on what you accomplished for your country during the past several months, and to wish you every success for the future.

With kind regards,

Sincerely,

David Rockefeller
President

His Excellency
Prime Minister Ali Amini
Teheran, Iran.

پروفسور داور راکفلر
رئیس هیئت مدیره بانک چیس منهاتن
رئیس هیئت مدیره بانک چیس منهاتن
رئیس هیئت مدیره بانک چیس منهاتن
رئیس هیئت مدیره بانک چیس منهاتن

[۳۱]

[پاسخ علی امینی به راکفلر]

تهران ۲۰ مارس ۱۹۶۲

آقای راکفلر عزیز

نامه مورخ ۲۱ فوریه شما به هنگام بازگشت از اروپا به دستم رسید و بابت آن از شما تشکر می‌کنم. من و همسر من نیز به نوبه خود از دیدار با شما و خانم راکفلر بسیار مشغوف شدیم، ولی کاش می‌توانستیم از لذت دیدار شما بیشتر بهره‌مند می‌شدیم. از اینکه نوشته بودید سفرتان به ایران سفر دلیذیری بوده و آثار تاریخی اصفهان و شیراز را جالب یافته‌اید خوشحال شدم.

همانطور که قبلاً گفته‌ام ممکن است اواخر امسال از ایالات متحده دیداری داشته باشم، که طی آن قطعاً از لذت دیدار شما و بانو راکفلر بهره‌مند خواهیم شد.

ارادتمند،

دکتر علی امینی، نخست وزیر

[۵۵-۳۲-۸۴۴۵الف]

[۳۲]

[نامه بکر به علی امینی]

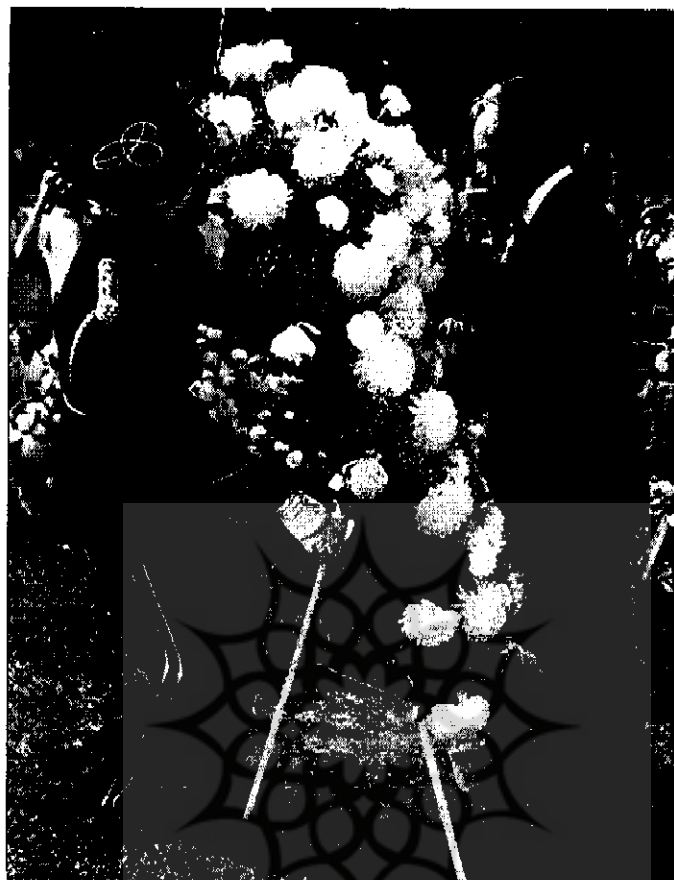
RALPH E. BECKER

WASHINGTON D.C.

۲۷ فوریه ۱۹۶۲

دکتر امینی عزیز:

من و همسر من Ann در تعطیلات آخر هفته گذشته درباره امکان سفر امسال به ایران با هم صحبت کردیم و سعی داریم برنامه‌مان را طوری تنظیم کنیم که بتوانیم شما را در ماه ژوئیه یا اوت ملاقات کنیم. نمی‌دانم این وقت از سال برای سفر مناسب است یا نه. ممنون می‌شوم اگر هر زمان که برای سفیر جدیدتان مناسب است لطف بفرمایید و به محض رسیدن او وقت ملاقاتی با وی برای من ترتیب دهید. خوشحال می‌شوم که او را ببینم و هر آنچه از دستم برمی‌آید انجام دهم. فکر کردم شاید بریده‌های روزنامه برایتان جالب باشد.



محمد رضا پهلوی بر سر مزار کندی | ۶۴-۱-پ

امیدوارم همه چیز بر وفق مراد شما پیش رود. ما می‌دانیم که لحظات سختی را پشت سر گذاشته‌اید، اما دوستان شما و دوستان ایران از رسالت خطیری که بر عهده گرفته‌اید و شهامت و ذکاوتی که مستلزم آن است به خوبی آگاهند.

با تقدیم صمیمانه‌ترین احترامات، ارادت‌مند شما،

رالف ئی. پیکر

[در حاشیه:]

جواب داده شود با اینکه ماه ژوئیه و اوت در تهران گرم است ولی اشتیاق دیدار شما برای من و خانم بسیار فراوان است و به هر حال هر یک از این ماهها را که بخواهید با کمال میل حاضریم. معرفی لازم به آقای سفیرکبیر جدید شود. ۴۰/۱۲/۲۸

[۸۴۴۵۰۳۲۰۵۶ الف]

[۳۳]

[نامه علی امینی به بکر]

تهران، ۱۹ مارس ۱۹۶۲

آقای بکر عزیز،

از شما بابت نامه بیست و هفتم فوریه‌تان و بریده‌های روزنامه که پس از بازگشت از اروپا به دستم رسید بسیار سپاسگزارم. خیلی خوشحال شدم که فهمیدم می‌خواهید به همراه همسرتان (آن Ann) به تهران بیایید. گرچه در ماه اوت و ژوئیه هوای تهران نسبتاً گرم می‌شود اما من و همسر من بسیار مشتاق دیدار شما هستیم و مایلیم هر زمان که برای شما مناسب‌تر است پیش ما بیایید. در مورد آشنایی شما با سفیر جدیدمان با کمال میل ترتیبات لازم را خواهم داد. با تقدیم بهترین آرزوها برای همسر و تمام خانواده‌تان، من و همسر من منتظر دیدارتان هستیم.

ارادتمند شما،

دکتر علی امینی، نخست وزیر

[۵۶-۲۲-۸۴۴۵ الف]

[۳۴]

[نامه بولز به علی امینی]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
WAS
پرتال جامع علوم انسانی

دهلی نو، هندوستان

۲۷ فوریه ۱۹۶۲

دکتر امینی عزیز

مایل بودم که قدردانی عمیق خود را بابت رفتار گرم و صمیمانه‌تان که در خلال اقامت اخیر من در ایران نسبت به من ابراز نمودید، تقدیم نمایم. برای من به خصوص مایه مسرت عظیمی بود که توانستم با شما در مورد مسائل مربوط به ایران و آمریکا صحبت کنم و نیز به چشم خود شاهد تلاش شما و همکارانتان برای فائق آمدن بر مشکلاتی باشم که از زمان گذشته بر جای مانده‌اند.

من بی‌اندازه تحت تأثیر شایستگی و توانمندی بسیاری از همکاران شما قرار گرفتم و خصوصاً از سخنان بسیار جالب دکتر اصفیا و همکاران ایشان در سازمان برنامه بهره‌مند شدم.

اینک در حالی به آمریکا بازمی‌گردم که امیدواری زیادی نسبت به آینده داشته و نسبت به توانایی شما در هدایت کشورتان به مراتب بالاتری از پیشرفت اقتصادی و عدالت اجتماعی اعتماد عمیقی دارم. با گرم‌ترین احترامات،

ارادتمند،

چستر بولز^{۷۸}،

نماینده ویژه رئیس‌جمهور

[۵۸-۳۲-۸۴۴۵الف]

[۳۵]

[پاسخ علی امینی به بولز]

تهران، ۲۵ مارس ۱۹۶۲

سفیر عزیزم

از دریافت نامه محبت‌آمیز ۲۷ فوریه شما مسرور گشته، و خوشحالم از اینکه با امیدواری نسبت به آینده به کشورتان بازگشته‌اید.

فائق آمدن بر مصائب ناشی از اقتصادی ورشکسته و بیشمار مشکلات دیگری که طی سالیان متمادی گذشته سر بر آوردند و اینک به من به ارث رسید، بیشک مستلزم زمانی طولانی است.

بنابراین برای پیشبرد و اجرای برنامه‌های اصلاحات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی که من آغاز کرده‌ام به زمان و نیز امیدواری به آینده و همانطور که جنابعالی به درستی اشاره کردید به روحیه و شهامت عظیم نیاز داریم.

مایلم با اعتنای از این فرصت سپاس قلبی خود را بابت همدلی و روحیه مثبتی که در خلال مذاکرات از خود نشان دادید ابراز نمایم.

با بهترین آرزوهای شخصی

ارادتمند،

دکتر علی امینی

[۵۸-۳۲-۸۴۴۵الف]

[۳۶]

[نامه سیمز به اسدالله علم]

Industrial Aids Limited, Public Relations^{۷۸}

۶ مارس ۱۹۶۲

بسیار خصوصی و محرمانه

آقای علم عزیز،

به شما قول داده بودم خلاصه‌ای از بریده‌های جراید هفته گذشته را در اختیارتان بگذارم:

۱. دیدار آقای دکتر امینی مثبت ارزیابی شده است.
۲. لرد هوم^{۸۰}، وزیر امور خارجه طی نطقی در روز ۳ مارس گفت:
یادآوری دوگانگی در مناسبات بین‌المللی روسیه و به ویژه تفسیر این کشور از مفهوم همزیستی برای مردم کشورم همواره برایم نامطلوب و ملال‌آور بوده است. برای آنها همزیستی مسالمت‌آمیز شامل ساعتها انتشار اخبار روزانه علیه متحدان ما ترکیه و ایران است. تلاش کمونیستها برای به دست گرفتن قدرت در نخستین روزهای آشوب در کنگو را نیز نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز می‌دانند که البته درست سر بزننگاه توسط سازمان ملل عقیم ماند.

۳. یان کولون^{۸۱} در مقاله‌ای در دیلی تلگراف با جمع‌بندی دوره سه ساله حضور خود در خاورمیانه به عنوان مخبر ویژه این نشریه می‌گوید:
شاه و نخست‌وزیر او، دکتر علی امینی، در تجارب اجتماعی به مراتب بیش از ناصر موفق بوده‌اند. هدف اصلاحات ارضی ایران که در مقابله با حزب کمونیست توده و ملاکان فئودال ایران صورت گرفت، نابودی طبقه نبود. بلکه هدف آن فراهم کردن امکاناتی برای مالکیت کشاورزان در کنار املاک بزرگ، و پرداخت بهای زمین پس از تغییر مالکیت بود.
جو ایران بدون تردید جوئی اقتدارگرایانه، اما امیدوارکننده است. فضای قاهره با از هم گسیختن ساختار جامعه و تردید جدی در قداست رهبران مصر، فضایی است که ناامیدی ویران‌کننده‌ای بر آن حاکم است.

۷۹. روابط عمومی مؤسسه کمکهای صنعتی با مسئولیت محدود. (اینداستریال ایدز لیمیتد)

۴. در نشریات اقتصادی، به ویژه اینوسترز کرونیکل^{۸۲}، به کارخانه چغندر قند در فارس اشاره شده است.

۵. عکس علیاحضرت فرح در حال اسکی در اَبعلی در نشریات متعددی چاپ شد.

۶. منچستر ایونینگ نیوز^{۸۳} به اقدامات دولت شما در راستای حفظ صنعت فرش ایران اشاره کرده است.

من به مذاکرات خود با روزنامه‌نگاران و سیاستمداران ادامه می‌دهم.

آرئی. سیمز^{۸۴}

[۱۵-۳۲۳-۷۹۴ع]

[۳۷]

اطرجهایی در خصوص ایجاد تشکیلات روابط عمومی
و نحوه سازماندهی تبلیغات برای دولت ایران در غرب

خصوصی و محرمانه

اهداف برنامه‌ریزی شده اقدامات روابط عمومی

اهداف چنین اقداماتی فراهم آوردن زمینه همفکری بیشتر در درک و فهم مشکلات ایران در سراسر جهان غرب است. اگرچه هدف این تبلیغات در درجه اول ایالات متحده و انگلستان خواهد بود ولی در نظر است که روزنامه‌ها و نشریات عمده و صاحب‌نظر انگلیسی و آمریکایی به طور وسیعی در آسیا و آفریقا مورد استناد قرار بگیرند و روشنفکران این دو قاره و شماره کثیری از دانشجویانی که چند سالی در غرب زندگی کرده‌اند سخت تحت تأثیر قرار بگیرند.

نویسنده این سطور معتقد است که چنین اقداماتی باید با مهارت و ظرافت قابل توجهی صورت بگیرند. موفقیت این اقدامات به نوع مردمی که از آنها تأثیر می‌پذیرند بستگی دارد. هدف اول عبارت است از فراهم کردن اطلاعات درباره ایران، سیاستها و موقعیت کنونی آن و موفقیت‌های اخیر این کشور و دادن این اطلاعات در اختیار کسانی که معمولاً به عنوان «طبقات سازنده افکار» شناخته شده‌اند. برای روشن شدن معنای دقیق این واژه زمانی یک دانشمند سیاسی معروف انگلیسی گفته: «جو افکار سیاسی در

ni es ors roni le an es er enin ews

Si s مشاور مطبوعاتی اسدالله علم و مسئول شرکت اینداستریال

بریتانیا را اصولاً اعضای پارلمان تعیین می‌کنند که از طریق گفت‌وگوهای روزانه خود با نمایندگان سیاسی در اتاقهای استراحت sokin roo s و بارهای* مجلس عوام راه ارتباط با مطبوعات را هموار کرده‌اند. این مطلب شاید اغراق باشد، ولی واقعیت این است که عده معدودی از افراد، که مناصب قدرت و مسئولیت را در اختیار دارند، معمولاً قادر به ایجاد جو فکری هستند - به ویژه درباره کشورهای خارجی که در واقع برای شهروندان عادی امریکایی یا انگلیسی شناخته شده نیستند.

درگیر شدن در تبلیغات جنجالی نظیر آنچه که اخیراً گروه به اصطلاح لابی کاتانگا aana o y و دولت آفریقای جنوبی و فدراسیون آفریقای مرکزی به راه انداخته‌اند مطمئناً فاجعه‌آمیز خواهد بود. چنین تبلیغاتی صرفاً باعث نارضایتی می‌شود و تأثیر معکوس خواهد داشت. در حقیقت، تقریباً تمامی تبلیغاتی که یک دولت مستقیماً به عمل می‌آورد شک برانگیز است.

اقدامات تبلیغاتی باید به گونه‌ای آگاهانه معطوف به کسانی باشد که قادر به تأثیرگذاری بر روند کلی افکار عمومی هستند. اگر قرار است این امر با موفقیت صورت گیرد، بدیهی است که شخص مسئول باید در سطوح مناسب تماسهای صائبی داشته باشد و خود و فعالیتهای خود را کاملاً دور از چشم دیگران نگهدارد.

روشها

۱. باید جریان پیوسته اطلاعات از ایران به شخصی که برای این کار در غرب گمارده شده وجود داشته باشد. این کار احتمالاً مستلزم گماردن شخصی در تهران به عنوان مسئول ارسال اطلاعات مذکور و کلاً به عنوان رابط با فرد مورد نظر در غرب است. اطلاعات ارسالی در جریان تماسهای شخصی با سیاستمداران و روزنامه‌نگاران برجسته به صورت گزینشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.
۲. افراد با نفوذ غربی نظیر سناتورها و نمایندگان مجلس باید به ایران دعوت شوند. در نتیجه، در مدت زمان نسبتاً کوتاهی، این امکان فراهم خواهد آمد تا گروهی متشکل از مردان و زنان با نفوذ تشکیل شود که با مسائل و مشکلات ایران انس دارند و براساس تجربیات شخصی می‌توانند درباره مشکلات مزبور صحبت کنند.
۳. همچنین باید از چند سردبیر با نفوذ نشریات دعوت کرد تا به ایران سفر کنند. مثلاً مجله اقتصادی انگلیسی‌زبان دایرکتور [Director] که ۵۰,۰۰۰ مدیر شرکت در

* منظور سائن مشروب‌خوری است.

انگلستان و نزدیک ۵۰۰۰ مدیر و مسئول اجرایی شرکتهای بزرگتر در ایالات متحده آن را مطالعه می‌کنند، تنها یک دیدار سردبیر این مجله می‌تواند تأثیر بسیار بسزایی در طرز تفکر محافل اقتصادی غرب داشته باشد. همچنین باید از یکی از مدیران ارشد اجرایی وال استریت جورنال Wall Street Journal دعوت کرد که از ایران دیدن کند.

۴. هر گاه قرار باشد سیاستمداری، بازرگانی یا یکی دیگر از شخصیت‌های با نفوذ ایرانی از غرب دیدن کند، مسئول اقدامات تبلیغاتی باید از قبل در جریان این سفر قرار گیرد و اطلاعات مختصری دربارهٔ آراء و افکار وی به او داده شود. بدین ترتیب می‌تواند، در صورت تمایل، ملاقات‌های در خوری با سردبیران و غیره برای او ترتیب دهد.

۵. با اقداماتی در جهت گسترش صنعت جلب سیاحان (توریسم) می‌توان تصویر کلی ایران را تا حدود زیادی بهبود بخشید. لازم است برای نمایندگان بنگاه‌های مسافرتی و روزنامه‌نگاران نشریات سیاحتی گردش‌های برنامه‌ریزی شده‌ای ترتیب داده شود. اطلاعات بسیار بیشتری در مورد تاریخ ایران، مناظر طبیعی آن، تسهیلات ورزشی آن و غیره باید هم از مجاری عادی دولتی و هم از طریق مسئول تبلیغات ویژه در دسترس قرار گیرد.

۶. به موازات توسعه روند تبلیغات، بسیاری از دیگر روش‌های تأثیرگذاری بر افکار عمومی خود را نشان خواهند داد. به طور مثال، نویسنده این گزارش با بسیاری از شخصیت‌های محافل رادیو و تلویزیون چه در انگلستان و چه در ایالات متحده ارتباط‌های بسیار نزدیکی دارد. برای تهیه و پخش برنامه‌ها کارهای زیادی می‌توان صورت داد، حداقل اینکه برنامه‌های مناسب‌تر و هدفمندتری از آنچه که تاکنون در مورد ایران پخش می‌شد می‌توان ترتیب داد.

خلاصه آنکه، این امر مشکلی است که به روابط عمومی به مفهوم جامع آن نیاز دارد. یک رشته تبلیغات از سوی شخصی با سوابق و ارتباط‌های صحیح در زمینه‌هایی که در سطور فوق پیشنهاد شد می‌تواند تا حد زیادی چهره فعلی ایران را متحول سازد. در هر حال اگر چنین اقدامات تبلیغی به گونه‌ای ساده و غیر حرفه‌ای صورت گیرد ممکن است آسیب‌های قابل توجهی به بار آورد.

در مناطق مختلف جهان باید میان سازمان‌های مختلف در روابط عمومی هماهنگی به عمل آید مهم این است که همه ما یک صدا صحبت کنیم و به تناقض‌گویی متهم نشویم. نویسنده گزارش حاضر نیز، در صورتی که این اقدامات به او محول شود، ارائه دائم پیشنهاد‌های مربوط به معرفی سیاست‌های ایران در خارج از کشور را یکی از وظایف اولیه

خود خواهد دانست. در این زمینه، وی تجارب تقریباً منحصر به فردی دارد. از اواخر سال ۱۹۵۶ تا نخستین ماههای ۱۹۶۱ مسئول تبلیغات حزب محافظه‌کار در انگلستان بوده و همچنین مسئولیت تأمین اطلاعات دربارهٔ فعالیتهای این حزب برای روزنامه‌های خارجی را بر عهده داشته است. با اعضای کابینه بریتانیا هر روز در تماس بوده و از او خواسته می‌شد تا دربارهٔ نحوهٔ طرح و ارائهٔ سیاستهای دولت نظر دهد.

پیشنادهای اجرای طرح

پیشنهاد می‌شود که وظیفه اجرای اقدامات تبلیغی مطروحه در فوق به نویسندهٔ این گزارش محول شود، و مدت این انتصاب از اول مارس ۱۹۶۲ به مدت یک سال تعیین گردد، بدیهی است تمدید این مدت با توجه به موفقیتهایی که به دست خواهد آمد قابل بررسی مجدد است. نویسنده به محض بازگشت به لندن، گفت‌وگوهای محرمانه‌ای با شخصیت‌های برجستهٔ سیاسی و روزنامه‌نگاران مهم و عمده انجام خواهد داد و متعاقباً در مورد برآورد هزینه‌ها که به نظر وی نزدیک به ۱۰،۰۰۰ پوند در سال برای آمریکا، ۶،۰۰۰ پوند برای انگلستان و ۴،۰۰۰ پوند برای دیگر کشورهای اروپایی به اضافهٔ هزینه‌های مربوط به پذیرایی از شخصیت‌های برجسته‌ای که از ایران دیدن می‌کنند پیشنهاد‌های مفصل‌تر و دقیق‌تری ارائه خواهد داد.

[۱۵-۲۲۳-۷۹۴-ع]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی [۳۸]

[نامه سیمز به اسدالله علم]

nd s rial Aids i i ed P li elations

۴ آوریل ۱۹۶۲

کاملاً خصوصی و محرمانه

جناب آقای امیر اسدالله علم

آقای علم عزیز،

هم‌اکنون از ایالات متحده برگشته‌ام و در طول اقامتم ملاقات‌های مهمی در سطوح مختلف با سیاستمداران و روزنامه‌نگاران داشتم. با مقامات تلویزیونی آمریکا نیز

صحبت کردم و به طوری که دریافتم هر گونه تسهیلات را برای حاضر شدن دوستان در تلویزیون را در اختیار وی قرار خواهند داد.

از شنیدن این خبر که جیم نیکولز^{۸۵} نامی نیز از سوی سفارت مأموریت یافت تا همان کاری را انجام دهد که من برای انجام آن به ایالات متحده رفته بودم، دچار شگفتی و تعجب شدم.

در این خصوص برای شما تلگراف فرستادم و تقاضای مکالمه تلفنی کردم که فکر نمی‌کنم تا فردا صبح موفق شوم.

مطلبی اضافه بر آنچه که هفته گذشته به صورت دستی پس از بازگشتم از تهران برایتان فرستادم، ندارم، اما تنها یک نکته بسیار مهم وجود دارد. متوجه شده‌ام یکی از مشکلات ایران در ایالات متحده این احساس است که ایران یک کشور عربی است. من فکر می‌کنم دوستان باید زیرکانه این دیدگاه را اصلاح کند زیرا بسیاری از متفندان در عرصه سیاست، روزنامه‌نگاری و اقتصاد در ایالات متحده یهودی هستند، در نتیجه هر نوع اشاره دوستانه به اسرائیل می‌تواند نتایج خوبی در بر داشته باشد. تا جایی که می‌توانم قضاوت کنم جو افکار عمومی در ایالات متحده طی چند هفته گذشته بسیار بهبود پیدا کرده است.

آر.ئی. سیمز

[۱۵-۳۲۳-۷۹۴-ع]

پژوهشگاه علوم انسانی [۳۹] مطالعات فرهنگی

[نامه سیمز به اسدالله علم]

nd s rial Aids i i ed, P li ela ions

۱۲ آوریل ۱۹۶۲

کاملاً خصوصی و محرمانه

آقای علم عزیز،

تازه از ایالات متحده برگشته‌ام و بلافاصله پس از آمدن دوستان او را دیدم. برنامه

بسیار جالبی تنظیم شده که از آن جمله است ضیافت ناهار با صاحبان نیویورک تایمز و تایم / لایف.

به ضمیمه دو بریده از نیویورک تایمز که ممکن است برایتان جالب باشد، ارسال می‌کنم. دوستان از یادداشت سردبیر بسیار خرسند بود. به نظر می‌رسد بدون تردید نگرش کنونی در ایالات متحده کاملاً مطلوب است، و من فکر می‌کنم این مسافرت^{۸۶} موفقیت بزرگی خواهد بود.

آر.ئی. سیمز

[در حاشیه]

ضمناً احتمال دارد که هفته آینده مجدداً به ایالات متحده بروم.

[۱۵-۳۲۳-۷۹۴-ع]



۸۶ منظور مسافرت شاه در فروردین ۱۳۴۱ به امریکا می‌باشد.